





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

# فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس  
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه حرم مکه

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال دهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سردبیر: دکتر حسین کلاتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندیری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت
- استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
- دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمدرضا بمانیان
- دکتر مصطفی بهزادفر
- دکتر جهانشاه پاکزاد
- دکتر احمد پوراحمد
- دکتر محمدرضا پورجعفر
- دکتر اسماعیل ضرغامی
- دکتر محسن سرتیپی پور
- دکتر پروانه شاه حسینی
- دکتر حسین کلاتری خلیل آباد
- دکتر یعقوب محمدی فر
- دکتر محمد مسعود
- دکتر ابوالفضل مشکینی

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۴۷، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

شماره تماس: ۵-۶۶۹۵۱۵۹۳-۵۶۶۴۹۲۱۲۹ شماره: ۶۶۴۹۲۱۲۹

پایگاه اینترنتی: <http://iic.ihss.ac.ir>

نشانی اینترنتی: [iic@ihss.ir](mailto:iic@ihss.ir)

## فهرست مطالب

- ۵ ..... بازنمایی گستره و عناصر شاخص محله لبنان اصفهان در دوره قاجاریه ..... مهسا پایه دار، محسن افشاری
- ۱۷ ..... تحلیل روابط فرهنگی در پیکره‌بندی فضایی مسکن سنتی کردها؛ مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهری منطقه موکریان (شهر سردشت) ..... الهام رشیدزاده، فواد حبیبی
- ۳۳ ..... بازخوانی سازمان فضایی محله در شهر ایرانی از منظر فرهنگ وقف؛ مطالعه موردی: محله علی‌قلی آقا، شهر اصفهان ..... مینا کشانی همدانی، حسن سجاذاده
- ۴۵ ..... ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد؛ مطالعه موردی: مسجد نصیرالملک - شیراز ..... محمدرضا ملکی، قادر بازیدی، علی یونسی، فرزین چاره‌جو
- ۵۵ ..... بازشناسی مولفه‌های معنایی کوچه‌های شهر ایرانی - اسلامی؛ مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر ساری ..... مهدی سعدوندی، عبدالمجید نورتقانی، رسول عبدی ملک کلایی
- ۶۵ ..... پژوهشی بر چستی معماری اسلامی ..... ستار خالیدیان



### داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- |  |                          |
|--|--------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران               | ● علی اسدپور             |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران                          | ● یوسف اشرفی             |
| عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)     | ● بهرام امین‌زاده        |
| عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان                        | ● کیومرث ایراندوست       |
| عضو هیأت علمی دانشگاه اسلامی تبریز                   | ● محمدتقی پیربابایی      |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران                          | ● علی سرداری             |
| عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی                        | ● محمد سلیمانی           |
| عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت | ● پروانه شاه‌حسینی       |
| عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز                          | ● مهسا شعله              |
| عضو هیأت دانشگاه علامه طباطبایی                      | ● محمد شیخی              |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران                          | ● حسن کریمیان            |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی                           | ● حسین کلانتری خلیل‌آباد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجایی                     | ● جمال‌الدین مهدی‌نژاد   |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز              | ● طاهره نصر              |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی [www.sid.ir](http://www.sid.ir) نمایه می‌شود.





## بازنمایی گستره و عناصر شاخص محله نلبان اصفهان در دوره قاجاریه

مهسا پایه دار<sup>۱</sup>، محسن افشاری<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳)

### چکیده

زندگی در شهرهای سنتی ایران تا اواخر دوره قاجاریه در قالب محله انتظام و معنا می یافت که در پی توسعه های شهری دوره پهلوی دچار تخریب و گسست کالبدی و کارکردی گردید. به مرور زمان تغییر سبک زندگی و تسریع در روند آن موجب تحولات معنایی، انزوا و نابودی ساختار محلات از حافظه جمعی شهروندان گردید. از آن جا که محله بستر زندگی جاری در شهر قدیمی و مهم ترین مقیاس سکونتی محسوب می شود مطالعه ساختار و عناصر شاخص آن حائز اهمیت است. حال آن که پیرامون ساختار محلات شهر اصفهان در دوره قاجاریه و به منظور شناخت هر یک از محلات با دیدگاه مطالعات تاریخ معماری تحقیق زیادی صورت گرفته است. در این راستا محله نلبان که از قدیمی ترین و بزرگ ترین محلات اصفهان و واقع در جانب غربی این شهر بوده است در دوره مذکور مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. هدف این بازنمایی تدقیق و ترسیم پیشینه تاریخی یکی از مهم ترین شهرهای تاریخی ایران است. پژوهش حاضر از روش تاریخی تفسیری و با استفاده از منابع مکتوب معتبر تاریخی صورت پذیرفته است. داده های تاریخی که وجود محله از آن نشأت می گرفت و یا برای افراد محلی اهمیت داشت به عنوان مولفه های شاخص از منابع گوناگون شامل نقشه ها، سفرنامه ها، تاریخ نگاری ها و ... تدوین و استخراج شد و با نگرشی متفاوت در پنج دسته شاخصه های طبیعی، تاریخی، اقتصادی و شغلی، جمعیتی و کالبدی تبیین گردید. در نهایت با استفاده از مطالعات انجام شده و تطبیق با نقشه سیدرضاخان گستره این محله در شهر دوره قاجاریه بازترسیم شد و شناخت عناصر شاخص در این محله و موقعیت یابی آنان صورت پذیرفت. این مطالعات نه تنها به لحاظ تاریخ نگاری شهری ارزشمند است بلکه چنان که ساختاری برگرفته از رفتارها و فعالیت های انسان ها در بازه زمانی طولانی و منطبق با محیط طبیعی خود بوده است برای فرایند ارتقاء کیفی شهرهای امروزی امری ضروری است.

واژگان کلیدی: بازنمایی، محله، نلبان، قاجاریه، اصفهان.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌ها دخالت در محیط‌زیست طبیعی و ساختن محیط مصنوع جهت زندگی اجتماعی است. در میان ساخته‌های دست انسان، بی‌شک فضاها و محل‌های زندگی شهری پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مصنوع بشری بوده و در واقع عصاره تلاش و تمدن انسانی در روی زمین در شهرها تجلی پیدا کرده است. (امیرخانی، بقایی و بمانیان، ۱۳۸۸: ۶۱). شهر به مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل‌پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه‌های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می‌دهد. (مردانی، ۱۳۹۴: ۶۶).

«محلات در شهر به عنوان کوچک‌ترین واحدهای مدنی محسوب شده که شامل تمامی ویژگی‌های شهر هستند.» (کاشانی جو و فتح‌العلومی بهار، ۱۳۹۴: ۲). «مقیاس‌هایی نظیر محله، به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهر، همواره بخش مهمی از دغدغه‌های فکری و حرفه‌ای اندیشمندان و مدیران حوزه شهری را به خود اختصاص داده است» (موقر، رنجبر و پورجعفر، ۱۳۹۴: ۳۶). «پیدایش مفهومی همچون «محله» دارای تاریخچه‌های طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی دارد» (ثقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴). محله از طریق برخی عوامل و یا اماکن و فضاهای عمومی و شاخص، پیوند میان گروهی از جامعه را در خود و در ارتباط با دیگر محله‌ها و همه شهر برقرار می‌کند. «محله در تاریخ اجتماعی و زندگی شهری ایرانیان توأم با ویژگی‌ها و نشانه‌هایی مانند: روابط و پیوندهای میان‌خانوادگی، معاشرت‌های نزدیک و «رو در رو»، بر خورداری از تعلقات مشترک در میان ساکنان یک مکان، است بنابراین محله‌ها در شهرهای گوناگون از نظر ساخت کالبدی، فضاهای عمومی، سیمای خانه‌ها، ساختار اجتماعی و روابط جمعی و... ممکن بود تفاوت‌های بارزی از یکدیگر داشته باشند و اعتبار هر محله بسته به ساکنان آن، فزونی می‌یافت. هر محله بنا به ویژگی‌هایی که داشت از محلات همجوار خود متمایز می‌شد؛ گاه این وجوه تمایز در گروه‌بندی اجتماعی، اقتصاد، نقش سیاسی، ویژگی‌های معماری، کارکرد و ساختار فرهنگی از گونه مذهبی و رسم‌ها و حتی زبان، گویش و لهجه کاملاً نمایان بود و گاه الگوهایی خاص، پیونددهنده و وحدت‌بخش در میان همه محله‌ها بودند که در این صورت وحدت در پیوند با تنوع، به سان دیگر وجوه فرهنگی در ایران، پر دوام می‌ماند.» (باستانی راد، ۱۳۹۱: ۲).

امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است (کلانتری خلیل آباد، حقی و دادخواه، ۱۳۹۳: ۱۸). در شهرهای امروزی نقش محله‌های شهری در ساختار اجتماعی شهر ایرانی اسلامی به شدت کاهش یافته است

(سالاری پور، و غیره ۱۳۹۷، ۳۸) و فرسایش و تخریب محله‌های بافت تاریخی شهر اصفهان تهدیدی جدی در جهت تزلزل و از هم پاشیدگی هویت فرهنگی و تاریخی شهر محسوب می‌شود (سرائی، بهرامی و مهره‌کش، ۱۳۹۱: ۲۸). لذا شناخت جامعی از این واحدهای شهری پراهمیت می‌تواند علاوه بر ارزش تاریخی‌نگاری و ثبت پیشینه تاریخی هر شهر؛ در راستای ساماندهی و برنامه‌ریزی برای بافت‌هایی با قدمت تاریخی ضروری باشد چرا که لازم است دخل و تصرف‌های صورت گرفته در ساختارهای این دسته از محلات با دقت نظری دو چندان و با شناخت نسبت به ساختار پیشین آن صورت پذیرد.

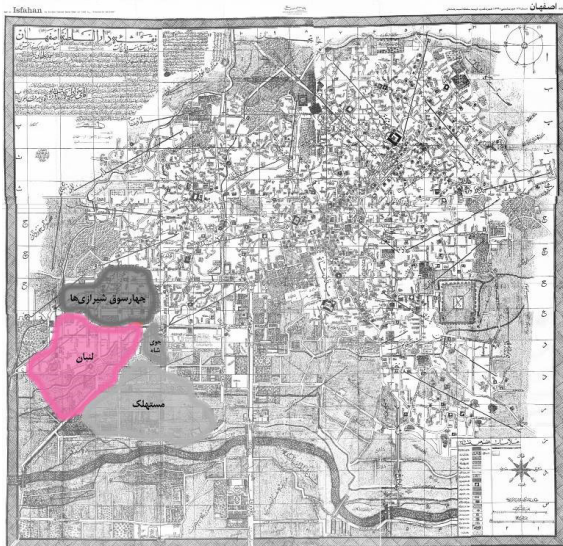
محله‌لنبان اصفهان در زمره محلات قدیمی شهر اصفهان و از بزرگترین آنان به شمار می‌رود که بی‌تردید پژوهشی جدی به منظور معرفی بافت آن نه تنها در بازه زمانی قاجاریه، بلکه در هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی انجام نشده است. این پژوهش با اتکا به مستندات تاریخی و منابع شفاهی (به صورت غیرمستقیم) و با هدف شناخت گستره و عناصر محله‌لنبان در دوره قاجاریه شکل گرفته است. تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- گستره محله‌لنبان اصفهان در دوره قاجاریه کجاست؟
- عناصر شاخص این محله در دوره قاجاریه چه بوده است؟

## روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تاریخ‌تفسیری انجام شده است؛ برای این منظور منابع تحقیق که در زمره منابع مکتوب هستند با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. درک حقیقت معماری گذشته، از کنار گذاشتن تمام پیش‌فرض‌ها و قواعدی آغاز می‌شود که بر اساس نگرش امروز به این میراث نسبت داده و بر پایه معماری و هنر گذشتگان ادراک می‌شوند. برای درک کیمیای معماری گذشته باید انسان گذشته را فهمید و از دریچه نگاه او به جهان نگرست (سروش، ۱۳۸۵: ۸۰). به منظور دستیابی به داده‌هایی برآمده از دوره قاجار بیشتر به کتاب‌هایی از سفرنامه‌ها و تواریخ «محلی» پرداخته شد که بیشتر به شرح «مکان» پرداخته‌اند چنان که دکتر باستانی یاریزی معتقد است «هرچه یک تاریخ، سرزمین کوچک‌تری را فرا بگیرد، امکان بیشتر دارد که در مسائل جزئی، دقیق‌تر و صحیح‌تر شود» (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۱) «چراکه مورخ حوصله و مجال بیش‌تری برای داشته است تا شهر و منطقه خود و نکات ارزشمند که جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد؛ شرح دهد (رجائی، چلونگر و نورائی، ۱۳۹۰: ۳۰). لذا داده‌ها شامل اسناد دست‌اول تاریخی، آثار مکتوب پژوهشگرانی که جمع‌بندی و توصیفی از این متون داشته‌اند، تهیه عکس‌های قدیمی و یافته‌های به دست آمده دیگر پژوهش‌ها در دوره قاجاریه است. پس از انسجام مفهومی داده‌ها، تحلیل و تطبیق بر نقشه اصفهان به منظور تدوین نظرات جدید و تهیه نقشه‌ای جامع از گستره و عناصر این محله انجام شده است.

لبنان براساس دو کتاب احصائیه و الاصفهان جزو ناحیه یک از نواحی چهارگانه اصفهان عصر میر سید علی جناب به شمار می‌رفته است. در مقیاس تقریبی با وضعیت کنونی شهر اصفهان، شرق آن به خیابان شهید بهشتی (بهشتی نژاد، سمت شرقی را خیابان اردیبهشت با نام پیشین مستهلک می‌داند)، غرب به بزرگراه خیام این خیابان در دوره پهلوی، به دور شهر شهرت داشته است)، شمال به خیابان صارمیه و جنوب به حواشی رودخانه زاینده رود محدود می‌شود (جناب، ۱۳۹۳: ۳۴). نقشه اصفهان کنونی نشان می‌دهد بسیاری از جای‌نام‌ها بدون مشخص بودن دلایلش و حفظ ساختار شکلی مکان، همچنان بر نقاط شهری باقی مانده است. محله لبنان در دوره قاجاریه در جنوب غربی شهر و در جوار سه ناحیه چهارسوق شیرازی‌ها، جوی شاه و مستهلک قرار داشته است. این محله از جانب غربی به صحراهای حاشیه شهر منتهی می‌شده است که در شکل ۱ موقعیت محله لبنان در نقشه سید رضاخان (نقشه دوره قاجاریه از اصفهان) و محلات هم‌جوارش نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: موقعیت محله لبنان در شهر اصفهان دوره قاجاریه و نسبتش با دیگر محلات مجاور؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

### شاخصه‌های طبیعی

همانطور که پیشتر اشاره شد این محله در ناحیه یک شهر اصفهان قرار دارد، می‌توان گفت دو هسته محله‌ای در آن وجود داشته است و بی دلیل نیست که آن را لبنانین گفته‌اند (شفقی، ۱۳۸۱: ۴۰۰). بهشتی نژاد در نقش شخصی که تجربه زندگی در محله لبنان را دارد، محدوده محله لبنان قدیم را چنین می‌داند: لبنان و لبنانچی و صحرا و سه پله از قسمت‌های مهم لبنان در نقشه‌های قدیمی بوده که دو قسمت آخر یعنی صحرا و سه پله قسمت‌های زراعی و باغات محله لبنان محسوب می‌شده است. این محله در جانب غرب و جنوب غربی شهر واقع بوده که به لحاظ جغرافیایی موقعیت بسیار مناسبی به شمار می‌رود؛ علاوه بر آن هم‌جواری با رودخانه زاینده رود یکی از محاسن این محله تلقی می‌گردد. بعضی از نام‌هایی که بهشتی نژاد به آن‌ها اشاره می‌کند، در متن صورت احصائیه

در مباحث نظری حوزه جغرافیای تاریخی که نخستین بار به صورت آکادمیک در قرن بیستم به بحث گذارده شد. با تاکید بر دشواری پژوهش در این حوزه مسائلی همچون فرهنگ انسانی که پیشتر در حوزه جغرافیای انسانی می‌گنجید، دارای ماهیتی تاریخی بود؛ بنابراین انسان به عنوان محور تحول در جغرافیای تاریخی، عامل تاثیرگذار در آفرینش فرهنگ در این تحقیقات معرفی شد. در این نگاه هر چند اصالت را بر جغرافیا (مکان) قرار دادند، ولی مهم آن بود که داده‌های آن از طریق بررسی‌های تاریخی فراهم می‌شد (sauer, 2009: 4-15). از آن‌جا که الگویی جهت تحقیق و پژوهش‌های بنیادی بر جغرافیای تاریخی صورت نگرفته است؛ در فرآیند این پژوهش، پس از تبیین وجه تسمیه لبنان، شاخصه‌های یافته شده درباره محله در پنج دسته شاخصه‌های تاریخی، طبیعی، اقتصادی و شغلی، جمعیتی و شاخصه‌های کالبدی تبیین و تحلیل شده است.

### مرور یافته‌های تحقیق

جای نام‌ها دلالت بر چگونگی پدیداری آبادی‌ها، شهرها، کشورها، و در شهرها عناصر کالبدی چون کوی‌ها، گذرها، کوچه‌ها، خیابان‌ها و میادین، عناصر معماری وابسته به شهرها، روستاها، معابر و ... دارد که در دل تاریخ بر جای مانده‌اند (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۲). شناخت نام‌ها علاوه بر اینکه به بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند دریچه‌ای برای کشف ساختار شهری محله است. در اولین گام استفاده از جای نام‌ها؛ برای واژه «لبنان» معانی گوناگونی ذکر گردیده است که به صورت خلاصه در ذیل بیان خواهد شد:

«اول آن که لب در لغت به معنای بزرگ است و لبنان به معنی بزرگان. به دلیل سکونت افراد بزرگ و شاخص در این محله، آن را بدین نام خوانده‌اند. دوم آن که مصدر لبناندن در لغت به معنی فراوان خوردن خوراکی است و به دلیل این که در گذشته آن محل، مانند فضاهای عمومی و تفریحی شهر انگاشته شده و مورد توجه همگان بوده است. لذا خورد و خوراک در آن‌جا رواج داشته و آن را به نام لبنان یعنی محل خوردن می‌شناختند» (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳).

به نظر وجه تسمیه‌های مطرح شده، توسط بهشتی نژاد بسیار سطحی است ولی می‌توان مورد اول را چنین تعبیر کرد که لب به معنی بزرگ، به دلیل وسعت این محله بدان نسبت داده شده است؛ چرا که دانه‌های سازنده این محله را باغات، کاخ‌های تفریحی و بیشه‌ها تشکیل می‌داده است و به تبعیت از ذات و ساختار این دانه‌ها، به لحاظ وسعت از محلات دیگر شهر اصفهان بزرگ‌تر بوده است. البته لازم به ذکر است نام «لبنان» در دوره‌های پیشین به این محله اطلاق شده و لزوماً مربوط به دوره قاجاریه نیست. با این وجود تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در دیگر دوره‌ها نیز این محله به لحاظ گستردگی با اختلاف زیادی از دیگر محلات وسیع‌تر بوده است.

هم ردیف با محله لنبان و به عنوان نام محله‌ای دیگر آورده شده است. گمان می‌رود اینان محدوده‌های کوچکی درون محله لنبان باشند، که تعرف و شناخت مکان‌ها را ساده‌تر می‌کرده‌اند و موجب خوانایی بافت این محله می‌شده‌اند. براساس نظرات بهشتی نژاد قسمت‌های آباد این محله در زمان‌های بسیار قدیم در اطراف مسجد لنبان و قسمتی از خیابان عباس آباد و صائب فعلی و قسمتی از خیابان اردیبهشت بوده و در زمان‌های بعد از آن در زمین‌های زراعی محله صحرا و سه پله و خیابان آتش توسعه پیدا کرده و در حال حاضر از کل محدوده دیگر باغ و صحرائی باقی نمانده و اکثر آن‌ها تبدیل به ساختمان‌های مسکونی و تجاری و اداری و خیابان شده است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱ و ۱۲).

با نگاهی گذرا بر نقشه سید رضا خان واضح است که درصد زیادی از این محله را پوشش گیاهی باغات به خود اختصاص داده است. به همین دلیل اشاره به باغات به عنوان قسمتی از ساختار طبیعی محله ضروری است.

بهشتی نژاد باغات فراوان محله لنبان را چنین می‌شمارد: باغ تکیه که قبر صائب در آن قرار دارد - باغ جنت - باغ کوره - باغ آقا میر مؤمنی - باغ کلاتر - باغ معروف به ده جریبی - باغ مستهلک - باغ‌های آخر خیابان شاهپور و دنبال رودخانه، باغ مهیار و باغ حاج اسماعیل و حاج میرزا حسن خان تریاکی و باغ دولت و باغ ابراهیم خان سرتیپ و باغ حاج محمد جعفر (در محدوده گاراژ غروی) - باغ شاهزاده - باغ معتمدالدوله - باغ سادات - باغ نو - باغ زرشک - باغ حاج رضا - باغ علیقلی آقا - باغ دواشی، اسامی دو باغ از این باغها که در نقشه دارالسلطنه اصفهان، ترسیم شده در سال ۱۳۰۲ ش، موجود است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵) که البته به جز دو مورد از باغات فوق، نام بقیه در نقشه سیدرضاخان مشاهده نشد.

لازم به ذکر است آن چه در این قسمت باغ نامیده شده، الزاما فضایی سرسبز و مملو از پوشش گیاهی نبوده‌است، چه بسا که به موجب قحطی و خشکسالی‌های دوره قاجار، این باغات به زمین‌هایی بایر و تنها با تعدادی نهال تبدیل شده باشند و نام نبردن از آن‌ها در نقشه سیدرضاخان نیز به همین دلیل امکان‌پذیر باشد.

### شاخصه‌های تاریخی

در اولین داده تاریخی مرحوم آقا سید محمد علی مبارکه‌ای در کتاب نورالانوار فی کشف احوال زینب بنت موسی ابن جعفر شرحی بر چگونگی آمدن فرزندان و خویشان موسی ابن جعفر (ع)

از مدینه به ایران این گونه نقل می‌کند: در آن زمان‌ها لنبان قصبه‌ای در کنار اصفهان بوده است (مبارکه‌ای، ۱۳۶۰: ۱۱) که با توجه به تاریخ شهادت امام رضا (ع)، این داده روایتی از وضعیت پیش از قرن دوم هجری است. جالب آنکه مبارکه‌ای در کتاب تاریخ اصفهان خود می‌نویسد دو محل در اصفهان مرکز نشر حدیث بوده یکی ابهر (ابر در خیابان جی) و یکی لنبان و دیگر جاها از محدثین این دو، حدیث فرا می‌گرفتند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۹).

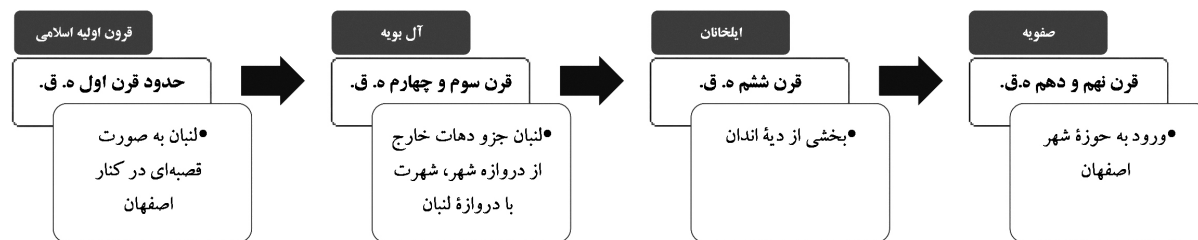
دو دوره حکومتی مهم در اصفهان وجود دارد. اول آل بویه که به طور قطع لنبان در ابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی از دهات نزدیک شهر اصفهان بوده است. آن دروازه شهر که نزدیک این ده بوده به دروازه لنبان خوانده می‌شده، پس از توسعه جزء شهر شده و از محلات مهم به شمار رفته است همچنین از دو قسمت لنبان سفلی و علیا تشکیل می‌گردیده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۲۶۲).

حکمرانان کاکویه شهر اصفهان را وسعت دادند. مافروخی در محاسن اصفهان درباره محلات اصفهان آن عصر می‌نویسد:

«و از جمله محاسنی که رفته بقعه اصفهان به رتبت مزایا و زینت صفا یا محلی و مزین است بارویی هست محیط بر شهر مانند دور ملک چهارم بر قرصه مهر، متحد آن علاءالدوله مساحت دور آن زیادت بر پانزده هزار گام، بیرون آن چه خارج شهر مهمل نهاده و محلات مشهوره از آن منقطع و معطل افتاده مثل «کمان» و «برآن» و «سنبلان» و «خرجان» و «فرسان» و «باغ عبدالعزیز» و «کروآن» و «اشکهان» و «لنبان» و «ویدآباد» (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۷ و ۷۸).

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان نام «لنبان» را به عنوان بخشی از «دیة اندان» که از دیه‌های اصفهان بر می‌شمارد، آورده است (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۳۳۱). دیگر کتب منتسب به دوره ایلخانی نیز لنبان را از جمله دهات اطراف اصفهان بر شمرده‌اند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۲۵). یکی از آثار مهم و باستانی محله لنبان، مسجد لنبان است که اصل بنا، به طور یقین قبل از قرن ششم هجری بوده است (جناب، ۱۳۸۶: ۳۶)، که خود شاهدی بر قدمت تاریخی این محله است.

دومین دوره پر اهمیت در این شهر، دوره صفوی بوده، که این محله در زمره محلات جدیدی است که قبل از صفویه بیرون حصار شهر قرار داشته و در آن دوره به دنبال رشد و توسعه شهر جزو آن به حساب آمده‌است (جناب، ۱۳۹۳: ۲۵).



شکل شماره ۲: قدمت محله لنبان در دوره‌های مختلف تاریخی؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



## شاخصه‌های اقتصادی و شغلی

اقتصاد هر محله تا حد زیادی به موقعیت اقتصادی افراد ساکن در آن محله وابسته است و وضعیت اقتصادی آن‌ها تعیین کننده میزان آبادانی و رونق در آن محله خواهد بود چنان که امروزه نیز توان اقتصادی افراد است که آنان را در نقطه خاصی از شهر اسکان می‌دهد و یا توانایی آن‌ها در استفاده از خدمات مختلف را تعیین می‌کند (arigoni, 2001: 15). بنابر روایت بهشتی نژاد محله لبنان در ابتدا محل سکونت پادشاهان و زمامداران صفوی بوده است (البته این نقل بدان علت است که وی محله عباس آباد را جزئی از محله لبنان در نظر گرفته است). در نهایت به دلیل قرارگیری این محله در خارج از حصار شهر، در هنگام حمله افغانه، جمعیت سرمایه‌دار حکومتی اکثراً به شهرها و مناطق دیگر کوچ کرده و باغات آنان خراب و منازل قدیمی هم مخروبه شد و از بین رفت. در دوره قاجاریه نیز ظل‌السلطان، فرزندان او و ایادی حکومتی آنان در این محل سکونت داشتند که بر اساس دیگر منابع به نظر می‌رسد مراد، سکونت موقت در محل باغات و کاخ‌های تفریحی آنان باشد.

به نظر می‌رسد که در زمان‌های قدیم مردم این محل به علت فراوانی آب و باغات منطقه به زراعت و چوب‌بری و نجاری و شغل‌های جنبی آن اشتغال داشته و بعضاً نیز به شغل‌های دولتی و آزاد مشغول بوده‌اند و همچون دیگر مناطق افراد عالم و دانشمند و صاحب منصب و شاعر فراوانی در اینجا زندگی کرده و یا به مناطق دیگر مهاجرت نموده و در آن جاها بلند آوازه شده‌اند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۸).

آنچه از بررسی داده‌های دوره قاجار به دست می‌آید گویای آن است که لوطی‌گری از حرفه‌های شاخص این محله به شمار می‌آمده است. اشرار و الواط محله لبنان در دوره قاجاریه به عنوان حامی صاحب منصبان و قدرتمندان محله پاقعه و بیدآباد محسوب می‌شده‌اند و در اکثر رویدادهای اعتراضی الوار این محله در میدان حضور داشته‌اند.

بهشتی نژاد روایت می‌کند که در بین بعضی از پیرمردهای محل این صحبت بود که در زمان‌های قدیم در محله لبنان برای سفارش دهندگان، کبوترهای نامه‌رسان تربیت می‌کردند. حسین بن محمد ابراهیم تحویلدار اصفهانی، مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی اصفهان، کسب و کار ایشان را پیله‌وری میان دهات و ایلات و کرایه کشی و کلک و تاپوسازی و زراعت و مزدوری دهات اطراف شهر و سایر معاملات می‌داند، همچنین نقل می‌کند که بعضی از مردان آن‌ها غلامان دیوانی و نوکران ولایت می‌شوند، به خدمات حکومت و عمال ولایت اشتغال دارند. سوارهای رشید میان این‌ها بهم می‌رسد، بزرگ اینها اولاد حاجی کلبعلی خان و حاجی هاشم‌خاندن (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۹۱).

اما برخی رفتارها و حرفه‌ها به واسطه کالبد شهری، منحصر به یک محله می‌شده است و به خودی خود عملکرد ویژه‌ای در آن مکان ایجاد کرده است. در روایتی از بهشتی نژاد داریم: در زمان‌های قدیم از زاینده رود و نهرهای جدا شده از آن برای

حمل و نقل نیز استفاده می‌شد، بدین صورت که در روستاها و مناطق بالادست بیشه‌های فراوان از درخت چنار و کبوده قرار داشت و همچنین نیزارهای اطراف و داخل رودخانه که نی‌های آن را برای سبب بافی استفاده می‌کردند و پس از اینکه نی‌ها و تنه این درخت‌ها به حد لازم رشد می‌کرد و برای استفاده سقف و یا تولیدات نجاری و سبب‌سازی مناسب می‌شد؛ آن‌ها را قطع کرده و چون حمل و نقل آن به اصفهان به خاطر عدم وجود جاده و وسایل نقلیه، امکان‌پذیر نبود؛ در وقت مناسب که آب فراوان بود الوارهای چوب و بسته‌های نی را در دسته‌های معین به هم بسته و به رودخانه می‌انداختند. یک نفر هم در جایی مشخص روی الوارها می‌نشست و آن‌ها را بر روی آب هدایت و محافظت می‌کرد و به اصفهان می‌آورد. در نزدیک پل مارنان که نهر بزرگ نیاصرم و دیگر نهرها منشعب می‌شد آن‌ها را در مسیر مورد نظر هدایت کرده و به طرف لبنان می‌آوردند. در این محل به دلیل انشعاب بیشتر نهرها و دشواری حرکت چوب‌ها در پیچ و خم‌های فراوان آن‌ها، نی‌ها و الوار و چوب‌ها را بیرون کشیده و برای خشک شدن در معرض آفتاب قرار می‌دادند. همزمان کار عده دیگری شروع می‌شد، بدین ترتیب که ابتدا با داس‌های آهنین به پوست کندن از الوار و چوب‌ها پرداخته و عده‌ای آن را در اندازه‌های مختلف دسته‌بندی کرده در انبارهای مختلف که به آن‌ها چوبدانی می‌گفتند به حالت عمودی قرار می‌دادند تا خشک و از خمیدگی آن‌ها جلوگیری شود. در همین چوبدانی‌ها عده‌ای افراد پرقدرت با اهرهای دو طرفه بزرگ چوب‌های قطور و بلند را به اندازه‌های سفارش شده برش می‌دادند. به این افراد اهر کش می‌گفتند. نی‌ها و شاخه‌های باریک را هم برای ساخت سبب به کارگاه‌های مخصوص می‌بردند و اینجانب با چشم خود در دوران کودکی تمام این مراحل را از نزدیک دیده بودم و با بعضی افراد شاغل در این کارها صحبت داشتم (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۵ و ۲۶). عدم اشاره به پیشه یاد شده در روزنامه‌های دوره قاجار ابهاماتی در شرح دقیق این فعالیت ایجاد می‌کند که می‌تواند ریشه در خشکسالی، وضعیت طبیعی آن دوره و از بین رفتن رونق این پیشه داشته باشد. گمانه دیگر در این باب آن است که شاید این حرفه در قسمت مشخصی از ابر محله لبنان یا در یک فضای کارگاهی شاخص صورت می‌گرفته است و به حد لزوم فراگیر و مورد شناخت همگان نبوده است.

## شاخصه‌های جمعیتی

محله اگرچه کالبدی با حدود و ثغور معین است و عناصری مشخص دارد، اما مفهومی صرفاً کالبدی نیست. جز مواردی بسیار محدود محله به دلایلی غیر کالبدی و در ارتباط با مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بسیار پیچیده‌ای شکل می‌گیرد (پارسی، منصوری و بدری، ۱۳۹۰: ۹۹۰). از سویی دیگر روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی-اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم شمردن حریم‌ها شده بود (محمدی و آزاده، ۱۳۹۷، ۲۵). چنان که در رابطه با

بعضی مکان‌ها و محلات در شهرها روایاتی در مورد افراد، فرهنگ و زندگی اجتماعی آنان است که منابعی به آن‌ها اشاره نکرده‌اند ولی بعضی این روایات چنان به مکان اتصال یافته و همه به آن باور دارند که ذکر نکردن آن، همچون خلائی در بیان حق مطلب به نظر می‌رسد.

به طور مثال در ترجمه کتاب محاسن اصفهان (صفحه ۱۲۶) می‌گوید: «... و از آن جمله که اصفهان را به قدم میمون و مبارک مشرف و مکرم گردانیده‌اند از اهل بیت پیغمبر (ص) امیرالمؤمنین الحسن ابن علی ابن ابی طالب و صاحب روضات می‌فرماید امام مجتبی (ع) در محلی که بعداً مسجد والرضوان النبان در آن بنا شده نماز گذاردند.»

بهشتی نژاد در کتاب لبنان نقل می‌کند که روایاتی مبنی بر قرارگیری معبد یهودیان و قبر یکی از بزرگان آن‌ها در محل مسجد لبنان بوده است ولی این موضوع را در هیچ منبعی نیافته است. از مرحوم حجت الاسلام حاج سید علی خلدی (ه) نقل شده که فرموده‌اند: «در زمانهای قبل از اسلام قبر یکی از پیامبران در این محل بوده است و بعضی افراد هم خواب‌های درارتباط با امتیاز این محل و مسجد دیده‌اند» (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰).

این محله در زمان‌های مختلف تاریخی، بافت جمعیت متغیری داشته است. در دوران زندیه و قاجاریه بیشتر طایفه لرها در این محله حضور داشته‌اند و منابع تاریخی به وضوح گواه شرکت آنان در جریانات پیش و در حین مشروطه اصفهان هستند.

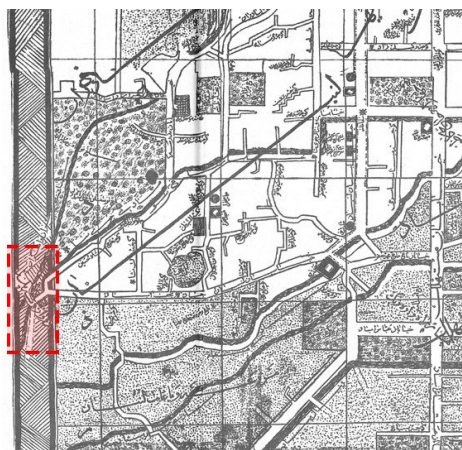
از طرفی تحویلدار نیز اشاره می‌کند که «طایفه قدیمی الوار بختیاری و این‌ها جماعتی کثیرند و منحصرآسه محله اصفهان را پر کرده‌اند: لبنان، جوزدان، شیش» بر اساس روایت رستم الحکما نیز محله لبنان از محلاتی بود که در جریان زندیه از آفات جنگ، غارت و تاراج محفوظ ماند چراکه عده‌ای از افراد ساکن در آن محله همانند زندیه لر بودند (آصف، ۱۳۵۲: ۲۳۵ و ۲۵۶). این موضوع که ریشه لرهای ساکن در این محله مربوط به کدام طایفه است را به صورت قطعی نمی‌توان اذعان داشت اما بر اساس متون متعدد سکونت اقوام لر در این محله برای سال‌های طولانی قطعی است. به طور نمونه سلسله مرحوم رجبعلی لبنانی؛ آن مرحوم رئیس طوایف الوار شهرنشین بود که در محلات بیدآباد و لبنان سکونت داشتند (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۷۴).

آل‌تر که از خاندان‌های علمی معروف اصفهان در قرون هفتم الی دهم بودند و قبور بسیاری از ایشان از جمله صائین‌الدین ترکه و علما و بزرگان دیگری در مقبره‌ای در کنار مسجد لبنان بوده که اکنون آثاری از آن دیده نمی‌شود (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۴). در اصفهان افرادی تحت عنوان بابا که احتمالاً سمت پیش‌کسوتی محل خود را از جهت راهنمایی مردم داشتند بوده‌اند و سه نفر از آنان در این منطقه شناخته شده‌اند یکی بابا سرخ که قبرش در کوچه ای به همین نام قرار داشت و دیگر باباسید که در خیابان لبنان (کنار منزل آقاسید مرتضی حسینی) قرار دارد. قبر بابا علمدار هم نزدیک مسجد سلمان است.

جمعی از معاریف محله لبنان عبارتند از: آتش اصفهانی: (۱۲۸۳-۱۳۴۳ ق)؛ آثار بخارایی: از شعراء قرن ۱۰ و ۱۱ ق و از کدخدا زادگان بخارا است که در اثر رنجش از سلطان بخارا به اصفهان گریخت و مدتی در مسجد لبنان به درس حاضر می‌شد و سپس از راه شیراز به هند رفته است (نصیری، ۱۳۸۴:

۶)؛ آصف - محمد هاشم الحسینی الموسوی: متخلص به آصف فرزند امیر حسن - در قرن ۱۲ ق در اصفهان و ساکن محله لبنان بوده - تحصیلات اولیه اش در مکتب ملاسیدالله در لب نهر شاه (جوی شاه) بوده و به علت وابستگی به خاندان‌های حکومتی و شغل دیوانی پدرش، دسترسی به بعضی اطلاعات درونی دستگاه‌های دولتی و امراء آن زمان داشته و کتاب رستم التواریخ را نوشته است (آصف، ۱۳۵۲: ۳۶)؛ الماس خان: شخصی سیاه چهره در دستگاه ظل السلطان؛ رئیس اویس لبنانی: از روساء لبنان؛ صارم الدوله اکبر میرزا مسعود: فرزند ظل السلطان، وی بعد از پدر در باغ نو (نزدیک فلکه صارمیه) همچون وی در مقام دست‌اندازی به قدرت و بقایای آثار صفویان بود؛ ظل السلطان - مسعود میرزا یا سلطان مسعود میرزا.

در محله، اعتقادات و رسومات خاصی نیز وجود دارد که منجر به رویدادهایی در آن محله می‌شود و یکی از مواردیست که در کالبد معماری اهمیت می‌یابد. از مراسمات رایج در این محله می‌توان به طوق خوانی اشاره کرد، طوق لبنان نوعی علامت برای عزاداری بوده که افراد عقیده داشته‌اند قدمتی چهارصد ساله دارد و مراسم عزاداری با آن را طوق خوانی می‌گفته‌اند. این طوق در خانه‌ها و افراد معتبر محله لبنان نگهداری می‌شده است مانند آقا میرمومنی، حاج عزیز الله حاجیان و سید هاشم سیدمعلمی (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۱) یا به طور مثال در قسمت بالایی ورودی شبستان مسجدلبنان دو اطاق قرار داشت که در زمان‌های قدیم استراحت‌گاه افرادی بوده که مدت زمانی را در این مکان مقدس قصد ماندن و عبادت و تجرد داشتند و نقل شده که عارف مشهور مرحوم حاج شیخ عباسعلی نخودکی اصفهانی بعضی از این دوران‌های عبادتی خود را در این اطاق‌ها گذرانده‌اند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۰). تخصیص مکانی با کاربری یاد شده به خودی خود موجب جذب افراد خاصی به این محله می‌شده است.

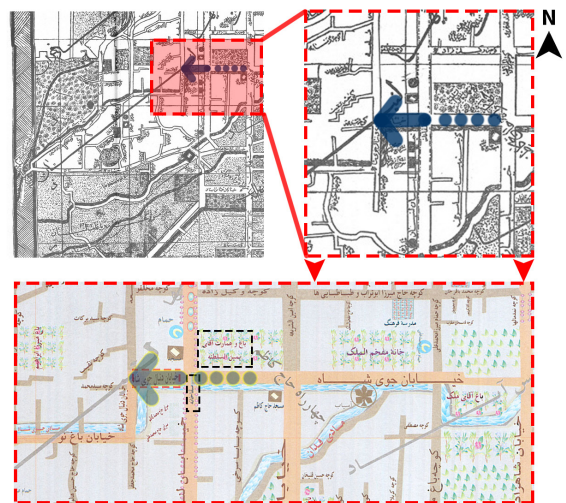


شکل شماره ۳: دروازه سه‌پله در محله لبنان شهر اصفهان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



## شاخصه‌های کالبدی

نمادها و نشانه‌ها یا به بیانی شاخصه‌های کالبدی در معماری از گذشته تا امروز طیف وسیعی از بناها را شامل می‌شود. دروازه‌ها نیز به عنوان یکی از انواع برجسته بناهای نشانه‌ای، جلوه‌های گوناگون داشته‌اند. تداوم خاطره‌ای مکان دروازه‌ها در هر زمان نمود ویژه‌ای داشته است (شعله، ۱۳۸۵: ۲۰). ارباب اصفهانی در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان در شمارش دروازه‌های شهر اصفهان، از دروازه‌های با نام «سه‌پله» در جانب غربی شهر یاد می‌کند (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۳ و ۲۴). براساس نقشه سیدرضاخان این دروازه در منتهی‌الیه غربی محله لنبان قرار داشته است (شکل ۳). البته بهشتی نژاد علاوه بر دروازه سه‌پله، قائل به وجود دروازه‌ای با نام لنبان نیز هست که در دیگر منابع به آن اشاره‌ای نشده است.



شکل شماره ۴: تعیین خیابان جوی‌شاه در محله لنبان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

محله لنبان به استناد صورت احصائیه که سرشماری کاملی از اصفهان دوره قاجاریه محسوب می‌شود؛ شامل کوچه‌ها و گذرهای ذیل بوده است (شرح شماره‌ها در ادامه آمده است):

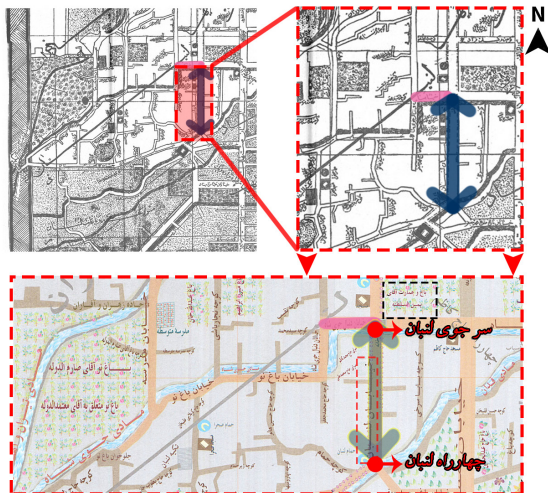
کوچه جوی شاه (۱)، کوچه حاج محمد جعفر زرگر، خیابان لنبان (۲)، سر جوی لنبان (۳)، بقیه سر جوی لنبان، کوچه قصاب‌ها، کوچه حاج محمد حسین، چهارراه لنبان، کوچه حاج اسداله، کوچه حمام لنبان، کوچه رجب علی، کوچه حاج عباس، کوچه چهارراه لنبان (۴)، کوچه حاج صادق، کوچه چهارراه لنبان، کوچه حاج هاشم خان، کوچه پشت منزل میرزا عبدالحسین، کوچه مدبرالدوله، کوچه میرزا اسداله، کوچه بازارچه شعبان علی (۵)، کوچه درب باغ قربانی، کوچه پهلوان، بقیه کوچه درب باغ قربانی، سر جوی لنبان، کوچه یاداران (۶)، کوچه نجارباشی، بقیه کوچه یاداران، سر جوی لنبان، کوچه حمام صحرا، کوچه حاج یعقوب خان، کوچه طاقی، کوچه حاج یعقوب، بقیه کوچه سر جوی لنبان، کوچه هالو مرتضی، کوچه باغ کوره، بقیه کوچه سر جوی لنبان، خیابان سه پله، خیابان درب مسجد لنبان، کوچه علی رضاخان.

در ادامه تطبیق نام کوچه‌های ذکر شده در صورت احصائیه با نقشه سید رضاخان نشانه‌هایی از این محله را مشخص می‌کند.

۱- کوچه جوی‌شاه اولین گذر در فهرست فوق از محله لنبان است و از آنجایی که پس از اشاره به آن، کوچه حاج محمد جعفر زرگر ثبت شده است، می‌توان استنباط کرد منظور معبری با نام «ادامه خیابان جوی‌شاه» در نقشه سیدرضاخان بوده است. از سوی دیگر به علت اشاره نشدن به چهارراه حاج کاظم یا باغ و عمارت یمین السلطان و حتی سقاخانه در لیست پلاک‌های کوچه؛ گمان می‌رود جناب سرشماری برای این محله را از تقاطع خیابان چهارسوق شیرازیها و «خیابان دنبال جوی شاه» آغاز کرده باشد که در شکل ۴ مشخص شده است. نامیدن محدوده‌ای به نام جوی‌شاه که در اصل به نظر گذری در یک محله وسیع تر بوده است، به نقل از بهشتی نژاد دلالت بر عبور نهر آبی با این نام از آن گذر داشته است (و یا قرارگیری گذر در جوار این نهر آب).

۲- جناب پس از شمارش گذر فوق به سراغ خیابان بزرگی به نام لنبان می‌رود که در نقشه، خیابانی با این نام در تقاطع معبر سر جوی شاه قابل مشاهده است. اما این موضوع که از کدام سمت این خیابان شروع به شمارش کرده و چه شده که پس از گذر جوی‌شاه به سراغ این خیابان آمده مورد مناقشه است، چراکه اشاره‌ای به سقاخانه واقع در ابتدای این خیابان نمی‌کند.

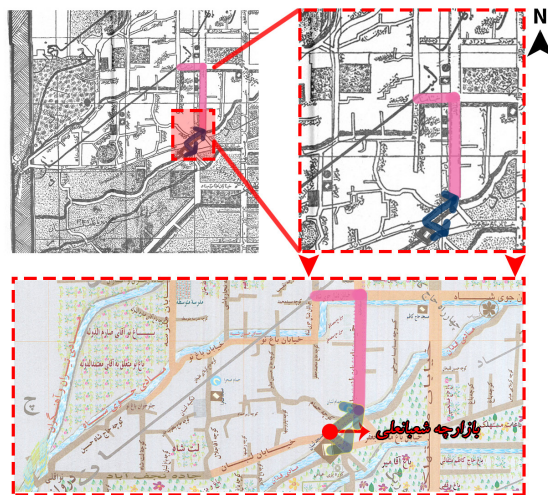
۳- در نقشه سیدرضاخان نام سر جوی لنبان برای هیچ گذری مرقوم نشده است. از طرفی خیابان لنبان به مادی فدن و مادی سر جوی شاه ختم می‌شود لذا می‌توان حدس زد که نام مادی سر جوی در نظر گرفته شده؛ و به دلیل عبور این مادی از محله لنبان در انتهای نامش لفظ لنبان را افزوده‌اند. تنها نشانه کمک‌کننده به تشخیص این خیابان «باغ یمین السلطان» است که در شکل ۵ نیز نمایش داده شده است.



شکل شماره ۵: تعیین خیابان لنبان در محله لنبان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

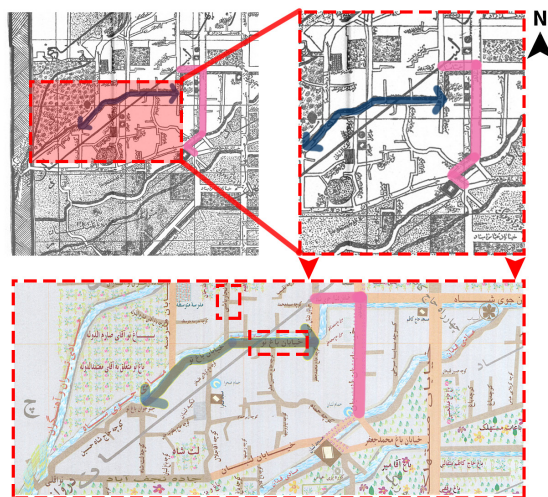
۴- برای تشخیص چهارراه لنبان هیچ نشانی موجود نیست تنها با احتساب احتمال بازدید به ترتیب از کوچه‌ها، گمان می‌رود چهارراه لنبان در تقاطع مادی فدن و خیابان لنبان و در نزدیکی حمام لنبان قرار داشته است؛ چراکه در توالی دو کوچه بعد از آن کوچه حمام لنبان آمده است.

۵- می توان حدس زد کوچه بازارچه شعبانعلی اشاره ای به مجموعه دکاکین هم جوار مسجد لبنان است که در نقشه نام آن موجود نیست (شکل ۶).



شکل شماره ۶: تعیین بازارچه شعبانعلی در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

۶- جناب بعد از ذکر تمام کوچه ها و حوالی مسجد لبنان دوباره به قسمت شمالی محله باز می گردد. در امتداد سر جوی لبنان کوچه ای به نام یادران را نام می برد که در ادامه با کوچه نجارباشی برخورد می کند. گمان می رود کوچه ای با نام یادران سر جوی لبنان و کوچه نجار باشی را مرتبط کرده باشد که در این نقشه کوچه ای به نام یادران مشاهده نمی شود (کوچه ای با نام مشابه مربوط به حدود محله چهارسوق شیرازی هاست و از مکان مربوطه دسترسی به آن امکان پذیر نیست). نام خیابان باغ نو نیز مورد مناقشه است چرا که گذری با این نام (در میان محله) در احصائیه موجود نیست (شکل ۷).

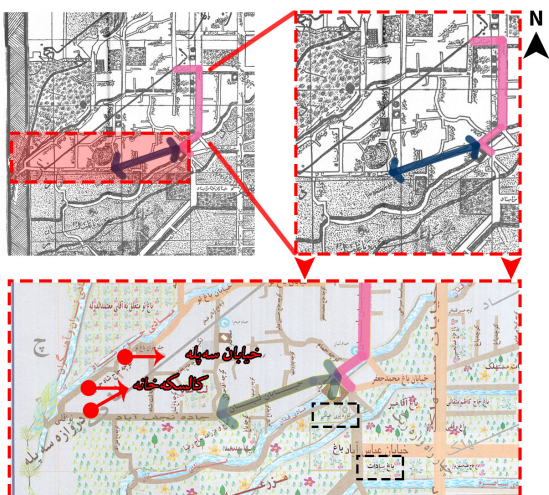


شکل شماره ۷: تعیین خیابان یادران به تعبیر جناب در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

در ادامه به شناسایی بعضی فضاهای گم شده بر روی نقشه و هم چنین مکان های موجود در هر خیابان اشاره می شود تا بتوان به شناسایی دقیق تر محله پرداخت.

قسمت غربی بعد از جلوخوان واقع در خیابان سر جوی لبنان به دلیل منتهی شدن به دروازه سه پله، خیابان «سه پله» نامیده می شده. همچنین جزئیات فهرست احصائیه حاکی از آن است که کالسکه خانه ای در مسیر این خیابان قرار داشته است.

خیابان درب مسجد لبنان بر حسب نام آن قطعاً یکی از خیابان های منتهی به مسجد لبنان خواهد بود. در لیست احصائیه برای یافتن دقیق این معبر، اشاره به وجود طویله کوره پزی در دومین پلاک سمت چپ خیابان است. هم چنین در انتهای کوچه مذکور در فهرست احصائیه به «کالسکه خانه افتخار السادات» اشاره شده است.



شکل شماره ۸: تعیین خیابان درب مسجد لبنان به تعبیر جناب در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

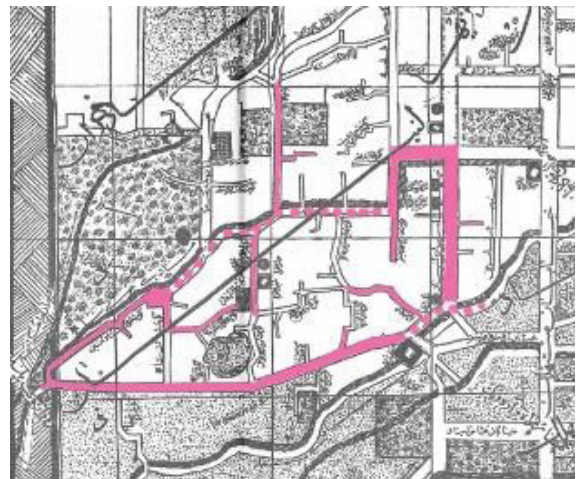
مسیری که در کنار مادی حرکت می کند و در نقشه به آن نامی اطلاق نشده است، می تواند مسیر مذکور انگاشته شود چرا که کوره در سمت چپ آن قرار دارد و در ادامه به جاده ختم می شود، لذا وجود کالسکه خانه در انتهای آن قابل پذیرش است. در نهایت با موقعیت یابی کوچه ها، معابر و خیابان های یاد شده در صورت احصائیه، حدود محله لبنان به صورت شکل ۹ استخراج گردید. معابر رنگی در تطابق یا معادل گذرهای نامبرده در صورت احصائیه هستند و احتمالاً تمامی کوچه هایی که در نقشه یافت نشدند فضای میانی محله تعبیر شده اند یا جناب در ثبت نام دیگری به آن ها نسبت داده یا این ناهمخوانی اسامی در نقشه رخ داده و به آن ها اشاره نشده است. معابری که با نقطه چین مشخص شده اند بر اساس استدلال های پیشین با کمی احتیاط جزئی از این محله در نظر گرفته شده اند.

محله همیشه یک شریان حرکتی داشت که آن را به مراکز اصلی شهر متصل می کرد. لذا علاوه بر شناسایی حدود محله در دوره قاجاریه با معابر نامبرده از آن، لازم است عناصر اصلی محله چون میدان محله، بازارچه، مسجد، تکیه، حمام، آب انبار و یخچال که معمولاً بر این محور اصلی قرار می گرفتند برای تکمیل بازنمایی آن شناسایی شود. در محله های کوچک همه این عناصر در اطراف میدانچه محله گرد می آمدند و مرکزیت محله را تعریف می کردند.

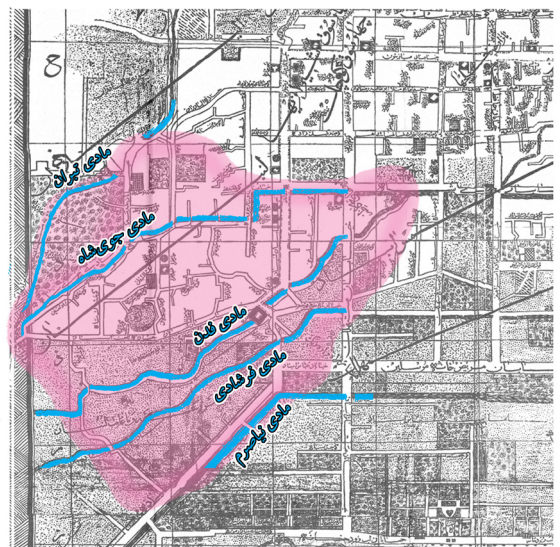




شکل شماره ۱۱: بازنمایی پل‌های محله لبنان بر نقشه سید رضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۹: تعیین تمامی معابر محله لبنان به تعبیر جناب بر نقشه سید رضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۱۰: بازنمایی مادی‌های محله لبنان بر نقشه سید رضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

بر روی نقشه سید رضاخان حاشیه بزرگی در اطراف زاینده رود صرفا باغات و بیشه‌ها و خالی از سکنه است. از آن‌جا که تأمین آب شرب و مصرفی از طریق چاه، به مراتب آسان‌تر از تأمین آب برای باغ‌ها بوده و نقش اساسی در معیشت ساکنان داشته است. همچنانکه ناصر خسرو (۴۴۴ق) نیز به این امر اشاره کرده است (قبادیانی، ۱۳۸۴؛ شفق، ۱۳۸۱: ۱۸۰). لذا ساکنان ترجیح می‌دادند آب مورد نیاز سکونت خود را که مقدار اندکی بوده است، از طریق چاه تأمین کنند و آب زاینده‌رود را که حجم فراوان و دبی مناسبی داشته است، مصروف باغات و کشاورزی کنند. مضاف بر آنکه زاینده‌رود نیز دائمی نبوده و در فصولی، خشک یا کم‌آب می‌شد (جناب و شاردن، ۱۳۷۶: ۱۴۴ و ۱۴۵؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۲ و ۱۸۳)

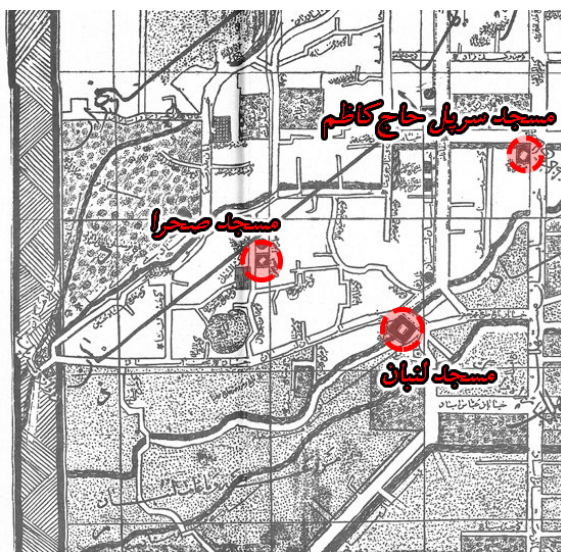
علاوه پل، مادی و کوچه‌ها بناهایی به صورت منفرد و شاخص وجود دارند که موجب هویت بخشی و به یادآوری لبنان برای افراد محلی می‌شود. اولین دسته بنایی که در محلات عصری شاخص محسوب می‌شود مسجد است. نکته جالب چند مسجدی بودن محله لبنان است که به نظر می‌رسد هر یک از این مساجد در یک محدوده از زیر محلات قرار می‌گیرند. مساجد این محله عبارتند از: **مسجد لبنان**: تاریخچه‌ای دقیق از مسجد لبنان در دست نیست. ابن رسته در کتاب اعلاق النفیسه (۲۹۰ق) مساجد قدیمی اصفهان را نام برده که به نظر می‌رسد مسجد اصرم همان مسجد لبنان باشد (ابن رسته و یعقوبی، ۱۸۹۲م: ۲۰۰). «مسجد لبنان از مساجد معروف اصفهان است و آن وضع غربی دارد صحنی به یک طرف ساخته‌اند و عمارت طالار مانند و بلند به یک جانب آن صحن بر روی نهر فدین زده و ساخته‌اند و تمام نهر از زیر طالار مذکور می‌گذرد. عقب این طالار شبستان مانند محلی در همان بلندی ساخته‌اند چنانچه این‌ها با هم قرن هاست که به پا و بی خلل است مردم اصفهان این مسجد را مقام متبرک می‌دانند و چیزها حکایت می‌کنند دو طرف دخول و خروج آن نهر از زیر

تحلیل نقشه‌ها نشان می‌دهد ابر محله لبنان تنها محله‌ای در اصفهان قاجاری است که از عبور تمامی مادی‌ها بهره برده است. مادی‌ها در زمان رونق موجب ایجاد شغل‌هایی می‌شدند که با خشکسالی‌های ایجاد شده در بازه‌های زمانی گوناگون آن پیشه‌ها نیز از بین رفته‌اند. این مادی‌ها عبارتند از مادی فدن، مادی قمیش، مادی نیاصرم، جوی معروف به جوی شاه، مادی تیران. عبور مادی‌ها و جوی‌های فرعی منشعب شده از آن موجب تلطیف هوای منطقه می‌شد و در پی آن موجب جذب مردم مناطق دیگر شهر برای هواخوری و خوش گذرانی به این منطقه را فراهم می‌کرد. این رویداد باز خورد اثری است که مادی‌ها بر هوای محله و به تبع آن بر شکل‌گیری قرارگاه رفتاری آن داشته‌اند.

علاوه بر آن پل‌هایی برای عبور از این مادی‌ها تعریف شده بود که تعدادی از آن‌ها در نقشه سید رضاخان نیز یافت می‌شود. پل‌های معروف این محله عبارت بوده‌اند از پل سه پله، پل چوبی، حاج کاظم (شکل ۱۱).



این مسجد درختان بسیار و محل خوش آب و هوا و مکان با صفا و فضایی است (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۷). مرحوم میرسیدعلی جناب در خصوص این مسجد می‌نویسد: به سبب آن که سر راه عربستان به اصفهان واقع بوده است، مسافری خوزستان بلکه عراق عرب از راه بختیاری و پل ماربانان و این مسجد به شهر اصفهان و ری و جرجان می‌رفته‌اند. در سفرنامه‌ها مانند رحله ابن بطوطه ذکر آب و هوا و اشجار و صفا و طراوتی که در مسجد است، جلب توجه مسافرین را به خود کرده است. این مسجد قبل از زمان صفویه به حالت خرابی افتاده بوده شده است. شاه طهماسب اول این بنای کنونی را در تعمیر آن گذارده است.

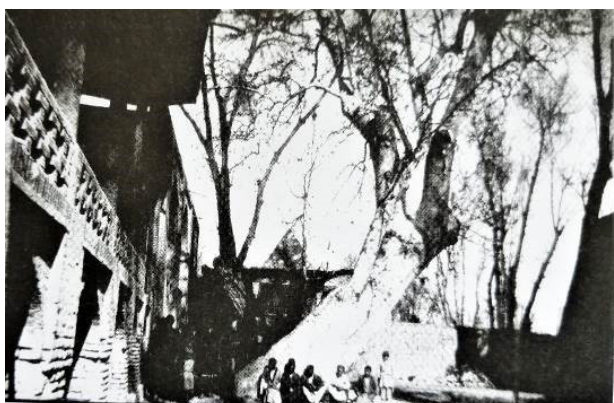


شکل شماره ۲: بازنمایی مساجد محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

- **مسجد صحرا:** در محله صحرای لبنان و در کنار حمام و بازارچه‌ای به همین نام قرار داشته است. سید مصحح الدین مهدوی این مسجد را صحراکارها یا گازرها نامیده و سیدمحمدباقر بهشتی را امام جماعت آن می‌خواند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰).  
 - **مسجد سرپل حاج کاظم:** در حال حاضر تعمیر و بازسازی گردیده و مورد استفاده است. مهدوی این مسجد را نیز «مسجد سرجوی شاه» نام گذاری کرده است (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۱).  
 - **مسجد زرگر باشی:** با وجود آن که متعلق به دوره قاجار است اما در نقشه سیدرضاخان دیده نمی‌شود (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۲).  
 از دیگر نشانه‌ها و عناصر خاص در محله لبنان چنارهایی در مسجد لبنان و اطراف آن نقل شده که با تغییر مسیر مادی خشک شده‌اند (عکس ۱). همچنین در مسجد لبنان یا جایی در نزدیک آن تکیه و مدرسه‌ای قرار داشته است.

دومین بنای مهم در ساختار محلات بازارچه‌ها و مراکز اقتصادی محله هستند. بازارچه لبنان در جوار مسجد لبنان، به صورت مکانی مسقف با مجموعه‌ای از دکاکین یاد شده. ابتدای این بازارچه و در کنار منار فعلی مسجد، درب معروف لبنان قرار داشته که در مواقع مناسب باز یا بسته می‌شده است. این بازارچه به

فرم L شکل در قسمتی عمود بر راستای محور مسجد و در قسمتی به موازات آن سازماندهی شده بود. در نقشه سید رضاخان نامی بر این بازارچه نوشته نشده ولی مجموعه دکاکینی در جوار مسجد لبنان نشان داده شده است. در انتهای شرقی بازارچه نیز حمام لبنان قرار داشته که ترکیب این سه عنصر (بازارچه، حمام و مسجد) به مانند سازمان‌دهی مرکز این محله در این نقطه است منتهی لازم به ذکر است که مرکز این محله میدانچه یا با فرمی مدور نیست و بیشتر به گذری شبیه است که این کاربری‌ها در نقطه‌ای از آن تجمع یافته‌اند. این عناصر که در زمره مهم‌ترین عناصر معماری هویت‌بخش به محلات به شمار می‌آیند قلب مرکز محله لبنان را نشان می‌دهند. با دورتر شدن از این نقطه احساس تعلق و وابستگی به لبنان به نسبت کمتر می‌شده است.



عکس شماره ۱: نمایی از مسجد لبنان و چنار معروف آن.

دومین بازارچه‌ای که بهشتی نژاد به عنوان بازارچه محله لبنان به آن اشاره می‌کند بازارچه کوچک مسقفی در کنار مسجد و حمام و تکیه صحرا است که به آن تکیه لبنان هم می‌گفتند و مغازه‌های نانویی و قصابی و بقالی و غیره در آن قرار داشت. هنوز هم قسمتی از آن باقی است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷ و ۱۸). این خود جای سوال است که آیا وسعت یک محله به حدی است که دو واحد از هر بنای شاخص و اصلی مانند بازارچه دارا باشد یا که این بازارچه‌ها مربوط به ریزمحلاتی است که در دل این ابرمحله قرار داشته‌اند؟

سومین دسته بناهای اشاره شده در محله لبنان مکتب‌ها و مدارس است. مکتب‌های زیادی در محله لبنان وجود داشته‌اند که مدرک و سند تاریخی بر باقی بودن آن‌ها در دوره قاجاریه وجود ندارد. تنها مکتب‌خانه ملامحمد مهدی در قرن سیزده قمری در کنار مسجد لبنان در این دوره قطعیت دارد. (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۷۷).

البته ایمانیه به وجود مدرسه‌ای به نام «مدرسه لبنان» در سال ۱۳۲۷ق در این محله اذعان دارد که این مدرسه فقط به مدت سه سال دوام داشته است (ایمانیه، بدون تاریخ: ۱۷۵).

از زمان‌های قدیم قرارگیری زورخانه‌هایی در این محله نقل شده است. زورخانه محله بزرگ لبنان در ضلع جنوبی خیابان لبنان، جاده قدیم نجف آباد (بر اساس نقشه سید رضاخان) قرار داشت و عباس پهلوانی و پسرش آن را اداره می‌کردند. این باشگاه، متاخرتر از بقیه

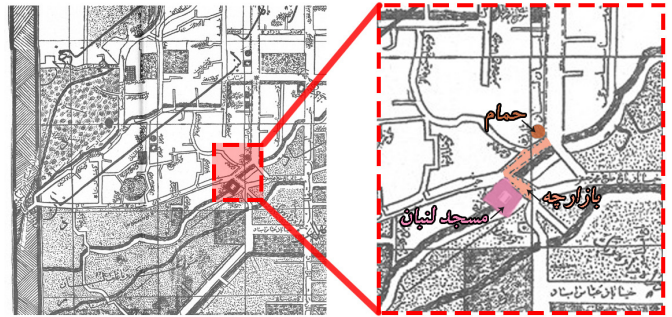


### نتیجه گیری

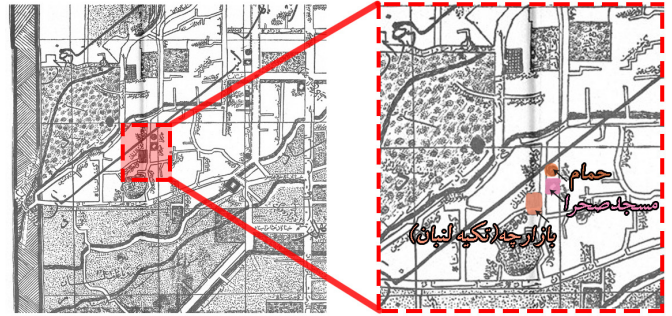
در خصوص گستره فضایی محله لبنان اصفهان در دوره قاجاریه، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفت. در این پژوهش کوشیده شد تا پس از کشف و تطبیق داده‌های مختلف تاریخی، محله لبنان توصیف و بازنمایی گردد. حدود این محله در دوره قاجاریه با تدقیق احصائیة میر سید علی جناب بر نقشه سید رضاخان صورت گرفت و مولفه‌های شاخص محله لبنان که عموماً برای افراد محلی اهمیت دارد و محله به واسطه وجود آنان تعریف می‌شود با خوانش نقشه و استفاده از تاریخ‌نگاری‌های محلی تشخیص داده شد. در ذکر این مولفه‌های کالبدی برای شناسایی محله لبنان می‌توان به دو دسته مکان اشاره کرد. دسته اول: مکان‌های شاخص تر و مسلم به لحاظ وجود؛ مثل مسجد لبنان، تکیه، حمام. دسته دوم: مکان‌هایی غیر شاخص و محلی مانند کالسکه‌خانه در مسیر ورود به جاده، نامیدن فضایی با نام دیگر به نام محله خود (سرجوی لبنان)، بازارچه شعبان‌علی‌خان، کالسکه‌خانه‌های نزدیک دروازه و... این‌ها خود جزئیاتی است که یک محله را منحصر به فردتر و شناخته شده‌تر تعریف می‌کند و کم‌کم به آن شخصیت می‌دهد. امید است شناخت ساختار پیشین این محله در توسعه‌های آتی آن راهگشا باشد

### پی نوشت

۱. به نقل از اسناد موقوفات اصفهان، ج ۱، ۱۳۸۸، ۳۲۲.



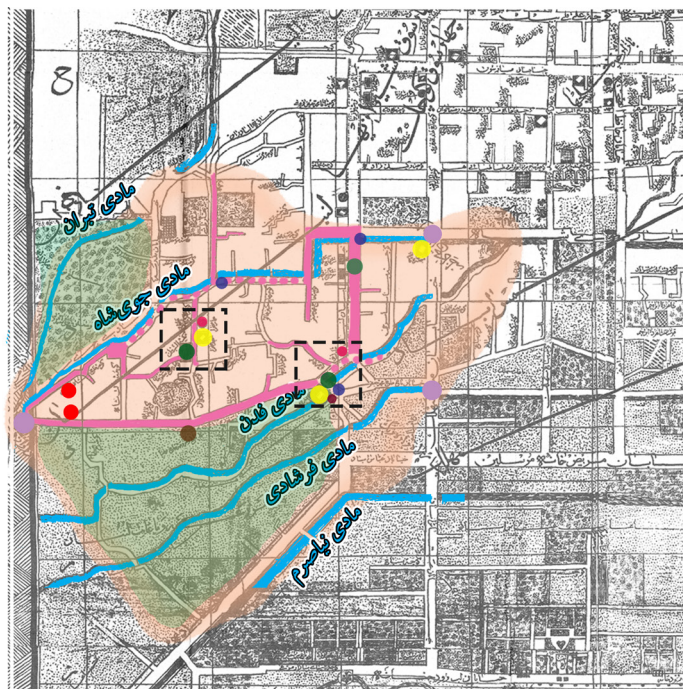
شکل شماره ۱۳: بازنمایی حدودی یک مرکز محله در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۱۴: بازنمایی حدودی یک مرکز محله در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

زورخانه‌های شهر به نظر می‌رسد (اسناد ملی، ۲۳۶۳۸-۲۹۷).

علاوه بر آن سه سقاخانه در محله لبنان وجود داشته است یک سقاخانه لبنان، که از آثار باقی‌مانده از دوره صفوی است و در قسمت شرقی حسینه مسجد در کنار کوچه گذر قدیمی قرار گرفته است. دومی سقاخانه‌ای در ابتدای لبنان در سرجوی شاه. سوم سقاخانه‌ای در دنبال نهر جوی شاه. سقاخانه لبنان در بازارچه‌ای در خیابان لبنان و جنب مسجد کوهک قرار داشته است. (سند ۱/۱۲۷، ۲۴، ۱۳۳۹)<sup>۱</sup>



- گستره محله لبنان
- مادی‌ها
- کوچه‌ها و معابر
- کالسکه‌خانه‌ها
- باغات
- پل‌ها
- مساجد
- حمام‌ها
- بازارچه‌ها
- مکتب
- زورخانه
- سقاخانه‌ها
- مراکز محله

شکل شماره ۱۵: بازنمایی کامل محله لبنان در دوره قاجاریه بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

## فهرست منابع و مراجع

۱. ابن رسته، احمدبن عمر و احمدبن اسحاق یعقوبی (۱۸۹۲م)، **الاعلاق النفیسه و بلیه کتاب البلدان**، نشر دارصاد، بیروت-لبنان، جلد ۱، ۷ جلد.
۲. آصف، محمدهاشم (۱۳۵۲)، **رستم التواریخ**، تدوین توسط محمد مشیری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳. اصفهانی، حمزه (۱۳۶۶)، **تاریخ پیامبران و شاهان**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴. اصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸)، **نصف جهان فی تعریف اصفهان**، تدوین توسط منوچهر ستوده، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. امیرخانی، آرین و پیرام بقایی و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۸)، «تاملی بر چگونگی ساماندهی میدان‌های شهری»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۳۶، ۲۶-۳۰.
۶. ایمانی، مجتبی (بدون تاریخ)، **تاریخ فرهنگ اصفهان (مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون)**، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۷. باستانی راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره دهم، ۱-۳۰، بهار و تابستان.
۸. باستانی راد، حسن و دل‌آرا مردوخ (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره دوازدهم، ۲۱-۵۰.
۹. بهشتی‌نژاد، سید محمدعلی (۱۳۸۸)، **مسجد و محله لبنان**، انتشارات فرهنگ و مردم، اصفهان.
۱۰. پارسی، فرامرز و کاوه منصوری و نگار بدری (۱۳۹۰)، «بررسی نظام اجتماعی در ساختار شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به مثابه نظام اجتماعی شکل دهنده به شهر قاجاری»، **اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی**، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ۹۶۹-۹۹۴.
۱۱. تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم (۱۳۴۲)، **جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر**، تدوین منوچهر ستوده، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام و بهناز امین‌زاده (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، **هویت شهر**، شماره سیزدهم، سال هفتم، ۳۱-۴۴.
۱۳. جناب، سیدعلی (۱۳۹۳)، **احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان**، تدوین رضوان پورعصار، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۱۴. جناب، میرسیدعلی (۱۳۸۶)، **آثار و ابنیه تاریخی اصفهان**، تدوین رضوان پورعصار، سازمان فذهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۱۵. جناب، میرسیدعلی و ژان شاردن (۱۳۷۶)، **الاصفهان**، تدوین محمدرضا ریاضی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۶. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، **معجم البلدان**، تدوین اصغر مهرپرور و محمد جوزی، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۱، ۲ جلد، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
۱۷. رجائی، عبدالمهدی و محمدعلی چلونگر و مرتضی نورانی (۱۳۹۰)، «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مولفه‌های آن»، **مطالعات اسلامی؛ تاریخ و فرهنگ**، ۲۹-۵۲، بهار و تابستان.
۱۸. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲) **آثار ملی اصفهان**، انجمن آثار ملی، تهران.
۱۹. سالاری پور، علی‌اکبر؛ حمیدرضا رضضانی؛ نادر زالی و مریم صفای کارپور (۱۳۹۷)، «بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان مطالعه موردی: محله ساغر یسازان شهر رشت»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۴، ۳۵-۸۸.
۲۰. سرائی، محمدحسین و فریبا بهرامی و شیرین مهره کش (۱۳۹۱)، «مولفه‌های هویت بخش محله‌های تاریخی شهر، بافت پیرامون مسجد جامع شهر اصفهان»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره هفتم، ۲۷-۳۶.
۲۱. سروش، مهرنوش (۱۳۸۵)، «بازاندیشی در شیوه فهم تاریخ معماری»، **گلستان هنر**، شماره ششم، ۷۶-۸۰.
۲۲. سند ۱/۱۲۷ (۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۹ ه.ق.)، «دکاکین بازار بیدآباد»، **اسناد موقوفات اصفهان**، اصفهان، دفتر اول.
۲۳. سند ۲۹۷/۲۳۳۶۳۸ (۱۳۱۶)، «صورت اسامی مسابقه‌های رسمی ورزشی و زورخانه‌ها و بنگاه‌های ورزشی اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش»، **آرشیو اسناد ملی ایران**.
۲۴. شعله، مهسا (۱۳۸۵)، «دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای»، **هنرهای زیبا**، شماره ۲۷، ۱۷-۲۶، پاییز.
۲۵. شفقی، سیروس (۱۳۸۱)، **جغرافیای اصفهان**، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۲۶. شیعه، اسماعیل (۱۳۹۳)، **مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۷. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۴)، **سفرنامه ناصر خسرو و قبادیانی به انضمام روشنایی نامه و سعادت نامه**، انتشارات اساطیر، تهران.
۲۸. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، **آثار البلاد و اخبار العباد**، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۹. کاشانی‌جو، خشایار و الیناز فتح‌العلومی (۱۳۹۴)، «بازشناسی نقش محلات در شهرهای ایرانی - اسلامی»، **همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، مرکز رشت، بهار.
۳۰. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳)، «مولفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، **نقش جهان**، شماره اول، دوره چهارم، ۱۷-۲۶.
۳۱. مافروخی، فضل‌بن سعده (۱۳۸۵)، **محاسن اصفهان**، تدوین عباس اقبال آشتیانی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، اصفهان.
۳۲. مبارکه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۰)، **نورالنور فی کشف احوال بنت موسی ابن جعفر**، کتابفروشی کمالی، اصفهان.
۳۳. محمدی، جمال و سیدرضا آزاده (۱۳۹۷)، «مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: محله جویباره و شهرک نگین)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۴، ۲۳-۳۴.
۳۴. مردانی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، «طبقه‌بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی»، **باغ نظر**، شماره ۳۵، سال دوازدهم، ۶۵-۷۴.
۳۵. مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۸۷)، **اعلام اصفهان**، تدوین غلامرضا نصراللهی، جلد دوم، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۳۶. موقر، حمیدرضا و احسان رنجبر و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران؛ نمونه مطالعاتی: محله‌های شهر ناین»، **مطالعات معماری ایران**، شماره هفتم، ۳۵-۵۶.
۳۷. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴)، **اثر آفرینان زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)**، تدوین حسین محدث‌زاده، مینا احمدیان و حبیب‌الله عباسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۳۸. هولتسر، ارنست (۱۳۵۵)، **ایران در یکصد و سی‌ده سال پیش**، تدوین محمد عاصمی، وزارت فرهنگ و هنر (مرکز مردم شناسی ایران)، تهران.
۳۹. وزیر، احمدعلی خان (۱۳۸۵)، **جغرافیای کرمان به ضمیمه رساله دهات کرمان**، تدوین محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، تهران.
40. Arigoni, Danielle (2001), **Affordable housing and smart growth making the connection**, Washington D.C., National Neighborhood Coalition .
41. Sauer, Carlo (2009) "forward to historical geography", **Annals of the association of American geographers**, 31, 1-24.



## تحلیل روابط فرهنگی در پیکره‌بندی فضایی مسکن سنتی کردها مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهری منطقه موکریان (شهر سردشت)

الهام رشیدزاده<sup>۱\*</sup> (نویسنده مسئول)، فؤاد حبیبی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه معماری، واحد سردشت، دانشگاه آزاد اسلامی، سردشت، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۵)

### چکیده

فضا، یکی از مهم‌ترین مباحث معماری است که فرم، ساختار و سازماندهی آن به طور مستقیم با فرهنگ در ارتباط می‌باشد، در واقع وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شوند. می‌توان گفت، معماری به واسطه‌ی زبان کالبد و فضا، قانونمندی‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در رسوم و عادات را سازماندهی می‌کند. بنابراین نحوه‌ی سازماندهی، انتظام و نوع فضاها و فرم ظاهری آن‌ها، علاوه بر اینکه معرف پیشینه‌ی فرهنگی و هویت ساکنان است، بر ساختار اجتماعی کاربر فضا نیز مؤثر می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ماهیت معماری مسکونی منطقه کردستان مکری (موکریان)، با تأکید بر خصوصیات و ویژگی‌های فضای معماری و نحوه‌ی سازماندهی و انتظام آن، از منظر فرهنگ می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش کیفی قوم‌نگاری، کلیت فرهنگ کردهای مکری بر اساس متغیرهای ملموس‌تری که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند (سبک زندگی، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و فرایند روابط اجتماعی) در ارتباط با شکل خانه‌ها بررسی شده‌است. عملیات گردآوری داده‌های معماری (برداشت، تهیه پلان، کروکی و عکاسی) نیز با استفاده از روش میدانی در رابطه با شکل خانه‌های سنتی (خانه‌های شهری) شهر سردشت، واقع در شمالغرب ایران، به عنوان نمونه عمومی و مطالعاتی از مسکن شهری و معماری بومی منطقه کردنشین موکریان، انجام شده‌است. بنابراین به منظور تحلیل ساختار فضایی، الگوی چیدمان فضا و نمودار توجیهی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار Agraph ترسیم شد. سپس شاخص‌های هم‌پیوندی، عمق نسبی و اتصال (کنترل) فضاها با استفاده از روابط ریاضی نحوفضا برای هر نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد، معماری سنتی منطقه موکریان، تلفیقی از معماری درونگرا و برونگرا است. در خانه‌های شهری این منطقه مسئله حریمیت، به واسطه فرهنگ خاص کردها، ساختار پیچیده‌ای دارد و اکثر فضاها بعدی عمومی دارند. جایگاه زن در خانه و سیستم خانواده از نظر تعداد همسر، اهمیت زیادی در شیوه‌ی سازماندهی فضا دارد که منعکس‌کننده رفتارهای برگرفته از فرهنگ، آداب و رسوم بومی و ساختار اجتماعی‌شان می‌باشند.

واژگان کلیدی: فضا، فرهنگ کردها، مسکن، خانه‌های سنتی (شهری)، سردشت.

## مقدمه

رفتارهای روزانه که مبتنی بر کنش‌های متقابل انسان و محیط بوده، به همراه هنجارهای اجتماعی-فرهنگی، عامل مهم شکل‌پذیری معماری مسکونی است. ویژگی بارز معماری مسکونی بومی، مطابقت با نیازها و پاسخ به مسایل استفاده‌کنندگانی است که در بنای خود مداخله و مشارکت دارند. بنابراین انطباق شکل بنا با نیازهای فیزیکی و فرهنگی، سرلوحه شناخت ویژگی‌های این معماری است. می‌توان گفت «معماری، وسیله سنجش واقعی فرهنگ یک ملت می‌باشد» (گروت، ۱۳۸۶: ۵۳). برای بیان و توضیح شکل‌های مختلفی که مسکن پیدا کرده که هم‌زمان، پدیده‌ای پیچیده می‌باشد، ارائه‌ی یک دلیل واحد کافی نیست. بر طبق دیدگاه راپاپورت، شکل خانه تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر عامل سببی واحد دیگری نبوده؛ بلکه شکل خانه، حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی-فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن می‌باشد که به واسطه‌ی شرایط اقلیمی (محیط فیزیکی که بعضی از چیزها را تسهیل و بعضی را غیرممکن می‌سازد)، روش‌ها یا شیوه‌های ساختمانی، مصالح قابل دسترس و تکنولوژی (ابزار لازم برای ایجاد محیط مطلوب) تغییر می‌کند. در نتیجه، نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه یا اصلی و دیگر نیروها را، نیروهای ثانوی یا تغییردهنده می‌نامد (راپاپورت، ۱۳۹۲). با استناد به تحقیقات انجام شده در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر شکل خانه، فرهنگ در دسته‌ی عوامل اولیه و تعیین‌کننده در شکل کلی مسکن قرار می‌گیرد (Rapoport, 2000). همچنین الگوهای شکلی متفاوتی از خانه در نواحی با شرایط مشابه، از لحاظ وضعیت اقتصادی، اقلیم و تکنولوژی ساخت، ناشی از تفاوت‌های فرهنگی آن نواحی است (Kokurina, 2006). در واقع «مسکن یک ساختار فیزیکی است که می‌تواند بر اساس چارچوب‌های فرهنگی خاص، ساخته شده و مورد استفاده قرار گیرد و در نهایت، درک و تجربه شود» (Ruonavaara, 2018: 179). همچنین «تفاوت در کیفیت مسکن و شیوه‌های ساخت، نشان‌دهنده‌ی تفاوت در سطح ثروت و فرهنگ در میان جوامع مختلف است» (Dewilde&Soaita, 2019: 47). از آنجا که ساختن خانه، پدیده‌ای فرهنگی است، شکل خانه که عبارتست از فرم کالبدی و سازمان فضایی آن، شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می‌پذیرد (راپاپورت، ۱۳۹۲). اما با توجه به گسترده‌گی مقوله فرهنگ، نیازمند محدودتر کردن این مقوله به وجوه یا ابعادی هستیم که ارتباط نزدیک‌تری با ساختار فضای معماری داشته‌باشد. پنج جنبه‌ی اصلی فرهنگ، که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند عبارتند از؛ شیوه‌ی زندگی (نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی در فضا، چرا که سبک زندگی به سیستم فعالیت‌ها می‌انجامد)، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و نگرش به خلوت و فرایند روابط اجتماعی (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۴۰). از طرفی چارچوب نظری نحو فضا، رابطه بین شکل‌های سکونتی و نیروهای فرهنگی-اجتماعی را نشان می‌دهد (Fladd, 2017: 129).

در واقع نحو فضا تلاشی است در رابطه با این موضوع که وضعیت پیکره‌بندی فضایی، چگونه معنایی اجتماعی-فرهنگی را بیان می‌کند. به طور کلی، تحقیق حاضر به دنبال خوانش فرهنگی فضا در معماری مسکونی کردها می‌باشد، چرا که عدم توجه به بنیان‌های فرهنگی، به خصوص در حوزه مسکن که ارتباط مستقیم با فرهنگ ساکنین آن دارد و جایگزینی مسایل و موضوعات اقتصادی به جای توجه به کیفیت‌های فضای زندگی انسان، می‌تواند در چگونگی رفتار فضایی افراد (قلمرویابی، شخصی‌سازی، خلوت‌گزینی و...) خلل ایجاد نموده و به تبع آن پیامدهای جدی برای فرد، خانواده و اجتماع داشته باشد.

## پرسش‌های تحقیق

خانه بیشترین محل حضور انسان است و مهم‌ترین انتظاری که از آن می‌رود پاسخگویی به نیازها، باورها و ارزش‌های ساکنان آن است. خانه‌های سنتی ایرانی که نمونه‌ای از مسکن بومی هستند، از خصوصیات کالبدی و عملکردی متفاوتی برخوردارند. با تحلیل ساختار فضایی این خانه‌ها می‌توان به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و فرهنگی مستتر در ساختار و ویژگی‌های منحصر به فرد فضاها پی برد. اگرچه تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر شیوه‌های طراحی و الگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند، اما بر اساس نظریه راپاپورت و با این فرض که فرهنگ عامل اصلی و تعیین‌کننده در ظهور اشکال مختلف خانه در جوامع مختلف است، این تحقیق پاسخگویی به پرسش‌های زیر را هدف قرار داده است:

- عناصر محتوایی فرهنگی کردها در قالب سبک زندگی و متغیرهای اجتماعی در ارتباط با شکل و سازماندهی فضای خانه‌های سنتی منطقه موکریان چگونه است؟
- الگوهای فضایی و نحوه‌ی سازماندهی فضا، در معماری مسکونی کردهای این منطقه به تأثر از بینش و فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی آن‌ها چگونه و به چه شکلی است؟
- پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی منطقه موکریان از نظر معیارهای نحو فضا، به چه شکلی است؟

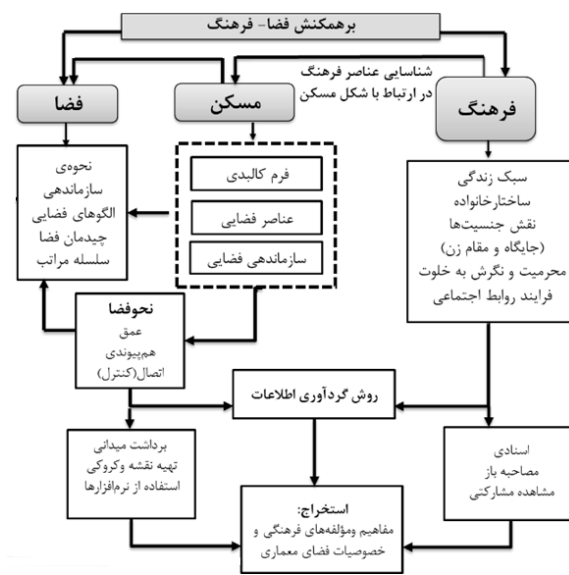
## چارچوب نظری

از دیدگاه راپاپورت، مسکن بخشی از محیط ساخته‌شده می‌باشد که روابط میان افراد، افراد و اشیاء و اشیاء را در بردارد (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۲۰۲). برخی دیگر نیز معتقدند، مسکن مفهومی چندوجهی است که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، بیان هویت و پایگاه اجتماعی ساکنان و غیره را در برمی‌گیرد (Werner, 1986). همچنین نظریه پردازانی مانند الکساندر<sup>۲</sup> (۱۹۶۴)، راپاپورت<sup>۳</sup> (۱۹۶۹)، الیور<sup>۴</sup> (۱۹۷۵)، هیلیور و هانسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) (و دیگرانی مانند شولتس<sup>۶</sup>، اکو<sup>۷</sup> و مرسر<sup>۸</sup>) با بررسی مسکن بومی، فرهنگ ساکنان را عامل اصلی و مؤثر بر چگونگی فرم مسکن و قانونمندی‌های روابط و عناصر آن معرفی کرده‌اند. بنابراین مؤلفه‌های فرهنگ، تحت عنوان ساختار

اجتماعی، نظام ارزشی، شیوه زندگی و سیستم فعالیت‌ها، عامل بنیادی در انتظام مسکن و ویژگی‌های فرهنگی افراد می‌باشد (Rapoport, 2005). راپاپورت، شرایط اقلیمی، روش‌های ساختمان‌سازی، مواد قابل دسترس و تکنولوژی را عوامل ثانویه یا تغییردهنده و عوامل اجتماعی- فرهنگی را نیروهای اصلی و تعیین‌کننده در شکل مسکن معرفی می‌کند (معماریان، ۱۳۹۳: ۳۱۴). در واقع آنچه که در شکل ساخته‌شده اهمیت دارد، نوع پاسخ و انتخابی است که ریشه در فرهنگ جوامع دارد. منظور از نیازهای اساسی که بر اساس فرهنگ‌های مختلف، پاسخ به آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد، عبارتند از؛ میزان نور و روشنایی مطلوب، طریقه نشستن، شیوه‌ی غذا خوردن و آشپزی و... که بیانگر سبک زندگی هستند. (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۹۹). از طرفی، وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شوند و نحوه‌ی سازماندهی، انتظام و نوع فضاها و فرم ظاهری آنها، علاوه بر اینکه معرف پیشینه‌ی فرهنگی و هویت ساکنان است، بر ساختار اجتماعی کاربر فضا نیز مؤثر می‌باشند (پوردیهیمی، ۱۳۷۸: ۱۴). هنگامیکه محیط طراحی می‌شود، چهار عنصر فضا، زمان، ارتباطات و معنی سازماندهی می‌شوند. سازماندهی فضا عبارتست از: انتظام خصوصیات عناصر ثابت (پیکربندی و طراحی فضا) و عناصر نیمه‌ثابت (چیدمان و مبلمان فضایی) محیط ساخته‌شده (راپاپورت، ۱۳۹۲). از نظر راپاپورت، این سازماندهی بر جایگاه اجتماعی ساکنان و کاربری فضا تأثیر می‌گذارد و علت این امر را نیز این‌گونه استدلال می‌کند که تعاملات غیر کلامی افراد (عناصر غیر ثابت) بر اساس معانی فرهنگی و اجتماعی که خصوصیات فضا دارند، صورت می‌گیرد. از طرفی پنج جنبه‌ی اصلی فرهنگ، که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند عبارتند از؛ شیوه‌ی زندگی (نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی در فضا، چراکه سبک زندگی به سیستم فعالیت‌ها می‌انجامد)، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و نگرش به خلوت و در نهایت فرایند روابط اجتماعی (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۴۰). همچنین هیلیر و هانسون، با ارائه روش "نحو فضا"، بر انتظام خصوصیات و کاربری فضا به عنوان عاملی جهت شناسایی چگونگی رفتارها و فعالیت کاربران و تعامل آن‌ها با ساختارهای اجتماعی تأکید کرده‌اند (Hillier, 2007). بنابراین با استفاده از نظریه نحو فضا و ترسیم نمودار گرافیک فضایی، می‌توان الگوهای عمق، اتصال و هم‌پیوندی، را به منظور شناخت نحوه‌ی پیکره‌بندی و سازماندهی فضا بررسی نمود. مفهوم عمق، تعداد قدم‌هایی است که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود و افزایش عمق فضا میزان تفکیک و جداسازی و در نتیجه حریمیت فضا را نشان می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). هم‌پیوندی هر فضا در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. مفهوم اتصال یا به تعبیری دیگر ارتباط به معنی تعداد پیوندهایی است که بطور مستقیم بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود (Summers, 2015: 124). فضای معماری از دیدگاه معماران، تداوم سه بعدی فضا است که قابلیت تقسیم‌بندی و اندازه‌گذاری را دارد و می‌توان به روش‌های گوناگون آن را شکل داد، به طوری که در زمان، تجربه و حرکت بین

درون و بیرون درک می‌شود (کش، ۱۹۹۵: ۲۳). به طور خاص خانه در تمدن ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و خانه‌های سنتی و قدیمی ایران، شیوه زندگی و تفکر انسان‌ها را در زمان‌های مختلف به منصفه ظهور می‌گذارند. اجزای کالبدی این خانه‌ها در هر فضا شامل کف، جداره‌ها و سقف است. هر کدام از گونه‌های فضایی بر اساس وجود یا فقدان این عناصر تعریف می‌شوند در خانه‌های سنتی، فضای باز با تعریف کف و جداره تعریف می‌شوند، فضای نیمه‌باز با ادراک کف، سقف و تعریف خاصی از جداره قابل تشخیص است و فضاهای بسته هر سه عنصر کف، سقف و جداره‌ها را بطور کامل در معرض نمایش می‌گذارند (هدایت و طباطبائی، ۱۳۹۱). بر طبق دیدگاه آلمن منظور از فضای عمومی، فضایی است برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیر شخصی که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم و فضای خصوصی به عنوان انتخابی است که یک فرد نسبت به دسترسی دیگران به خود انجام می‌دهد (مدنی پور، ۱۳۸۹). در این پژوهش عرصه‌بندی فضای عمومی و خصوصی بر اساس نوع کاربری و عملکرد هر فضا به تنهایی به نسبت سایر فضاها و چگونگی و میزان دسترسی اعضای خانواده در مقابل افرادی غیر از اعضای خانه (یعنی غریبه و مهمان) تعریف شده است. در ارتباط با سوابق پژوهش می‌توان گفت توجه به تأثیر مباحث فرهنگی- اجتماعی در معماری موضوعی است که بسیاری از اندیشمندان این حوزه بدان پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر رابطه فرهنگ و معماری تأکید داشته و بر اساس رویکردهای مختلفی نظیر پدیدارشناسی و معناشناسی به تبیین مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری متمرکز شده‌اند (Dewilde & Soaita, 2019; Clarissa & Lorenzo, 2016؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶؛ نجار نجفی، ۱۳۹۴؛ یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲؛ عزیززی، دلپذیر و مقدم، ۱۳۹۱). در سال ۱۳۸۱، معماریان در مقاله‌ای تحت عنوان نحو فضای معماری، به معرفی این روش پرداخت. در سال ۱۳۹۱، کمالی‌پور و همکاران، در پژوهشی با استفاده از این مدل و با طبقه‌بندی شکلی مسکن بومی، به تحلیل روابط فضای مهمان با سایر فضاها در مسکن بومی کرمان پرداخته‌اند. کیانی و همکاران در سال ۱۳۹۸ با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، میزان انعطاف‌پذیری خانه‌های سنتی شهر قزوین را بررسی کرده‌اند. این در حالی است که محققین متعددی در خارج از کشور، به منظور شناخت نحوه هماهنگ‌سازی مسکن با روابط اجتماعی و فرهنگی، به تحلیل پیکره‌بندی مسکن بومی مناطق مختلف، به روش نحو فضا پرداخته‌اند. ادکن در ۲۰۱۳، با استفاده از نحو فضایی، الگو و اصول سازماندهی فضایی را در خانه‌های بومی نیجر به استخراج نموده است. مصطفی در ۲۰۱۰، با هدف ارزیابی نفوذپذیری، رعایت حریم‌های فضایی و تأثیر چیدمان فضایی، با استفاده از روش نحو فضا، به مقایسه تطبیقی پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی روستایی و مدرن شهری در شهر اربیل عراق پرداخته است. بلا در ۲۰۱۳، به تحلیل نحو فضای مسکن بومی روستای موزانیت الجزایر پرداخته و نقش اعتقادات اجتماعی و فرهنگی و مذهبی مردم این روستا را در ساختار و پیکره‌بندی خانه‌ها بازایی کرده است. پژوهش‌هایی نیز در خصوص رابطه میان سبک زندگی و شکل مسکن در معماری ایرانی انجام شده است که در آن‌ها

به طور کلی شاخصه‌های مسکن ایرانی-اسلامی و نحوه‌ی عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب فضاها بر طبق رعایت آموزه‌ها و ارزش‌های دینی بررسی شده‌است (شصتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ کرانی و همکاران، ۱۳۹۳). در این پژوهش‌ها ویژگی‌ها و تفاوت‌های قومی و آداب و رسوم خاص خرده‌فرهنگ‌ها که ارتباط مستقیمی با سبک زندگی و خصوصیات فرهنگی آن جوامع دارند در نظر گرفته نشده‌است. همچنین در سالیان اخیر مطالعات درخور تأملی در زمینه شناخت و معرفی معماری غرب کشور، خصوصاً منطقه کردستان انجام شده است که در این پژوهش‌ها تأکید بر ویژگی‌های کالبدی معماری روستایی (خصوصاً روستاهای منطقه اورامان) و گونه‌بندی بر اساس ویژگی‌های شکلی و توپوگرافی منطقه بوده‌است (سالم، حسن‌پور و دژدار، ۱۳۹۸؛ مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵؛ رضایی و کهزادیان، ۱۳۹۵؛ خدادادی، گرگانی و کریمیان، ۱۳۹۴؛ هاشم نژاد و مولانایی، ۱۳۸۷؛ ویسی، ۱۳۸۷). مطالعات ارزنده‌ای نیز با رویکردهای پدیدارشناسی و نشانه‌شناسی در زمینه معنای خانه‌های بومی و روستایی کردستان صورت گرفته‌است (گلایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حمه‌جانی، بازییدی و سبحانی، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه، تحقیقات انجام گرفته در زمینه معماری کردستان غالباً در مقیاس روستایی بوده‌است، لذا تفاوت این پژوهش با سایر مطالعات انجام شده در این زمینه اینست که، این پژوهش به بررسی ماهیت معماری مسکونی کردها از منظر فرهنگی در خانه‌های بومی شهری و همچنین رابطه فضا و فرهنگ و نحوه‌ی این ارتباط، که باعث بروز نتایج دقیق‌تر و کامل‌تری در حوزه شناخت ساختار فضایی معماری مسکونی می‌شود، در قالب بررسی پیکره‌بندی و نحو فضا در خانه‌های سنتی منطقه موکریان می‌پردازد.



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

### روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به هدف آن، از ترکیب روش کیفی و کمی استفاده شده‌است. در بخش کیفی به منظور استخراج عناصر محتوایی فرهنگ، با استفاده از روش قوم‌نگاری، ۲۵ خانه سنتی واقع در شهر سردشت (در این پژوهش، به دلیل محدودیت زمانی و گستردگی میدان مطالعه، شهر سردشت به عنوان یکی از

شهرهای مرکزی و نیز قدیمی منطقه موکریان انتخاب شده‌است) به عنوان نمونه مطالعاتی، از میان اقشار مختلف جامعه و با وضعیت معیشتی متنوع انتخاب شده و با تعداد ۳۰ نفر از اعضای خانواده‌ها مصاحبه باز انجام شد. ملاک گزینش و انتخاب خانه‌ها، قدمت بنا و امکان برقراری ارتباط مستقیم با اعضای خانواده بوده‌است، که با توجه به اینکه نویسندگان خود ساکن و از اهالی سردشت می‌باشند، شناسایی و امکان ایجاد ارتباط با آن‌ها به صورت هدفمند فراهم شده‌است. قوم‌نگاری عبارت است از مطالعه مردم در محیط اجتماعی-طبیعی به وسیله ابزارها و روش‌هایی که بتوان به معنای اجتماعی و فعالیت افراد دست پیدا کرد (Hollway & Jefferson, 2002:4)، کلیت فرهنگ کردهای مکرری بر اساس متغیرهای ملموس‌تری که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند (یعنی سبک زندگی، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، محرمیت و فرایند روابط اجتماعی) از طریق مصاحبه‌های باز، در قالب سئوالاتی واضح (با کسب اجازه از صاحبان خانه‌ها به منظور درج اطلاعات ذکر شده در پژوهش) از اعضای خانواده‌های ساکن در هریک از خانه‌ها پرسیده شده‌است، تحلیل داده‌های کیفی این بخش با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای انجام شده‌است. همچنین از داده‌ها و اطلاعات مشاهده‌ای نیز، جهت مستندسازی یافته‌ها و مباحث استفاده گردید. عملیات گردآوری داده‌های معماری (برداشت و تهیه پلان و...) با روش میدانی انجام شده‌است. همچنین در روش کمی و بخش تحلیل پلان‌ها و نقشه‌های خانه‌ها، به وسیله روش چیدمان فضا و با استفاده از نرم‌افزار Agraph، نظام فضایی معماری مسکونی این مناطق بررسی گردید، این نرم‌افزار با ترسیم نمودار گرافیک فضایی به منظور کشف الگوهای نهان موجود در یک محیط کالبدی، به مطالعه‌ی سازمان فضا و انتظام فضایی در آن محیط می‌پردازد (Kwon & Sailer, 2015). استفاده از روش چیدمان فضا، به کمک شناخت الگوهای عمق و هم‌پیوندی جهت بررسی نحوه‌ی سازماندهی فضا، پژوهش حاضر را از بحث‌های صرفاً کیفی، فراتر برده و به وسیله ارائه اطلاعات کمی، تحلیل‌ها را وارد مرحله جدیدتر و قطعی‌تری می‌کند. نرم‌افزار Agraph، یکی از شیوه‌های جدید و ساده ترسیم و تحلیل گراف در نظریه نحو فضا می‌باشد و این روش، به عنوان یکی از روش‌های معتبر در پژوهش‌های معماری قلمداد می‌شود (گروت، ۱۳۸۴: ۳۱۰-۳۰۷)، همچنین اعتبار و آزمون‌پذیری این روش به دلیل کمی بودن آن کاملاً مشهود است. در خصوص جامعه آماری، خانه‌های قدیمی شهری که با مصالح بنایی و در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ ساخته شده‌اند، به صورت هدفمند با در نظر گرفتن این نکته که در این خانه‌ها، ساکنان اولیه‌ی بنا و یا نسل‌های بعدی و از اعضای همان خانواده، همچنان در این خانه‌ها سکونت دارند، در شهر سردشت شناسایی و انتخاب شده‌اند، تا به این ترتیب اطلاعات جامع و دقیقی نسبت به افراد ساکن، شیوه‌ی زندگی و فرهنگ خانواده به دست آید. بنابراین، علاوه بر حضور در فضا و انجام مشاهدات، مستندات و نقشه‌های برداشت شده ۲۵ واحد مسکونی تیپ غالب



جدول شماره ۱: پارامترهای چیدمان فضا

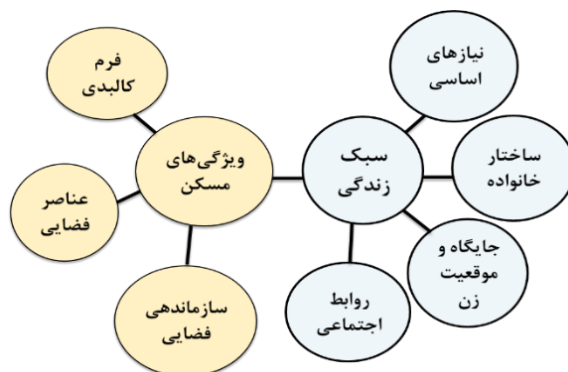
| شاخص               | تعاریف   | رابطه                     |
|--------------------|--|---------------------------|
| هم پیوندی نسبی فضا | شاخص روابط بین هر فضا و همه دیگر فضاها در طرح بندی است. این پارامتر بین صفر و یک تعریف می شود، وقتی این مقدار به یک نزدیک باشد، فضا یا مجموعه هم پیوندی بالاتری دارد و وقتی به صفر نزدیک باشد، افتراق فضا از سیستم بیشتر است (Hillier, 2006) | $i = 1/RA$                |
| عدم تقارن نسبی فضا | میزان یکپارچگی یک هسته را مشخص می کند و عدد آن بین یک و صفر متغیر است، به نحوی که عدد کمتر نشان دهنده یکپارچگی بیشتر است. تقارن و عدم تقارن درباره پیوستگی / تفکیک است (بیشتر خصوصی / کمتر خصوصی) (Mustafa, 2012)                            | $RA = 2 * (MD - 1)/(k-2)$ |
| عمق کلی            | (Total Depth) یا عمق کلی یک هسته با نام n یا TD (n)، عبارت است از جمع کل کوتاهترین فواصل از آن هسته تا سایر هسته ها در یک سیستم، یعنی جمع کل خط n در ماتریس فاصله (Omar, Endut & Saruwono, 2012).  | ---                       |
| عمق متوسط          | (Mean Depth) یا عمق متوسط هسته برابر است با متوسط کوتاهترین فواصل از هسته n، عمق متوسط میزان نفوذ پذیری هر فضا را مشخص می کند (Omar, Endut & Saruwono, 2012).  | $MD(n) = TD(n)(K-1)$      |
| کنترل              | این پارامتر ارزش کلی هر هسته را در اتصال با هسته های دیگر نشان می دهد (Nilufar & Eshika, 2015)   | $Cv = \sum ni = (1/Di)$   |

K، تعداد کل فضا در گراف است.  
Di، در کتاب منطق اجتماعی فضا، به صورت جدول در آمده و می توان با دانستن تعداد فضاهای گراف، عدد مورد نظر را از جدول مربوطه استخراج نمود.

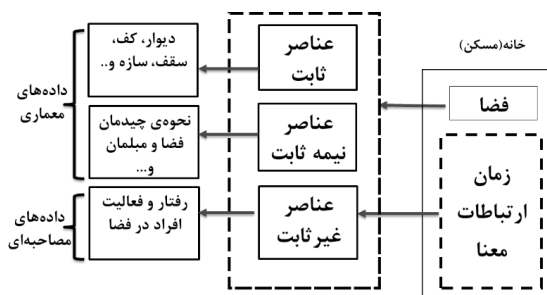
مورد بررسی جزء به جزء قرار گرفت و با اعضای خانواده های ساکن در هریک از خانه ها، مصاحبه باز انجام شد، که البته در این پژوهش ده مورد از آن ها به عنوان نمونه آورده شده است. به منظور تعیین خانه ها و افراد مورد مصاحبه، از نمونه گیری کیفی - هدفمند و نیز برای تعیین حجم نمونه از منطق اشباع نظری، استفاده شده است. «اشباع بدین معنی است که هیچ داده تازه و مهمی به دست نیاید و مقوله ها به خوبی از لحاظ ویژگی ها و ابعاد پرورده شده باشند» (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

فرهنگ و اصول فرهنگی ناحیه مورد مطالعه

تحقیق حاضر به مطالعه خانه های قدیم شهر سردشت، واقع



تصویر شماره ۲: دیاگرام ارتباطی ویژگی های مسکن و سبک زندگی



تصویر شماره ۳: مدل مفهومی داده های پژوهش

در منطقه کردستان موکریان، در شمالغرب ایران و استان آذربایجانغربی اختصاص دارد، این منطقه محل زندگی کردهای مکرری است که با لهجه ی سورانی، سخن می گویند. از نظر اعتقادی، پیرو دین اسلام و مذهب شافعی هستند و فرهنگ و آداب و رسوم این منطقه، ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی آنان دارد و این اعتقاد نسل به نسل به ارث رسیده است (صمدی، ۱۳۸۵). جمعیت شهرستان سردشت بر طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ (با توجه به اینکه پژوهش حاضر در رابطه با بررسی خانه ها در بازه ی زمانی (۱۳۵۰-۱۳۰۰) می باشد)، ۲۶۴۵ نفر بوده است (تقوایی و آکوچکیان، ۱۳۹۳). به طور کلی در بازه زمانی (۱۳۰۰-۱۳۵۰) جامعه کردستان، دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی بوده است. از نظر اقتصادی سه سبک معیشت اقتصادی در شهر سردشت وجود داشته است که عبارت بودند از: دامداری - صنایع دستی، کشاورزی محدود و تجارت خرده پا. در حوزه نظام اجتماعی، خانواده رکن اساسی جامعه و نیز واحد تولید اقتصادی بوده است. ازدواج نه به معنای عاطفی آن، بلکه مبنایی به عنوان عامل پیوند دهنده بین خانواده ها، طوایف و نیز پایان دادن به خشونت ها و مسائل خانوادگی و قبیله ای بوده است و جامعه سنتی سردشت به شدت بر مناسک، تشریفات و نمادهای خود تأکید داشته است. از انواع لباس کردی زنانه و مردانه (لباس کردی زنانه، شامل پیراهن بلند کردی که در زبان محلی کراس می گویند، دستمال، شال کمر، کلاه و سر بند که با طلا و زیورآلات آراسته می گردد. لباس مردانه نیز شامل پیراهن مخصوص که در زبان محلی گوا می گویند، شلوار کردی یا پانتول، شال کمر و سر بند می باشد)، به عنوان پوشش رسمی زنان و مردان آن دوران می توان نام برد در گذشته مواد اولیه آن بیشتر از فرآورده های دامی، شامل پشم و پوست گوسفند و بز تهیه می شده است و امروزه در شیوه های دوخت و جنس پارچه، خصوصاً در مورد لباس زنان، تغییرات زیادی به وجود آمده است (محمدپور، ۱۳۸۳).

### مطالعه موردی و یافته‌ها

ساختار کالبدی خانه‌های سنتی: منبع اصلی برای آشنایی با فرهنگ یا شیوه سکونت جوامع سنتی این منطقه و تأثیر آن بر شکل خانه‌هایشان، مشاهدات میدانی انجام شده در مناطق مسکونی محدوده تحقیق است.

در نتیجه‌ی این مشاهدات، عناصر معماری شکل‌دهنده‌ی این خانه‌ها را می‌توان در قالب مؤلفه‌های عناصر فضایی، سازمان فضایی و فرم کالبدی اینگونه توصیف کرد:  
الف. عناصر فضایی: مهمترین ویژگی سازمان فضایی خانه‌های سنتی این منطقه، حضور همزمان دو گونه فضایی باز (حیاط و بام) و بسته (اتاق‌ها) است.

جدول شماره ۲: خانه‌های مسکونی قدیمی شهر سردشت (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰)

| گراف | الگوی سازماندهی<br>عرصه عمومی<br>عرصه خصوصی | ساختار فرمی<br>(نسبت فضای باز و بسته) | پلان | توضیحات بنا  |
|------|---|---------------------------------------|------|--|
|      |   |                                       |      | بنای شماره ۱<br>نام مالک: احمدشادمان<br>تعداد ساکن: ۱۰ نفر<br>تعداد همسر: ۱<br>شغل: دامدار-نانوا<br>تعداد طبقات: ۲<br>سال ساخت: ۱۳۳۱<br>مساحت همکف: ۱۷۴/۰۸<br>مساحت طبقه اول: ۷۸/۲۵<br>مساحت کل: ۲۵۲/۳۳      |
|      |   |                                       |      | بنای شماره ۲<br>نام مالک: محمد محمودپور<br>تعداد ساکن: ۵ نفر<br>تعداد همسر: ۱<br>شغل: نجار<br>تعداد طبقات: ۲<br>مساحت همکف: ۱۰۶/۹۵<br>مساحت طبقه اول: ۱۰۱/۹۵<br>مساحت کل: ۲۰۸/۹۰                             |
|      |   |                                       |      | بنای شماره ۳<br>نام مالک: عبدالله حسینیور<br>تعداد ساکن: ۸ نفر<br>تعداد همسر: ۱<br>شغل: خواروبار فروش<br>تعداد طبقات: ۱<br>سال ساخت: ۱۳۳۵<br>مساحت همکف: ۱۳۸/۴۶<br>مساحت طبقه اول: ۵۸/۹۲<br>مساحت کل: ۱۷۹/۳۸ |
|      |   |                                       |      | بنای شماره ۴<br>نام مالک: محمود محمودیان<br>تعداد ساکن: ۷ نفر<br>تعداد همسر: ۱<br>شغل: تاجر<br>تعداد طبقات: ۲<br>سال ساخت: ۱۳۳۹<br>مساحت همکف: ۱۵۹/۰۸<br>مساحت طبقه اول: ۷۴/۴۰<br>مساحت کل: ۲۳۳/۴۶           |

الگوی خطی

الگوی "۱" شکل

شکل ۱۱: الگوی

|  |  |  |  |   |
|--|--|--|--|---|
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۵<br/>نام مالک: احمد منده<br/>تعداد ساکن: ۹ نفر<br/>تعداد همسر: ۱<br/>شغل: کارگر<br/>تعداد طبقات: ۱<br/>سال ساخت: ۱۳۵۰<br/>مساحت: ۱۰۲/۵۳</p>  |
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۶<br/>نام مالک: محمد بیجاد<br/>تعداد ساکن: ۹ نفر<br/>تعداد همسر: ۱<br/>شغل: کارگر<br/>تعداد طبقات: ۱<br/>سال ساخت: ۱۳۳۲<br/>مساحت: ۱۸۶/۳۲</p>   |
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۷<br/>نام مالک: رشید رشیدزاده<br/>تعداد ساکن: ۱۳ نفر<br/>تعداد همسر: ۲<br/>شغل: تاجر<br/>تعداد طبقات: ۲<br/>سال ساخت: ۱۳۰۲<br/>مساحت همکف: ۵۵۰/۴۱<br/>مساحت طبقه اول: ۳۰۶/۲۰<br/>مساحت کل: ۸۵۶/۶۱</p> |
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۸<br/>نام مالک: محمد اسدیپور<br/>تعداد ساکن: ۱۲ نفر<br/>تعداد همسر: ۲<br/>شغل: تاجر<br/>تعداد طبقات: ۲<br/>سال ساخت: ۱۳۴۲<br/>مساحت همکف: ۴۴۱/۱۵<br/>مساحت طبقه اول: ۱۴۳/۱۹<br/>مساحت کل: ۵۸۳/۳۴</p>  |
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۹<br/>نام مالک: محمود امینی<br/>تعداد ساکن: ۹ نفر<br/>تعداد همسر: ۲<br/>شغل: دامدار (ساکن شهر)<br/>تعداد طبقات: ۱<br/>سال ساخت: ۱۳۵۰<br/>مساحت: ۲۳۶/۳۸</p>  |
|  |  |  |  | <p>بنای شماره ۱۰<br/>نام مالک: امیر کمانی<br/>تعداد ساکن: ۷ نفر<br/>تعداد همسر: ۲<br/>شغل: میوه فروش<br/>تعداد طبقات: ۱<br/>مساحت کل: ۱۳۶/۵۴</p>  |

شکل ۱۲: الگوی

- فضای باز (حیاط و بام): حیاط، عنصر فضایی جدانشدنی از خانه‌های سنتی این منطقه می‌باشد، چرا که به دلیل نبود آب لوله کشی و سیستم گرمایشی و تهویه در گذشته (بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰)، کلیه فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی از قبیل آشپزی، پخت و پز، شست و شو و حتی نگهداری مواد اولیه خوراکی در حیاط و فضای باز صورت می‌گرفته است، به طوریکه در اکثر موارد، در ابتدا فضای مطبخ یا آشپزخانه در پلان این خانه‌ها وجود نداشته و فعالیت آشپزی و سایر فعالیت‌های مربوط به آن مانند آسیاب کردن<sup>۱</sup> در حیاط و با درست کردن آتش و یا در اجاق‌های دیواری که "آگردان یا آورگ"<sup>۱۱</sup> نام داشت و معمولاً تابستان‌ها از آن استفاده می‌شد و همچنین پخت نان در فضای بسته تنور (در گویش محلی تندور می‌گویند) واقع در حیاط صورت می‌گرفت. بعدها با پیدایش سیستم‌های مکانیکی و الکتریکی، آشپزخانه یا مطبخ به داخل خانه انتقال داده شده است (در زمان انجام این پژوهش و برداشت از این بناها، فضای آشپزخانه در این خانه‌ها تعبیه شده بود). همچنین حیاط به عنوان مکانی برای ارتباط با طبیعت و همسایگان و برقراری تعاملات اجتماعی نیز به کار می‌رفت. از طرفی بام (بام‌های این منطقه به صورت مسطح بودند) به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل برای تحقق عملکردها و ارتباط با همسایگان بوده است. به همین دلیل است که نسبت فضای باز و بسته در خانه‌های سنتی این منطقه تقریباً به نسبت مساوی می‌باشد (ستون ساختار فرمی در جدول شماره ۲).

- فضاهای بسته: فضاهای بسته یا داخلی خانه‌های سنتی، از یک یا چند اتاق، آشپزخانه (در مواردی بعداً اضافه شده است)، حمام و سرویس‌های بهداشتی تشکیل شده‌اند. اتاق‌ها، فضاهای بسته چند عملکردی هستند که تمام فعالیت‌های یک خانوار از قبیل غذا خوردن، خوابیدن، دور هم نشینی و... می‌تواند در آن‌ها انجام شود. از این رو، در جوامع سنتی این منطقه به مواردی از قبیل محل قرارگیری، اندازه و عملکرد اتاق در مقایسه با خانه‌های سنتی و بومی سایر مناطق ایران از جمله خانه‌های شمال و غرب ایران (یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲؛ عبدالحسینی، ۱۳۹۰)، توجه زیادی نشده است. با توجه به این که اغلب خانواده‌های سنتی این منطقه، جزء خانواده‌های گسترده و دارای تعداد زیادی فرزند و در نتیجه پرجمعیت بودند، پیش‌بینی تعداد اتاق اختصاصی برای هر نفر امکان‌پذیر نبود. طراحی داخلی اتاق‌ها به صورت انعطاف‌پذیر و به گونه‌ای بود که نیاز تمام فعالیت‌های خانواده را پوشش دهد. فضای اتاق، امکان این را داشت برای زمان‌ها و عملکردهای خاص، هم فضای پذیرایی مهمان باشد و هم فضای خواب و یا اینکه با پهن کردن سفره، به فضایی برای غذا خوردن تبدیل شود. وجود طاقچه‌های متعدد برای اشیاء و لوازم کاربردی، گنجه‌های بزرگ در دیوار برای لباس یا رخت خواب، پشتی‌ها و تشکچه‌های متعدد برای نشستن در تمام اتاق‌ها و برخی از جزئیات تزئینی، حکایت از این نوع شیوه زندگی دارد. دیواخان<sup>۱۲</sup> یا اتاق مهمان، مهم‌ترین فضای خانه به شمار می‌آمد که بهترین امکانات و وسایل تزئینی به

این اتاق اختصاص داشت. حمام و سرویس‌های بهداشتی از دیگر فضاهای بسته در خانه‌های سنتی بودند که به علت شرایط اقلیمی و نبود آب لوله کشی بیرون از خانه ساخته می‌شدند<sup>۱۳</sup> و ساکنین شهر برای رفع نیازهای استحمام و... به حمام عمومی و سرویس‌های بهداشتی واقع در مساجد نزدیک به خانه مراجعه می‌کردند. بعدها، این فضاها با ایجاد سیستم لوله کشی، در گوشه‌های انتهایی حیاط تعبیه شدند، این امر ضمن کمک به حفظ پاکیزگی فضاهای داخلی، مانع انتقال رطوبت به اجزا و عناصر فضاهای داخلی و مستهلک شدن آن‌ها بود.

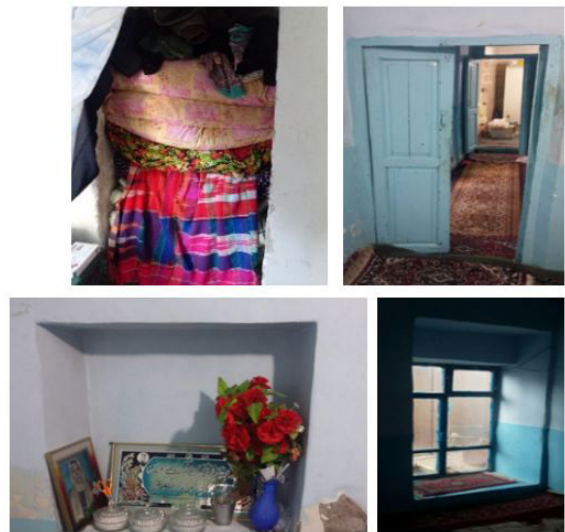
ب. سازمان فضایی: ویژگی‌های شاخصی که در رابطه با سازمان فضایی این خانه‌ها می‌توان مطرح کرد الگوی پلانی این خانه‌ها و روابط عملکردی آنهاست. با توجه به مشاهدات انجام شده، الگوهای غالب خانه‌های سنتی در این منطقه را می‌توان به سه الگوی "خطی"، "L" شکل و "U" شکل محدود کرد. در الگوهای مذکور، نحوه‌ی ارتباط بین فضای باز (حیاط) و فضای بسته، همچنین جهت‌گیری جبهه اصلی ساختمان که عمدتاً رو به جنوب و سمت قبله است، به جز مواردی که شکل و موقعیت زمین محدودیت ایجاد کند، اهمیت زیادی در شیوه‌ی سازماندهی فضا دارد، همچنین سیستم خانواده از نظر تک همسری یا چند همسری بسیار متفاوت می‌باشد، به نحوی که در خانواده چند همسری، خانه به دو یا چند قسمت تقسیم شده و هر همسر به نوعی حریم خود را داشته است و سازمان فضایی این نوع خانه‌ها بیشتر به صورت الگوی "U" شکل است. در رابطه با الگوی "L" شکل نیز مطابق اظهارات ساکنان خانه‌ها، الگوی خانه‌ها در ابتدا خطی بوده است و با گسترده شدن خانواده و ازدواج اعضای جوان خانواده، به تدریج به فضای اصلی خانه، اتاق‌هایی اضافه شده و منجر به تغییر الگوی خطی به الگوی "L" شکل، شده است. در خصوص نوع ارتباط عرصه‌ی عمومی و خصوصی در خانه‌های این منطقه، می‌توان گفت که نحوه‌ی سازماندهی این عرصه‌ها به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع نیازهای عملکردی خود فضا بوده است، اتاق‌ها به صورت تودرتو بوده و در اکثر موارد، اتاق‌ها از طریق وجود دربی دیگر، به همدیگر راه داشتند. به دلیل چندعملکردی بودن و انعطاف‌پذیری فضا در موارد زیادی فضای مهمان، بنا به دلیل دسترسی آسان و بهره‌گیری از نور و یا وسعت فضا در نظر گرفته شده است و چه بسا در بعضی از خانه‌ها، این فضا در مجاورت و ارتباط مستقیم با آشپزخانه و یا اتاق‌های جانبی که بیشتر عملکرد اتاق استراحت و خواب داشته‌اند، قرار گرفته است. (ستون الگوی سازماندهی در جدول شماره ۲).

ج. فرم کالبدی: از جمله ویژگی‌های بارز فرم خانه‌های سنتی این منطقه استفاده از اشکال و هندسه‌های ساده و منظم، تناسبات انسانی و مصالح بومی و طبیعی در ساخت آن‌ها است (گلابی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین معماری بومی این منطقه، تلفیقی از معماری درون‌نگرا و برون‌نگرا است. بدین معنی که در عین اینکه حیاط عنصر اساسی و جبهه‌ی اصلی خانه محسوب می‌شود و





تصویر شماره ۴: نمایی از بناهای شماره ۴ و ۷؛ تلفیقی از درونگرایی و برونگرایی در خانه‌های سنتی موکریان



تصویر شماره ۵: سازماندهی عناصر ثابت و نیمه ثابت

مردم و در نتیجه شکل خانه‌های آن‌ها داشته است. با بررسی پاسخ‌ها، مشخص شد وجوه و ابعاد مورد اشاره می‌توانند به عنوان مصداق‌هایی برای برخی از جنبه‌های سبک زندگی با سازماندهی فضا یعنی عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت باشند.

### تحلیل ساختار و پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی موکریان با استفاده از نرم افزار Agraph

در این تحقیق با ترسیم پلان ساده شده خانه، گراف نحو فضای آن تشکیل شده و سپس ماتریس نظیر آن، ترسیم گردید (ستون گراف در جدول شماره ۲). طیف رنگی موجود در گراف، از رنگ قرمز تا رنگ آبی تیره و بنفش متغیر بوده که نشان‌دهنده میزان هم‌پیوندی فضاها می‌باشد. هر چه یکپارچگی بیشتر باشد (RA=0) رنگ گره‌ها قرمز و هر چه یکپارچگی فضاها کمتر باشد (RA=1) رنگ گره‌ها به قرمز کم‌رنگ و زرد و در نهایت به بنفش خواهد رسید. با واکاوی ساختارهای فضایی موجود در این پلان‌ها با استفاده از نرم افزار Agraph، پارامترهای عمق کلی، عمق متوسط، هم‌پیوندی و کنترل محاسبه شده است.

#### الف) عمق فضاها

ایده اولیه عمق به عنوان تعداد قدم‌هایی که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود، تعریف می‌شود. افزایش عمق فضایی، علاوه بر تفکیک و جداسازی به افزایش درجه "محرمیت"<sup>۱۵</sup> نیز منجر می‌شود. به این معنی که عمق بیشتر مجموعه فضا، سلسله مراتب فضایی و کاهش میزان دسترسی و نفوذ به برخی فضاها را موجب می‌شود که این موضوع به کنترل هر چه بیشتر فضا می‌انجامد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). عمق، بار معنای فرهنگی دارد. با افزایش عمق، فضا خصوصی تر شده و میزان نفوذپذیری به فضا کاهش می‌یابد. عمق نسبی میانگین میزان نفوذپذیری هر فضا را مشخص می‌کند که نتایج محاسبات این بخش در نمودار شماره ۱ مشخص شده است. براساس این نمودار، عمق کلی فضاها در خانه‌های سنتی به دلیل اینکه ورودی از سمت حیاط است، زیاد است ولی عمق متوسط هر فضا، بسیار کمتر بوده

بازشوهای خانه رو به سمت حیاط و حالتی درونگرا دارند اما به سمت بیرون هم بازشوهایی تعبیه شده است و همچنین بام خانه فضایی بسیار کاربردی بوده است، خصوصاً جهت برقراری ارتباط با همسایگان. سادگی فرم و عاری بودن از هرگونه تجمل و خودنمایی، از جمله ویژگی‌های کالبدی خانه‌های این منطقه است. در رابطه با ارتباط بین فرم کالبدی خانه‌ها و بستری که در آن بنا شده‌اند، سازندگان بیش از همه به مواردی از قبیل هماهنگی مصالح، رنگ و فرم‌های مورد استفاده با بافت زمینه و اقلیم منطقه توجه می‌کردند. بدین صورت که عمده مصالح مورد استفاده عبارت از سنگ، چوب، خشت و آجر می‌باشند که جزء مصالح بوم‌آورد محسوب شده و با توجه به وجود جنگل و کوهستانی بودن منطقه به راحتی نیز قابل تهیه بودند.

### بحث و تحلیل یافته‌ها

با نگاهی به داده‌های ستون "توضیحات بنا" در جدول شماره ۲، که ویژگی‌هایی مانند تعداد اعضای خانواده، شغل سرپرست خانوار، تعداد همسر، تعداد طبقات و مساحت بنا را شامل می‌شود، می‌توان تا حدودی با وضعیت معیشتی و سطح اقتصادی و اجتماعی ساکنین خانه‌ها آشنا شد. مسلماً مقایسه داده‌های این بخش با جزئیات پلان‌ها، نشان‌دهنده تفاوت‌های معناداری در تنوع تناسبات پلان‌ها، تعداد فضاها (اتاقها)، زیربنای کل، تعداد طبقات و حتی تراکم و سرانه مسکونی در میان خانه‌های اقشار مختلف جامعه مورد مطالعه و با وضعیت معیشتی متفاوت است. با توجه به اینکه سبک زندگی برگرفته از فرهنگ و در ارتباط مستقیم با آن است، بنابراین نوع معیشت و وضعیت اقتصادی نیز، به عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های سبک زندگی در ارتباط با سازماندهی فضا (عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت) در جدول شماره ۳ بررسی شده است. همچنین طی مشاهدات حضوری و مصاحبه‌های انجام شده<sup>۱۴</sup> با ساکنین خانه‌ها، به وجوه و ابعادی اشاره شد که تأثیر مستقیمی روی الگوی فعالیت‌ها و شیوه زندگی

جدول شماره ۳: مهمترین جنبه‌های سبک زندگی و سازماندهی فضا

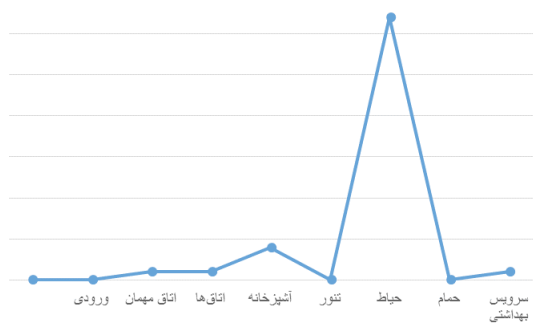
| عناصر غیر ثابت   | عناصر نیمه ثابت  | عناصر ثابت  | مهمترین جنبه‌های سبک زندگی    |
|--|--|---|-------------------------------|
| استفاده بهینه از نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی  | کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه (فضایی برای نشستن)   | استفاده از پنجره‌های بزرگ و عریض، جهت گیری پنجره‌ها (رو به حیاط و رو به بیرون)، ارتباط مستقیم با حیاط   | میزان نور و روشنایی مطلوب     |
| خواندن نماز و انجام مناسک دینی در خانه توسط زنان و در مساجد توسط مردان   | تمیز و مفروش بودن مکان اقامه نماز  | وجود حوض در حیاط برای وضو گرفتن، در صورت وجود سرویس بهداشتی در خانه، توجه به جهت قرارگیری آن (رو به قبله نباشند)                              | باورهای دینی و اعتقادی        |
| عدم وجود فضای اختصاصی برای غذا خوردن، پهن کردن سفره و دور هم نشستن، در بعضی از خانواده‌ها مردان قبل از زنان و فرزندان غذا می‌خورند.                            | استفاده از تنور و آتش‌دان - فضای آشپزخانه با مبلمانی ساده  | - فاقد فضای آشپزخانه و آشپزی در حیاط، از طریق تهیه آتش (وجود فضای تنور)<br>- فضای آشپزخانه در داخل خانه                                       | آشپزی و شیوهی غذا خوردن       |
| سادگی و بی‌پیرایگی، اهمیت جایگاه مهمان در خانه، وجود پدیده‌ی چند همسری و تعداد بیشتر فرزندان در خانواده‌های متمول‌تر   | توجه بیشتر به تزئینات و مبلمان در فضای اتاق مهمان، (فرش دستباف، پستی، ساعت، رادیو و تلویزیون، تزئینات دکوری بیشتر روی طاقچه‌ها)      | افزایش متراتر فضاها، تعداد اتاق‌های بیشتر و افزایش مساحت در خانه‌های متمول‌تر   | نحوه‌ی خاص معیشت              |
| امکان نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوار در فضای اصلی خانه، در کنار استفاده از مبلمان.  | نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پستی، مفروش بودن کامل اتاق‌ها  | پایین بودن ارتفاع سقف (تقریباً ۲۵۰ سانتیمتر)، پایین بودن دست‌انداز پنجره‌ها (تقریباً ۵۰ سانتیمتر).  | طریقه‌ی نشستن                 |
| اهمیت نظافت و پاکیزگی و لزوم رعایت بهداشت  | متفاوت بودن جنس مصالح در قسمت کفش کن و یا ایجاد پله اختلاف سطح، به منظور تفکیک فضا   | وجود فضای کفش کن در بخش ورودی و فضای هال  | ضرورت در آوردن کفش            |
| اختصاص اتاق و یا اتاق‌هایی مجزا برای هر یک از همسران و فرزندان آنها. کنار هم خوابیدن فرزندان در کنار هم و یا در کنار مهمان. خوابیدن در پشت بام در فصول گرم سال | عدم وجود تخت‌خواب، وجود گنجه و طاقچه‌های عمیق در دیوار، به عنوان محل نگهداری رخت‌خواب، پهن نمودن رخت‌خواب در اتاق‌ها به ازای هر نفر، | چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده،   | طریقه‌ی خوابیدن               |
| تراکم زیاد فضای اتاق‌ها و در کل فضای خانه، هماهنگی و تطابق فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده   | تفکیک اتاق همسران از طریق اختلاف طبقات و یا در دو سوی جبهه‌ی اصلی بنا  | یکدست بودن سیرکولاسیون فضاها در داخل خانه‌های تک همسر، بخش بندی و تفکیک داخل خانه در خانواده‌های دو یا چند همسری                              | ساختار خانواده                |
| استفاده از فضای حیاط (حوض آب) و فضای تنور برای مراودات و ملاقات زنان همسایه، عدم محدودیت زنان برای خروج از خانه  | جایگاه شست و شوی لباس و ظروف و .. در اطراف چاه یا حوض آب در حیاط، رفتن به حمام و سرویس بهداشتی عمومی در خارج از خانه                 | اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به زنان و عدم حضور مردان در این فضا، حضور مشترک زنان و مردان در سایر فضاها، عدم وجود حمام و سرویس بهداشتی در خانه | جایگاه و موقعیت زن در خانواده |
| اولویت دادن مهمان نسبت به اعضای خانواده، ایجاد فضای نیمه خصوصی برای خانواده  | وجود حداکثر مبلمان و تزئینات در اتاق مهمان و تمیز و مرتب نگهداشتن همیشگی آن  | اختصاص بزرگترین و در دسترس‌ترین اتاق خانه به فضای مهمان (اتاق مهمان)، حیاط به عنوان فضایی برای تعاملات و ارتباطات کوتاه‌مدت                   | روابط اجتماعی                 |

از درجه اول اهمیت برخوردار نیست، حریم خصوصی (عرصه خانواده) و عمومی (عرصه مهمان) آنچنان که باید، تفکیک نشده‌اند.

و مقایسه این متغیر در فضاها مختلف خانه، نشان می‌دهد که عمق متوسط فضاها (MDn)، تقریباً یکسان بوده، بنابراین سازماندهی فضا در این خانه‌ها به گونه‌ایست که اکثر فضاها در ارتباط با هم و دارای عمق کم و در دسترس می‌باشند، از سلسله مراتب مشخص و سازمان‌یافته‌ای پیروی نمی‌کنند و از میزان نفوذپذیری بالایی برخوردارند. در این خانه‌ها اکثر فضاها به طور مستقیم با حیاط در ارتباط می‌باشند و با توجه به اینکه محرمیت با عمق فضا قابل بررسی است، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت، محرمیت در این خانه‌ها

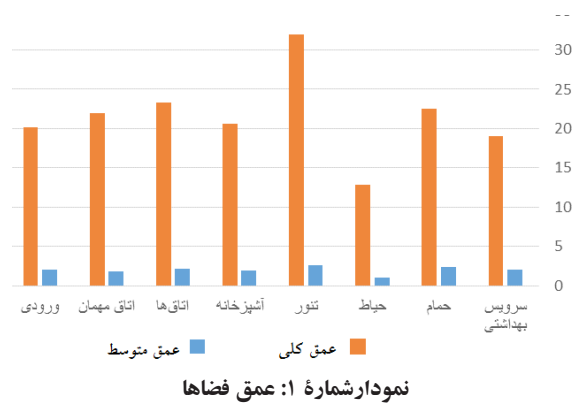
### ج) اتصال (ارتباط- کنترل)

مفهوم اتصال یا به تعبیری دیگر ارتباط به معنی تعداد پیوندهایی است که بطور مستقیم بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود. اتصال فضاها با یکدیگر موجب شناخت فضایی مناسب و همچنین تسهیل در گردش و روابط میان فضاها می‌شود. این متغیر در ارتباط با هم‌پیوندی نیز می‌باشد. همچنین بوسیله‌ی این شاخص می‌توان میزان کنترل فضا را نیز مورد سنجش قرار داد، به این معنی که فضا با تعداد اتصالات کم دارای کنترل بیشتر به نسبت فضا با اتصالات زیاد است (Yu & Oswald, 2018: 739). هر چه تعداد اتصال هر فضا به فضاهای مجاور بیشتر باشد، آن فضا عمومی‌تر و هر چه این مقدار کمتر باشد، آن فضا خصوصی‌تر است. براساس یافته‌ها (نمودار شماره ۳) میزان اتصال در فضای حیاط بیشترین مقدار بوده و به تبع آن کمترین کنترل مربوط به این فضا است. ورودی، حمام و تنور نیز بیشترین میزان کنترل کمترین اتصال به دیگر فضاها را دارند چرا که این فضاها (تنور و ورودی) همیشه به طور مستقیم یا غیر مستقیم تنها با حیاط در ارتباط بوده‌اند و حمام نیز در اکثر موارد یا در آشپزخانه تعبیه شده‌است و یا در حیاط واقع بوده‌است. اتاق‌ها و اتاق مهمان نیز به دلیل ارتباط محدود با یکدیگر و تودرتو بودن (که از ویژگی‌های خانه‌های این منطقه است) دارای اتصالات کمتر و درجه کنترل بیشتری می‌باشند.



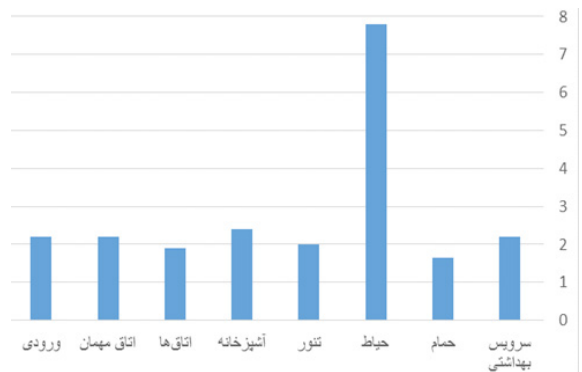
### نتیجه‌گیری

اگرچه تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر شیوه‌های طراحی والگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند. اما بر طبق گفته راپاپورت که فرهنگ می‌تواند عامل تعیین کننده و اولیه در شکل مسکن باشد، در پاسخ به سئوالات اصلی مطرح شده در این پژوهش، با تجزیه فرهنگ به سطوح ملموس‌تر، یعنی، سبک زندگی (فعالیت‌ها، الگوهای رفتاری، وضعیت معیشتی، نیازهای اساسی) و متغیرهای اجتماعی (ساختار خانواده، جایگاه و مقام زن، روابط اجتماعی) که جنبه‌های تأثیرگذار فرهنگ در ارتباط با سازمان فضایی خانه می‌باشند، کلیت فرهنگ کردهای منطقه موکریان در ارتباط با شکل خانه‌های سنتی شهری این منطقه بررسی گردید. نحوه‌ی



### ب) هم‌پیوندی

هم‌پیوندی هر فضا در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. مفهوم هم‌پیوندی به نوعی با مفهوم عمق ارتباط دارد؛ به این معنی که فضایی هم‌پیوند خوانده می‌شود که دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتاً کمی از آن قرار داشته‌باشند (Summers, 2015: 124). این مفهوم با شاخص اتصال نیز دارای رابطه مستقیم و خطی است؛ به این معنی که هر چه تعداد ارتباط با یک فضا از جانب فضاهای مجاورش بیشتر باشد، آن فضا از هم‌پیوندی بیشتری برخوردار است. همچنین فضایی که دارای هم‌پیوندی بالا باشد، قابلیت دسترسی فیزیکی بیشتری دارد. بنابراین معمولاً فضاهای پر کاربرد در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند (Summers, 2015: 126). بر طبق واکاوی ساختار فضایی خانه‌های سنتی موکریان در نمودار شماره ۲ مشخص شد که حیاط پیوسته‌ترین فضا با بالاترین مقدار عدد در پیوستگی است که از آن به عنوان فضای حرکتی می‌توان یاد کرد که با اکثریت فضاهای طبقه همکف اتصال برقرار کرده‌است و فضایی مرکزی و شاخص در پلان خانه‌هاست. به طور کلی سایر فضاها، به دلیل ارتباط مستقیم با حیاط و دسترسی آسان به همدیگر، دارای پیوستگی تقریباً یکسانی هستند. می‌توان اینگونه بیان کرد که پیوستگی فضا، باعث کاهش گام‌های فضایی و عمومی‌تر شدن این فضاها می‌شود. فضای حمام<sup>۱۶</sup> در این خانه‌ها جدا افتاده‌ترین فضا نسبت به سایر فضاهاست.



نمودار شماره ۲: هم‌پیوندی فضاها



این ارتباط، به دلیل حجم زیاد مطالب در قالب پاسخ توصیفی و جهت ایجاد اختصار، به صورت جمع‌بندی در جدول شماره ۴، بر اساس مهمترین جنبه‌های سبک‌زندگی در ارتباط با الگوی معماری خانه (عناصر ثابت و نیمه ثابت) و الگوی رفتاری و نحوه انجام فعالیت (عناصر غیر ثابت) به تفصیل ارائه شده است. همچنین در پاسخ به سؤال دوم، بر اساس تحلیل فضای معماری که هدف اصلی آن شناسایی الگوهای فضایی و نحوه سازماندهی

فضا، در معماری مسکونی کردهای این منطقه به تأثر از بینش و فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی آنهاست، نتایج بیانگر اینست؛ الگوی معماری سنتی و بومی منطقه موکریان، تلفیقی از معماری درونگرا و بیرونگرا می‌باشد، بدین شکل که در خانه‌های قدیمی این منطقه، گفتگو و همزیستی میان درون و بیرون، در حیاط و در داخل خود خانه روی می‌دهد و به نوعی درونگرایی از طریق آوردن بیرون به درون دیده می‌شود. سازمان فضایی

جدول شماره ۴: نتایج پژوهش

| الگوی مسکن (عناصر ثابت و نیمه ثابت) | الگوی رفتاری متأثر از فرهنگ (عناصر غیر ثابت)   |
|-------------------------------------|--|
|                                     | <p>وجود سه گونه الگوی فضایی «خطی»، «L»، شکل و «U» شکل، در ارتباط با جایگاه زن در خانه و ساختار خانواده از نظر تعداد همسر</p>   |
|                                     | <p>تلفیقی از درونگرایی و بیرونگرایی، کمرنگ بودن نقش محرمیت، اهمیت نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی</p>   |
|                                     | <p>اهمیت فراوان حیاط چه به لحاظ تناسبات فضایی و چه ارزش فضایی نسبت به فضاهای بسته خانه، مکانی ارزشمند برای تعامل افراد (خصوصاً زنان) و برقراری ارتباطات اجتماعی و برگزاری جشن‌ها</p> |
|                                     | <p>تکریم مهمان، اختصاص دادن بزرگترین اتاق خانه به فضای مهمان، عدم رعایت محرمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی</p>   |
|                                     | <p>در مواردی عدم وجود فضای آشپزخانه، استفاده از تنور و آتش‌دان جهت تهیه غذا، اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به حریم زنان و عدم حضور مردان در این فضاها</p>                              |
|                                     | <p>چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای غذاخوری و فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده (پهن کردن سفره و رخت خواب در اتاق)</p>  |
|                                     | <p>پایین بودن ارتفاع سقف، نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پشتی، مفروش بودن کامل اتاق‌ها، کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه</p>                         |
|                                     | <p>اولویت داشتن مهمان در کارکردهای درون خانه نسبت به سایر اعضای خانواده، تزئینات فراوان اتاق مهمان (فرش دستباف، رادیو و تلویزیون و ...) و سادگی و بی‌پیرایگی سایر اتاق‌ها</p>        |



تنور و آشپزخانه) ولی در کلیت فضاها، عرصه‌های عمومی و خصوصی (اتاق‌ها و اتاق مهمان) نه تنها تفکیک نشده‌اند، بلکه به دلیل ارتباط آن‌ها با یکدیگر، این مسئله رعایت نشده است و اکثر فضاها بعدی عمومی دارند.

۴- حیاط و آشپزخانه، به دلیل داشتن عملکردهای خاص و دسترسی آسان به سایر فضاها، بیشترین اتصال و کمترین کنترل را دارند. همچنین با توجه به اینکه مکان‌هایی برای تعاملات و برقراری روابط اجتماعی خصوصاً با همسایگان هستند، فضایی شاخص و مرکزی در خانه‌های این منطقه به شمار می‌آیند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Relative Asymmetry، وقتی تعداد زیادی از فضاها در یک عمق (عموماً عمق‌های پایین نسبت به ورودی اصلی) قرار داشته باشند، فضا هم‌پیوند محسوب می‌شود.

2. Alexander
3. Rapoport
4. Oliver
5. Hillier & Hanson
6. Schulz
7. Eco
8. Mercer

۹. Space Syntax یا روش چیدمان فضا، مجموعه‌ای از نظریه و روش‌هایی است که به تحلیل و توضیح سازمان فضایی براساس پیکره‌بندی و ترسیم گراف، می‌پردازد که می‌توان با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای ترسیمی مختلف به تشریح روابط در یک سیستم فضایی در قالب این روش دست یافت (Kwon & Sailer, 2015).

۱۰. در هر محله و همسایگی، سنگ آسیابی در یکی از خانه‌ها که معمولاً حیاط بزرگی داشته، وجود داشته است و به صورت مشترک توسط زنان محله از آن استفاده می‌شد.

### 11. Agherdan/ Averg

۱۲. «دیواخان» همیشه مستطیل شکل است، دو انتها الیه «بالا و پائین» دارد؛ مدخل دیوان نزدیک انتها الیه «پائین» است، پای دیوارها، دورتادور، تشک است برای نشستن و مخدّه است برای تکیه دادن. (وان بروین سن ۱۳۷۸، ۱۱۱).

۱۳. در بعضی از خانه‌ها، اتاقکی ۲/۵\*۱/۵ متر وجود داشت که در گوشه‌ای از آن یک مخزن آب استوانه‌ای شکل (کوچکتر از بشکه) گذاشته شده بود، آب داخل آن را به وسیله‌ای گرم می‌کردند. از گوشه‌ای از کف این اتاقک مجرای آبرویی به شکل بسیار ابتدایی به بیرون هدایت شده بود. به این اتاقک و این محل «شورتکه» می‌گفتند. اگر برای کسی ضرورتی پیش می‌آمد که آبی روی خود بریزد، غسلی انجام دهد، از این محل استفاده می‌کرد. نوعی حمام بسیار ابتدایی بود که به هیچ وجه نمی‌شد نام حمام روی آن نهاد (صمدی ۱۳۸۵، ۴۶).

۱۴. اطلاعات و داده‌های مصاحبه‌ای حاصل مشاهدات حضوری محقق و پرسش از ساکنان خانه‌ها می‌باشند. پرسش و پاسخ به شکل شفاهی و مصاحبه باز، به انجام رسید. محور اصلی پرسش‌ها نیز در رابطه با ساختار خانواده، تعداد همسر، نقش زن، اعتقادات (به طور غیرمستقیم)، شیوه‌ی معیشت، نوع روابط اجتماعی، محل تعاملات و ملاقات افراد و نوع فضاهای خانه و کاربرد هر یک از آنها، نحوه‌ی سازماندهی و جایگیری فضاها و علت آنها، نوع مصالح، رنگ و فرم و مبلمان استفاده شده بوده است.

### 15. Intimite

این خانه‌ها، امکان ارتباط ساکنان با حیاط و طبیعت را فراهم می‌آورد، در واقع حیاط همانند قلب خانه عمل نموده و گروه فضاهای بسته، با حیاط مرتبط می‌باشند، همچنین بام به عنوان یک مکان تعریف‌شده، فضایی مستقل برای تحقق عملکردها و ارتباط با همسایگان بوده است (ساکنین خانه‌ها، در مورد استفاده از بام جهت تعامل با همسایگان اذعان نموده‌اند که امروزه به دلیل گسترش محله و عدم شناخت همسایگان این امر به تدریج منسوخ شده است). اتاق‌ها از درون به هم راه داشته و در اندازه و تناسب با یکدیگر، متفاوتند. در این خانه‌ها، فضاها انعطاف‌پذیر بوده و به گونه‌ای هستند که امکان ایجاد تنوع‌های عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد است. در خانه‌های سنتی، ساختار خانواده (از منظر تک همسری یا چند همسری، همچنین گسترش خانواده) به طور مستقیم بر ساختار فضایی و الگوی معماری خانه‌های این منطقه تأثیر گذار بوده است و بر اساس نتایج پژوهش، محرمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی این خانه‌ها، مسئله اصلی نیست و به دلیل کم‌رنگ بودن نقش محرمیت، سازماندهی عرصه‌های عمومی و خصوصی، به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع عملکرد و موقعیت استقرار خود فضاها است. در واقع می‌توان گفت، هماهنگی‌ای که در خانه‌های ساده و حیاط‌دار قدیمی منطقه مویکریان دیده می‌شود، در شیوه‌ی ارتباطات و روابط اجتماعی مردمان این منطقه خلاصه می‌گردد. خانه‌های قدیمی این منطقه، همانند پایگاه نسبتاً ثابتی هستند که چندین نسل در آن‌ها زندگی کرده و در موارد زیادی همچنان زندگی می‌کنند و استمرار چندین نسل در یک خانه، آن را به حافظه‌ی عینی و مادی تبار و خاندان متصل می‌سازد. بدیهی است که امروزه، تفاوت در شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌ها، با توسعه‌ی شهرنشینی و به واسطه حضور تکنولوژی و شرایط مدرنیته در مقایسه با گذشته بسیار مشهود است، همچنانکه توسعه و پیشرفت در تولید مصالح سازه‌ای، روش‌های ساخت، سیمای خانه‌ها و تکنیک اجرای ساختمان‌ها را در دستخوش تغییر نموده است.

در پاسخ به سؤال سوم در ارتباط با نحوه‌ی پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی این منطقه، با استناد به نمودارهای توجیهی، سازمان فضایی نمونه‌های انتخابی مورد بررسی قرار گرفت بر این مبنا می‌توان نتایج را چنین صورت‌بندی کرد:

۱- خانه‌های سنتی منطقه مویکریان به صورت حیاط‌دار بوده و به طور کلی فضاهای بسته در این خانه‌ها، به دلیل قرارگیری ورودی اصلی بر روی حیاط که فضایی بسیار عملکردی و با اهمیت در این خانه‌هاست و با توجه به اینکه محاسبه عمق فضاها از مبدأ (ورودی) سنجیده می‌شود دارای عمق کلی زیادی هستند.

۳- سازماندهی فضا در این خانه‌ها به گونه‌ایست که اکثر فضاها دارای عمق متوسط کم و به لحاظ فیزیکی در دسترس می‌باشند. بنابراین مسئله محرمیت در این خانه‌ها به واسطه فرهنگ خاص کردها، ساختار پیچیده‌ای دارد، به نحوی که در بعضی از فضاها تفکیک قلمرو زنان و مردان دیده می‌شود (مثلاً در فضای

۱۶. حمام در بعضی از خانه‌های قدیم وجود نداشته و در مواردی هم که بعداً به پلان این خانه‌ها اضافه شده است، به دلیل سهولت لوله کشی و استفاده از آبگرمکن و دسترسی به آب گرم، این فضا در گوشه‌ای از آشپزخانه ساخته شده است.

## فهرست منابع و مراجع

۱. استراوس، آنسلم و کریین، جولیت (۱۳۹۲)، **مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲. بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶)، **فرهنگ توسعه در ایران**، خط مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. پورجعفر، محمد رضا؛ رفیعیان، مجتبی و ارباب زادگان هاشمی، سید علیرضا. (۱۳۹۴)، «کندوکاوی در انگاره‌های فرهنگی قوم کرد جهت طراحی فضاهای شهری مطلوب»، **فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شماره ۱۵، سال هشتم، ۱۹۳-۱۸۱.
۴. تقوایی، مسعود و آکوچکیان، مهدی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر سیستم شهری استان آذربایجان غربی، طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵»، **پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری**، شماره ۱۰، سال پنجم، ۶۶-۴۵.
۵. حمه‌جانی یوسف؛ بایزیدی، قادر و سبحانی، جلیل (۱۳۹۶)، «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان‌تخت از منظر نشانه‌شناسی»، **باغ نظر**، شماره ۵۷، ۶۲-۴۵.
۶. حیدری، علی اکبر؛ پیوسته گر، یعقوب؛ کیانی، مریم. (۱۳۹۵)، «سنجش میزان راندمان عملکردی فضا در انواع سازمان فضایی بناهای درمانی با استفاده از تکنیک نحو فضا»، **نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**، شماره ۱۴۹، ۱۲-۱۶۲.
۷. خدادادی، محمد رضا؛ گرگانی، سید امیر حسین و کریمیان، اقبال. (۱۳۹۴)، **گونه‌شناسی مسکن روستایی استان کردستان**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۸. راپاپورت، آموس (۱۳۹۰)، **فرهنگ، معماری و طراحی**، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا، شلفین، تهران.
۹. راپاپورت، آموس (۱۳۹۲)، **انسان‌شناسی مسکن**، ترجمه خسرو افضلیان، مشهد: کتابکده کسری.
۱۰. راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲)، **معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیر کلامی**، ترجمه فرح حبیب، چاپ سوم، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۱. رضایی، مسعود و کهزادیان، وحید. (۱۳۹۵)، «جستاری بر عوامل شکل دهنده معماری بومی منازل روستایی مطالعه موردی: روستاهای کوهستانی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان»، **مطالعات هنر و علوم انسانی**، شماره ۱۰، سال دوم، ۶۴-۵۱.
۱۲. سالم، محمد دانا؛ حسن پور، فرامرز، دژدار، امید (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی کالبدی - ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی - تکاملی (مدرسه موراتوری)»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۶۵، ۴۸-۳۳.
۱۳. شخصی، شیماء؛ فلامکی، محمد منصور و جواهری پور، مهرداد. (۱۳۹۶)، «معماری مسکونی امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظر جامعه‌شناختی»، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، شماره ۹ (۲)، ۱۰۶-۸۵.
۱۴. صمدی، سید محمد (۱۳۸۵)، **مهاباد در گذر زمان**، مهاباد: رهرو مهاباد.
۱۵. کمالی پور، حسام؛ معاریان، غلامحسین؛ فیضی، محسن و موسویان، محمدفرید (۱۳۹۱)، «ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن

- بومی: مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی کرمان»، **فصلنامه مسکن و محیط روستا**، دوره ۳۱، شماره ۱۳۸، ۱۶-۳.
۱۶. کیانی، مهدخت؛ سلطان‌زاده، حسین و حیدری، علی اکبر (۱۳۹۸)، «سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین)»، **باغ نظر**، شماره ۱۶.
۱۷. گروتز، یورگ (۱۳۸۶)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه **جهانشاه پاکزاد و علیرضا همایون**، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۸. گلابی، بایزید؛ بایزیدی، قادر؛ طهماسبی، ارسلان و سبحانی، جلیل. (۱۳۹۷)، «کاوش عمیق معنای خانه بومی به روش پدیدارشناسی (مورد مطالعه: خانه روستایی منطقه موکریان ایران)»، **پژوهش‌های روستایی**، شماره ۴، ۶۶۱-۶۴۶.
۱۹. لنگ، جان (۱۳۸۱)، **آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. عزیزی، شادی؛ دلپذیر، علیرضا و مقدم، سارا (۱۳۹۱)، «انسان‌شناسی فرهنگی، وسیله‌ای برای بررسی عوامل شکل‌دهنده معماری»، **هویت شهر**، شماره ۱۲، سال ششم، ۷۰-۶۱.
۲۱. قرنجیک، عبدالمجید و بدری، سیدعلی (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان جعفرابای جنوبی شهرستان ترکمن»، **نشریه مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۶، سال سی و سوم، ۵۸-۴۳.
۲۲. مدنی پور، علی (۱۳۸۹)، **فضاهای عمومی و خصوصی شهر**، مترجم نوریان فرشاد، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۳. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۱)، «نحو فضای معماری»، **نشریه صفا**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ۸۳-۷۵.
۲۴. مظاهری، مجتبی؛ دژاژ، امید؛ موسوی، جلال (۱۳۹۷)، «تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره‌گیری از روش نحو فضا»، **هویت شهر**، شماره ۳۴، سال ۱۲، ۹۷-۱۰۸.
۲۵. مولانایی، صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا (۱۳۹۵)، «بازشناخت مولفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان»، **آرمان شهر**، شماره ۱۷، ۱۲۷-۱۱۵.
۲۶. نجار نجفی، الناز (۱۳۹۴)، **ساختن و ساخته‌شدن: بازنگری در مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری**، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. ویسی، صلاح‌الدین (۱۳۸۷)، «جستجوی معیارهایی برای تهیه الگوی مسکن روستایی استان کردستان (میدان مطالعه: شهرستان‌های دیواندره - بیجار)»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۴، ۳۹-۲۶.
۲۸. هاشم‌نژاد، هاشم؛ مولانایی، صلاح‌الدین (۱۳۸۷)، «معماری بانگامی به آسمان، سکونتگاه‌های روستایی - ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه کردستان)»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۳۶، ۲۶-۱۷.
۲۹. یزدانفر، عباس، حسینی، باقر و زرودی، مصطفی (۱۳۹۲)، «فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان - تنکابن و رامسر»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۴، سال سی و دوم، ۳۲-۱۷.

30. Adeokun, C. (2013). The Orowa House: A Typology Of Traditional Yoruba Architecture In Ileife, Nigeria. Waber 2013 Conference, Accra, Ghana: 1131-1146
31. Alexander, C. (1964). Notes on a Synthesis of form. Cambridge: MA, Harvard University press.

51. Soaita, A. M., & Dewilde, C. (2019). A Critical-Realist View Of Housing Quality within The Post Communist EU States: Progressing Towards A Middle-Range Explanation. *Housing, Theory and Society*, Volume 36(1): 44-75.
52. Summers, A, (2015), Cultural cognitive differences in the spatial design of three-dimensional game environments, *Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium*. London. p 126.1-126.11
53. Yu, R., & Ostwald, M. (2018). Spatio-visual experience of movement through the Yuyuan Garden: A computational analysis based on isovists and visibility graphs. *Frontiers of Architectural Research*, -7(4), 497-509. doi: 10.1016/j.foar.2018.08.0
54. Werner, C.M, Altman, I. & Oxley, D. (1986). Temporal aspects of homes: A transactional perspective In *Home Environments*. New York and London: Plenum press.
55. Allwood, J. (1990). On the Role of Cultural Content and Cultural Context. In *Language Instruction*. Gothenburg Papers in Theoretical Linguistics, 5(17), Germany: University of Göteborg.
56. Bella, T.(2013), Gender and Zones of Users in Traditional Berber M'zab Houses. *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 3 No. 19;
57. Clarissa, A & Lorenzo, M. (2016). Filipino culture of filling up space in a gated community. *Social and Behavioral Sciences*, Volume 216: 545 – 551.
58. Eriksen, T. H. (2001). *Small Places, Large Issues: An Introduction to Social Anthropology*. London: Pluto Press.
59. Fladd, S. (2017). Social syntax: An approach to spatial modification through the reworking of space syntax for archaeological applications. *Journal of Anthropological Archaeology*, 47, 127-138. doi: 10.1016/j.jaa.2017.05.002.
60. Hillier, B. (2007). *Space is the machine: A configurational theory of architecture*, Space syntax. London, UK.
61. Hollway, W. and Jefferson, T. (2002). *Doing Qualitative Research Differently*. London: Sage Publications.
62. Kwon. S. & Sailer, K. (2015). Seeing and being seen inside a museum and a department store, A comparison study in visibility and co-presence patterns. In *Proceedings of the 10th International Space syntax Symposium*, London.
63. Miller, B. D. (2004). *Cultural Anthropology*, Second Edition. New York: Allyn & Bacon.
64. Mustafa, F. (2010). Using space syntax analysis in detecting privacy: a comparative study of traditional and modern house layouts in Erbil city, Iraq. *Asian Social Science*, 6(8). doi: 10.5539/ass.v6n8p157.
65. Oliver, P. (1975). *shelter sign and symbol*. London: Barrie & Redcliff.
66. Nilufar, F., & Eshika, P. (2015). Searching the genotypes Architectural morphology of urban houses in the ancient city of Panam. Paper presented at the SSS10 *Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium*, London.
67. Omar, E., Endut, E., & Saruwono, M. (2012). Before and After: Comparative Analysis of Modified Terrace House. *Procedia - Social And Behavioral Sciences*, 36, 158-165. doi: 10.1016/j.sbspro.2012.03.018.
68. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture* (Foundations of Cultural Geography Series). Englewood Cliffs: Prentice Hal.
69. Rapoport, A. (1982). *Housing and identity: cross-culture perspectives*. New York: Holmes and Meier.
70. Rapoport, A. (1998). *Using Culture in Housing Design*. University of Wisconsin. USA: Milwaukee.
71. Rapoport, A. (2000). *Theory, Culture and Housing*. *Housing, Theory and Society*. Volume 17(4): 145-165.
72. Rapoport, A. (2005). *Culture architecture and design*. Locke science publishing company, Inc.
73. Ruonavaara, H. (2018). *Theory Of Housing, From Housing, About Housing*. *Housing, Theory and Society*, Volume 35(2): 178-192.



## بازخوانی سازمان فضایی محله در شهر ایرانی از منظر فرهنگ وقف مطالعه موردی: محله علی‌قلی‌آقا، شهر اصفهان

مینا کشانی همدانی<sup>۱</sup>، حسن سجاذزاده<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول)

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵)

### چکیده

فرهنگ وقف در حوزه شهرسازی از دیرباز وجود داشته و در ابعاد گوناگونی همچون کالبدی، عملکردی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است. شناسایی سازوکار تأثیر فرهنگ وقف در عناصر سازنده شهرهای ایرانی-اسلامی به‌ویژه با رویکردی تاریخی، به روشن‌تر شدن این مفهوم کمک خواهد کرد. شهر اصفهان با محلات تاریخی منحصر به فرد، به عنوان یکی از شهرهایی که در دوران صفویه و متأثر از فرهنگ وقف رشد و توسعه یافته است، بستر مناسبی برای پژوهش‌های تاریخی با نگاه نوآورانه را فراهم می‌آورد. از این رو از میان محلات شهر اصفهان، با توجه به وجود وقف‌نامه‌ای مستند، محله علی‌قلی‌آقا به منظور بستر این پژوهش به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده و پژوهش با فرض تأثیرگذاری سنت وقف بر شکل محله علی‌قلی‌آقا، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که فرهنگ وقف چگونه بر ساختار و خلق فضاهای محله سنتی تأثیر گذاشته است؟. بر این اساس، هدف مقاله تحلیل ساخت‌شناسی فضایی و عناصر کالبدی محلات سنتی از منظر فرهنگ وقف و مبتنی بر رویکرد ساختارگرایی در مطالعات شهر اسلامی می‌باشد، تا بر این اساس بتوان در فرایند بازآفرینی محلات سنتی با اتکاء به یافته‌های تحقیق به سازمان فضایی پایداری دست یافت. به همین منظور، پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ضمن مرور ادبیات جایگاه وقف در تفکر اسلامی و تأثیر آن بر ساختار شهر اسلامی، در بخش تحلیلی با استفاده از گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای-اسنادی، مشاهدات میدانی، اسناد، نقشه‌های تاریخی و همچنین بررسی وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌های تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فرهنگ وقف، در ایجاد نطفه اولیه مرکز محله علی‌قلی‌آقا شهر اصفهان و ایجاد بناهای عمومی نظیر: مسجد، حسینیه، حمام و سایر ابنیه عام‌المنفعه در این محله، اثرگذار بوده است. همچنین به دلایل ابعاد اعتقادی و اجتماعی فرهنگ وقف، توسعه و ایجاد ابنیه محله علی‌قلی‌آقا، موجب ایجاد ساختار در هم تنیده در مرکز محله و ایجاد حساسیت و مشارکت مردم در حفظ و احیاء ابنیه سنتی در این محله شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ وقف، محله، شهر ایرانی-اسلامی، محله علی‌قلی‌آقا، اصفهان.



## مقدمه

پس از ورود اسلام به ایران، ساختار شهرها در ایران تحت تاثیر جهان بینی اسلامی قرار گرفت. در این بین، عصر صفوی به عنوان یکی از دوره های درخشان حکومت اسلامی در وجوه مختلف از جمله شهرسازی قابل ذکر است. از این رو شناخت عناصر سازنده شهرهای اسلامی در جغرافیای ایران، در یک دوره تاریخی مشخص همچون دوره صفویه، حائز اهمیت بوده و در این میان لزوم مطالعه "محلّه" به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده شهرهای اسلامی، ضروری است. مطالعاتی که تا امروز انجام شده، کمتر توجه پژوهشگران را به تأثیر وقف در پیدایش محلات معطوف داشته است (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۸). از این رو این پژوهش تصمیم دارد با نگاهی نوآورانه به بررسی این موضوع بپردازد. در واقع ساختار کالبدی محلات و حیات اجتماعی جاری در آن می تواند برآمده از الگوهای متفاوتی باشد که ریشه در نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و یا طبیعی دارد. یکی از مهمترین نیروهای تأثیرگذار بر شکل محلات در شهرهای اسلامی، برآمده از ابعاد مذهبی و اجتماعی حاکم بر یک جامعه است. از این رو شناخت تأثیر سنت های ساری و جاری در نگاه مذهبی حاکم بر یک جامعه، می تواند آثار کالبدی و اجتماعی برجای مانده از آن را هویدا نماید. یکی از این سنت ها، سنت "وقف" است. "آندره ریمون" معتقد است از نهادهای شاخص اسلامی یعنی وقف یک موضوع قابل توجه در شکل دادن به سازمان فضایی شهر است (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). از این رو مطالعه تأثیر این سنت بر ایجاد فضای کالبدی در ساختار شهرهای اسلامی حائز اهمیت است. اهمیت نهاد وقف در ایران تا بدانجاست که کمپفر معتقد است: «شناخت درست وضع دربار ایران بدون شناخت دقیق نهاد وقف مقدور نیست» (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۷). در این بین شهر اصفهان به عنوان نمونه ای بی بدیل از شهرهای اسلامی بر جای مانده از دوره صفویه، این سنت را به شکل پررنگی در ابعاد مختلف نظیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به کار گرفته است. در واقع «اقتصاد و سازمان فضایی شهرها از جمله اصفهان در حد مقدورات کمی و کیفی در پرتو فرهنگ اسلام از نهاد وقف سرچشمه می گیرد و نقش جهان بینی را در آرایش سازمان فضایی شهر روشن می سازد» (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۰). «پراکندگی جغرافیایی بناها و فضاهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار، حمام و غیره در جوار هم قرار دارند. مکان یابی این عناصر چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده ای را به فضاهای جغرافیایی می بخشد که توجه معماران و شهرسازان را به خود جلب نموده است» (شفقی، ۱۳۷۶ الف: ۳۳-۶۷).

«از میان محلات اصفهان ۳۱ محلّه به نام شخصیت های معروف نامگذاری شده است و اغلب آن ها اسامی واقفان را بر خود دارند؛ البته منظور وقف تمام محلّه نیست، بلکه تنها هسته های اصلی و

مرکز محلات، که مساجد، حمامها، بازارچه و گاهی حسینیه، کاروانسراها و سقاخانه و چاه آب تشکیل دهنده آن است و معمولاً اشخاص خیر و توانگر این بناها را می ساختند و آن ها را وقف می نمودند و از درآمد واحدهای اقتصادی چند حمام، بازارچه و کاروانسرا مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می کردند و حتی اسم خود را بر روی همین محلات می گذاشتند» (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۸ و ۶۹). محلّه علی قلی آقا یکی از محلاتی است که هنوز با نام واقف آن در تقسیمات شهری اصفهان شناخته می شود؛ این محلّه به عنوان یکی از محلاتی که همچنان ساختار مرکز محلّه اولیه خود را از زمان شکل گیری آن تاکنون حفظ کرده است و با توجه به سند وقف نامه بر جای مانده از آن، مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر وقف در نحوه شکل دهی ساختارهای فضایی تشکیل دهنده محلّه علی قلی آقا در شهر اصفهان می باشد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیرات کالبدی سنت وقف در نحوه شکل دهی سازمان فضایی محلّه است. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که «فرهنگ وقف چگونه بر ساختار و شکل گیری محلّه سنتی ایرانی علی قلی آقا تأثیر گذاشته است؟».

## روش تحقیق

نتایج به دست آمده در تحقیق فراتحلیلی که در حوزه وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی انجام شده حاکی از آن است که تحقیقات صورت گرفته در حوزه وقف، بیشتر به صورت کیفی و از طریق تحلیل های مبتنی بر اسناد صورت گرفته اند؛ به طور کلی مطالعات وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی در کشورمان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از مطالعات تأثیر وقف بر توسعه و شکل یابی فیزیکی شهرهای ایرانی - اسلامی و تأثیر وقف بر مؤلفه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهر ایرانی - اسلامی (ابدالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۶). در پژوهش پیش رو، رویکرد نخست مد نظر است و با رویکرد تاریخی و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته که با استفاده از گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای - اسنادی و مشاهدات میدانی انجام شده است. به این منظور عمده ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله پژوهش های پیشین، اسناد و نقشه های تاریخی و وقف نامه موجود، مورد بررسی قرار گرفته و با تطبیق داده های استخراج شده با شرایط وضع موجود بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه با نخبگان و مطلعین، این مهم به انجام رسیده است.

## مبانی نظری

## شهر اسلامی

با گسترش دین اسلام در سرزمین های مختلف و ارزش های برآمده از جهان بینی آن، تغییراتی در ساختار اجتماعی و کالبدی سکونتگاه های تحت حاکمیت آن ایجاد گردید و پس از این دوران واژه شهر اسلامی در مطالعه این جوامع به کار گرفته

شده است. «واژه شهر اسلامی به طور عام به شهرهای واقع در قلمرو حاکمیت قوانین، مقررات، ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی در پهنه‌های وسیعی از جهان با مرکزیت خاورمیانه و شمال آفریقا اطلاق می‌شود» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). با این حال برخی محققان، شهر اسلامی را فاقد هویتی مستقل می‌دانند؛ در این بین مومنی معتقد است که باید شهرهای کشورهای اسلامی را شهرهای دوران بعد از اسلام و یا شهرهای سرزمین‌های اسلامی نامید (همان).

محله‌ها به عنوان یکی از عناصر مشخص در شهرهای اسلامی حائز اهمیت هستند. «محله در شهرهای ایران دوره اسلامی را می‌توان با برزن شهرهای ایران باستان مقایسه کرد. چنان‌که واژه فارسی برزن در فرهنگ‌های لغت و اشعار شاعر پارسی‌گو نیز معادل واژه عربی "محله" آورده شده است» (بحری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۰۳). «محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی است که عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، اقتصادی و فضایی در شکل‌گیری آن تأثیر داشته است. محلات به عنوان یکی از ویژگی‌های شهرهای اسلامی به شمار می‌رود که عناصری همچون وجود بازار محلی، مسجد، حمام، مدرسه و آب‌انبار به عنوان فضاهای اصلی محله به شمار می‌رود» (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). «در یک تعریف کلی که از محله آمده است، محله مسکونی، کوچکترین ناحیه برای برنامه‌ریزی است که در آن ساکنان به صورت مشترک از تسهیلات عمومی و نهادهای اجتماعی استفاده می‌کنند» (غلامی و الیاسی، ۱۳۹۳: ۲). مرکز محله در محلات سنتی شکل تک‌هسته‌ای داشته و عناصر عمومی مرکز محله شامل کارکردهایی مانند مدرسه، تکیه، سقاخانه، زورخانه، قهوه‌خانه، آب‌انبار، حمام و دکان‌ها و بناهای عمومی بوده است که در این بین مسجد به عنوان عنصر اصلی به شمار می‌رود (غروی الخوانساری، ۱۳۹۳: ۶۸).

### کاربست رویکرد ساختارگرایانه در تحلیل مفاهیم شهرسازی اسلامی

ساختار به عنوان صفات ساختاردهنده‌ای تعریف شده که با وجود آن‌ها، عملکردهای اجتماعی مشابه و قابل تشخیص در ابعاد متغیر زمان و مکان می‌توانند وجود داشته باشند و بنابراین، صورت نظام مندی به آن عملکردها می‌بخشند (گیدنز، ۱۹۷۷). ساختارها از طریق اطلاع‌رسانی به کنش‌گران و دیگر عوامل و استفاده آن‌ها از این قواعد و منابع، سبب ایجاد سیستم‌های اجتماعی می‌شوند (پیربابایی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹: ۲۰). به طور کلی، در خصوص نظر پژوهش‌گران حوزه شهرسازی اسلامی درباره وجودیت یا عدم موجودیت شهر اسلامی و کمیت و کیفیت آن از منظر سبک و رویکرد مطالعاتی و نوع نگاه به شهرهای اسلامی را می‌توان شامل رویکرد مورفولوژیک (فرم‌محور)، رویکرد ساختارگرایانه و رویکرد ساختارشکنا (نقادانه)، تقسیم‌بندی نمود. در رویکرد مورفولوژیک (فرم‌محور) صرفاً مطالعه شکل و کالبد شهر اسلامی و تحلیل توصیفی از نمود کالبدی شهری مد نظر است. در

رویکرد ساختارگرایانه، تحلیل فرایند ساخت و ساز شهر اسلامی و توجه به ساختارهای اجتماعی-فرهنگی شهرها بیش از پیش اهمیت می‌یابد؛ و در نهایت در رویکرد ساختارشکنا (نقادانه) نقد برخی پیش‌فرض‌های رویکردهای سابق در زمینه تبعیت از اندیشه وبری و حاکمیت روح غرب‌گرایی و استعماری بر آن‌ها، مورد توجه است (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۸). از موضوعات مهمی که پیروان این رویکرد به بررسی و مطالعه آن همت گماشتند، نهادهای شهری مسلمانان است که از آن جمله می‌توان به نهادهای دینی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی و آموزشی اشاره کرد که فرهنگ و وقف به عنوان یک نهاد اجتماعی نیز در زمره این موضوعات قرار می‌گیرد. این رویکرد به مطالعه و دسته‌بندی ساختار متنوع شهرهای اسلامی، بر اساس عوامل مختلف جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی، می‌پردازد. از جمله محققان و مستشرقینی که با رویکردی ساختارگرایانه به تحلیل مفاهیم و نهادهای اجتماعی در حوزه شهر اسلامی پرداختند می‌توان به لاپیدوس، براون، ویرث، اهلرز و نگلیا اشاره کرد. لاپیدوس معتقد است که نهاد محله در شهرهای اسلامی، رکن رکن نهادهای اجتماعی را شکل داده و نهاد محله با ویژگی‌های همگن به لحاظ اجتماعی، شغلی، مذهبی، قومی و قبیله‌ای همواره به عنوان یک نهاد تاب‌آور و باسابقه در طول تاریخ شهرسازی اسلامی موجودیت و تثبیت شده است (Lapidus, 1973). بر این اساس نظام و ساختار شهرهای اسلامی بر اساس نظامی اجتماعی استوار است تا نظامی هندسی و کالبدی. به این ترتیب مطالعه شهر اسلامی بایستی با در نظر گرفتن جریان روزمره زندگی و روابط و نهادهای اجتماعی حاکم بر آن تحلیل و ارزیابی گردد.

### وقف و ساختار فضایی شهرهای اسلامی

بر اساس لغتنامه دهخدا (جلد ۱۵) تعریف وقف عبارتست از: نگهداشتن و حبس کردن عین ملکی و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا. وقف به معنای نگهداشتن دائمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن برای امور خیریه است و از پیامبر اکرم (ص) به عنوان اولین واقف در اسلام یاد شده (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۹-۴۸). «در تعریف دیگری که بر اساس ماده ۵۵ قانون مدنی ارائه شده است، وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶). «جمع واژه وقف، اوقاف است. به مال و زمین وقف شده، موقوفه گفته می‌شود» (صادقی گلدر، ۱۳۸۵: ۱۱).

با توجه به اهمیت استفاده و استناد به متن وقف‌نامه علی‌قلی آقا در پژوهش پیش‌رو، تعریف وقف‌نامه در ادامه آمده است: «سندی است که حکایت از وقفیت دارد و در آن نام ملک یا املاک موقوفه، نام واقف، نام محل، خصوصیات رقبات، چگونگی مصارف آنها، نام متولی و ترتیب تعیین متولیان بعد از متولی اول بیان می‌گردد» (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲). «در نتیجه می‌توان به وقف‌نامه‌ها به عنوان منبع ارزشمندی در زمینه معماری و شهرسازی نگریست که حاوی مطالب قابل توجهی می‌باشد، به

طوری که گاه با توجه به این اطلاعات می‌شود طرح شماتیک برخی شهرها و یا مناطقی از یک شهر مانند بازار آن را ترسیم نمود» (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۶).

«از شواهد و قرائن تاریخی چنین پیداست که وقف از پیشینه‌ی عظیم تاریخی برخوردار است و هزاران سال قبل از اسلام نیز قدمت و سابقه دارد. در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی سنت وقف وجود داشته است. موقوفات خصوصی و بنیادهای وقفی کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکای شمالی، از ابزارهای رشد، توسعه و تحول فرهنگی جوامع این کشورهاست. یکی از کشورهای بانی وقف، کشور آلمان فدرال است. حقوقدانان مسلمان معتقدند که اولین وقف، ساخت خانه کعبه در مکه بوده است» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴ و ۳۵).

با مطالعه سنت وقف در ایران نیز طبق مطالعات صورت گرفته از عصر صفویه به عنوان دورانی که توجه به امور موقوفات به طور چشم‌گیری در آن افزایش یافته و خاندان صفوی را برچمدار وقف معرفی می‌نمایند، یاد می‌شود. شکل دیگری از وقف در دوره پهلوی به وجود می‌آید که شامل تشکیل نهادها و بنیادهای خیریه است (همان).

فرهنگ وقف به کارکردهای متفاوتی می‌انجامد. اهلرز (۱۳۷۴) معتقد است، نهاد وقف یا موقوفات از سه جنبه اهمیت دارد که در نهایت بر رشد و توسعه جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرف اسلامی و شهرهای آن اثرگذار خواهد بود. سه جنبه مذکور عبارتند از: ۱- اهمیت تکوینی و مکانی؛ ۲- اهمیت اجتماعی - اقتصادی؛ ۳- اهمیت سیاسی (اهلرز، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

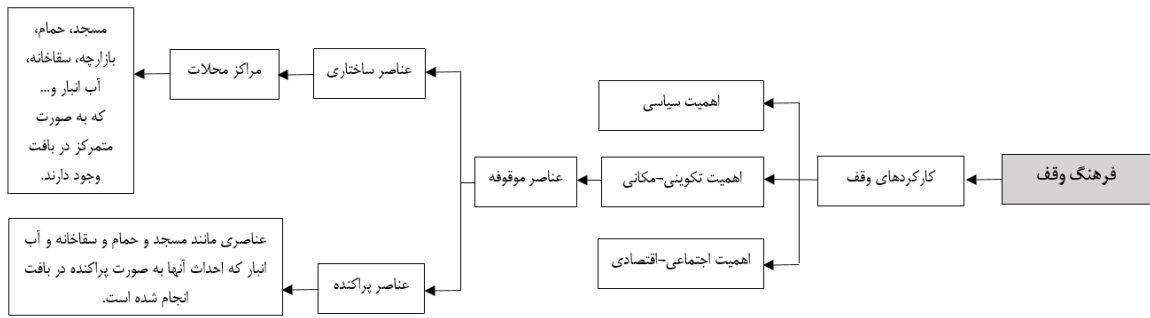
از جمله مهمترین افرادی که در اشاعه فرهنگ وقف و کارکردهای برآمده از آن موثر بوده‌اند، حاکمان و افراد با نفوذ بوده‌اند به گونه‌ای که شاهان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واقفان زمان خود شناخته می‌شدند. به طور کلی کارکرد این نهاد شامل رفاه اجتماعی که حتی توسعه شهری را نیز به دنبال داشته است؛ به گونه‌ای که مواردی همچون کمک به اشاعه آیین تشیع، دیوان وقف (اوقاف)، مدارس (غالباً بر پایه آیین وقف بوده)، همچنین ساخت آب‌انبارها، سنگاب‌ها و سقاخانه‌ها، دارالشفاهای، یتیمخانه‌ها و دارالمجانین‌های وقفی و یا بناهایی که درآمد آن‌ها صرف امور مورد نظر واقف می‌شد؛ مانند حمامها، کاروان‌سراها، دکان‌ها و تیمچه‌ها، که هر یک در جای خود در رونق بخشیدن به شهرها و روستاها و حتی راه‌های کشور به ویژه راه‌های زیارتی تأثیر بسیار گذاشتند و کاربرد آن در امور عام‌المنفعه نیز مشهود است، همگی مصداق‌هایی از کارکرد وقف می‌باشند و از نمونه‌های فاخر بر جای مانده در این خصوص می‌توان به مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان اشاره کرد (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۱-۵۰). همچنین ربیع رشیدی، نظامیه‌ها و به طور کلی ایجاد تاسیسات و خدمات عمومی نیز نمونه‌های دیگری از کارکرد وقف در ساختار شهر و شهرنشینی بوده است

(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹). به عبارتی وقف علاوه بر این که از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از «نظر کالبدی در تشکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت بسیاری داشته است. به طوری که شهرها را نه تنها از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسجام می‌بخشید، بلکه از نظر کالبدی نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محله‌های مختلف شهر به وجود می‌آورد. اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه که در ساختار شهرهای سنتی ایران تقریباً بسیاری از آن‌ها از طریق وقف شکل گرفته‌اند را حذف کنیم، چیزی که باقی می‌ماند مجموعه‌ای از مساکن، مراکز تجاری و در کل فضاهای خصوصی هستند که از نظر مدنی به صورت پراکنده، گسسته و بی‌ربط خواهند بود» (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که طبق نظر الکیسی، یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام را وقف شکل می‌دهد. وقف طبق موازین دینی می‌تواند منجر به تقسیم ثروت و تعدیل آن در جامعه گردیده که در کنار شکل‌گیری توازن اجتماعی و همکاری و مشارکت در جامعه، تشکیل‌دهنده زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد بود (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۶). وقف در فرایند ایجاد کالبد شهرها در سطح کلان و خرد دارای اهمیت بوده است؛ به عنوان مثال از شکل‌گیری و تولید عناصر جزئی در محیط شهری مانند سقاخانه تا ایجاد مراکز بزرگ مقیاس همچون مساجد و مراکز تجاری را دربرمی‌گیرد که علاوه بر ویژگی‌های کالبدی با توجه به ابعاد عملکردی خود نقش مهمی در ساختار فضایی شهر داشته‌اند (همان: ۳۹).

«با توجه به تقسیم‌بندی دکتر سیروس شفق‌ی موقوفات شهر اصفهان به دو دسته قابل تقسیم‌بندی است که عبارتند از: الف) موقوفاتی که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند، بلکه کمکی است به انسان‌های محروم جامعه و ب) موقوفاتی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارد؛ مانند: ایجاد بناهایی هم چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مساکن انسانی، خوابگاه‌های عمومی، تکایا، قسمتی از بازارهای شهر، غرس اشجار و سقاخانه‌ها و غیره» (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۶ و ۱۴۷). به طور کلی این عناصر موقوفه را از نظر تشکل می‌توان به دو گروه کلی متشکل (مجموعه‌ی ساختاری) و غیرمتشکل (عناصر پراکنده) طبقه‌بندی کرد که این موضوع ارتباط نزدیکی با توزیع فضایی و پراکنش عناصر موقوفه دارد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). یکی از نمونه‌های مهم در ایجاد عناصر بزرگ مقیاس در ساختار شهر، میدان گنجعلی‌خان کرمان (در ایران) است که شبیه به میدان اصلی پایتخت بوده و وقف درآمد آن یا بخشی از درآمد آن بر آستانه امام رضا(ع)، اقدامی است که از سوی گنجعلی‌خان صورت گرفته و از سوی هیچ یک از پادشاهان عباسی انجام نشده

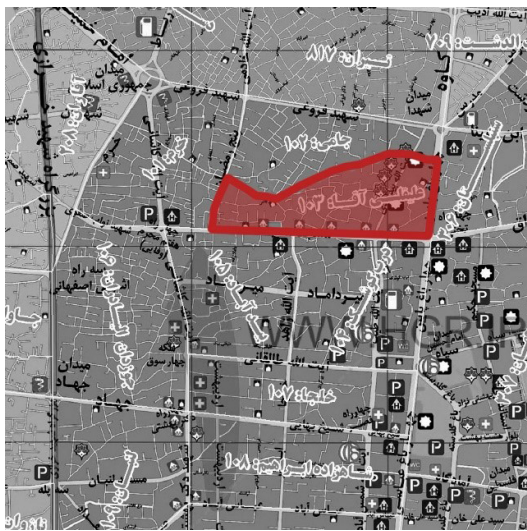




تصویر شماره ۱: دیاگرام چارچوب مفهومی پژوهش

### نمونه موردی: محله علی قلی آقا

شهر اصفهان به عنوان اصلی ترین پایتخت های حکومت صفویان به شمار می رود. از میان بیش از ۲۷۳ اثر باستانی ثبت شده در این شهر، قسمت اعظم آن را موقوفات به خود اختصاص می دهند. یکی از مصداق های روشن به کارگیری سنت وقف در شهر اصفهان بازار اصلی شهر است که دارای تراکم موقوفات بیشتری بوده و اغلب آن ها را مراکز مذهبی تشکیل می دهد که این موقوفات در شکل پذیری و توسعه شهر اصفهان بسیار مؤثر بوده اند.



نقشه شماره ۱: موقعیت محله علی قلی آقا در شهر اصفهان

است (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۳). همچنین از نمونه های بارز تاثیر وقف در سطح کلان می توان به پراکنش و تراکم مکان های وقفی در بازار تهران و اطراف آن در دوره قاجاریه اشاره کرد که به دلیل اهمیت و نقش بازار در اقتصاد شهر تهران بوده است در حالی که این تراکم جانمایی مکان های وقفی در دوره قاجاریه، در دوره پهلوی متفاوت بوده و در کل شهر پخش شده است این امر به دلیل ورود طراحی خیابان ها و کاهش نقش بازارها بوده است (عسگری و بغدادی، ۱۳۹۴: ۳۸). همچنین از دیگر نمونه های تاثیر وقف بر کالبد شهرها می توان به ایجاد منابع آبی وقف قنات و آب انبار اشاره کرد؛ به عنوان نمونه، آب انبارهای تهران که در دو نوع خانگی و عمومی بنا می شدند از آن جمله اند که آب انبارهای عمومی، در دو دسته شخصی و وقفی وجود داشتند که آب انبارهای وقفی بصورت تک بنا یا همراه مساجد، مدارس، تکایا و... ساخته می شدند؛ معمولاً آب انبارهای وقفی، هر یک موقوفاتی نیز داشتند. این وقف بیشتر توسط طبقه پردرآمد انجام شده و بنابراین باعث مشارکت مردمی می شده اند (یوسفی فر، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۴). علاوه بر آنچه در بالا آمد، در سطحی کلان تر، طبق بررسی های انجام گرفته، اراضی وقفی در شهرهای اسلامی ایران منجر به توسعه افقی در شهرها شده است که از آن جمله می توان به شهر اصفهان اشاره کرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). همچنین وقف در تحركات جمعیتی و مهاجرت های خرد و کلان نیز تأثیر گذار بوده است؛ به گونه ای که شهیدی (۱۳۹۴) معتقد است در شکل گیری شهر مشهد پدیده مهاجرت، از کارکردهای وقف در این شهر بوده که با توجه به افزایش حضور زائران در این شهر در دوره صفویه و لزوم احداث کاروانسرا به وجود آمده است (شهیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۶ و ۱۱۲).

به طور کلی می توان گفت وقف در ایجاد وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر، تاثیر بسزایی داشته است؛ در واقع وقف بازتابی کالبدی دارد که همچون ظرفی برای مظلوف آن که همان عملکردهای وقفی می باشند، هستند. عملکردهایی که نقش مهمی در حیات اجتماعی و مدنی جامعه داشته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸).

به طور کلی با توجه به آنچه در بخش ادبیات نظری موضوع مورد مطالعه قرار گرفت، می توان دیاگرام شماره ۱ را به عنوان جمع بندی چارچوب مفهومی پژوهش ارائه نمود.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گسترش و توسعه شهر اصفهان در دوران تاریخی ارتباط تنگاتنگی با موقوفات اصفهان داشته است (شفقی، ۱۳۷۶: ۴۷-۵۸ ب). «در واقع پیدایش شهر به دست بانیان خیر، از نظر جغرافیای شهری اهمیت خاصی دارد. از ۱۵۷ محله اصفهان<sup>۱</sup>، ۳۱ محله به نام شخصیت‌های معروف نامگذاری شده است و اغلب آن‌ها اسامی واقفان را بر خود دارند. البته منظور وقف تمام محله نیست، بلکه وقف هسته‌های اصلی و مرکزی محلات؛ مثلاً مساجد، حمامها، بازارچه‌ها، حسینیه‌ها و مانند آن است. معمولاً اشخاص خیر و توانگر با ساختن بناها و وقف آنها، از درآمد واحدهای اقتصادی چون حمام، بازارچه و کاروان‌سرا، مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می‌کردند. پراکندگی جغرافیایی موقوفات و رقبات<sup>۲</sup> آن‌ها در شهر اصفهان با بافت‌های قدیمی و فرسوده شهر منطبق است» (باقری، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

محله علی‌قلی آقا طبق تقسیم‌بندی فعلی محلات شهر اصفهان، یکی از محلات رسمی شهر اصفهان واقع در منطقه یک است که از شمال به خیابان جامی، از شرق به خیابان چهارباغ پایین، از جنوب به خیابان مسجد سید و از غرب به خیابان پنج‌مرضان محدود می‌شود (نقشه شماره ۱).

شفقی (۱۳۸۱) در بخشی از کتاب جغرافیای اصفهان که به توسعه محلات اصفهان در عصر صفویه اشاره کرده است از این محله به عنوان یکی از محلات جدید که در راستای توسعه محلات شهر بوده، نام برده شده است؛ بنابراین این محله به ویژه با تکیه بر ایجاد عناصر عام‌المنفعه وقفی آن، نه تنها مانعی برای توسعه شهر نبوده، بلکه به این توسعه کمک کرده است. طبق اطلاعات موجود در اسناد و کتب تاریخی، یکی از محلات دوره صفویه به نام چهارسوق علی‌قلی آقا معروف است؛ مجموعه بناهایی شامل: مسجد، سقاخانه‌ها، حمام، بازارچه و کاروانسرا به دست یکی از رجال اواخر دوره صفویه (به نام علی‌قلی آقا) پدید آمده است و بازارچه این محله با ۴۰ باب دکان<sup>۳</sup>، در حقیقت مرکز خرید ساکنان آن را تشکیل می‌دهد و مجموعه حاج علی‌قلی آقا موقوفه بوده و در آمد حاصل از اجاره مغازه‌های بازارچه، حمام و کاروانسرا برای حفظ و تعمیر و اداره مسجد هزینه می‌شود (شفقی، ۱۳۸۱، ۴۰۳). در واقع، در دوره صفویه محلات جدیدی به شهر افزوده شد که به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول محلاتی بوده که در مکان‌های جدیدی ایجاد شده بودند، دسته دوم محلاتی است که در مکان محلات قدیمی است ولی نام جدیدی پیدا کرده بودند که محله علی‌قلی آقا از جمله این موارد می‌باشد و دسته سوم محلاتی است که قبل از دوران صفویه بیرون حصار شهر قرار داشتند و در آن دوران به دنبال رشد و توسعه شهر، جزئی از آن به حساب می‌آمدند (جناب، ۱۳۹۳: ۲۵)؛ که مطابق این توضیحات، این محله بر زمین کاملاً بایر و به صورت یکباره ایجاد نشده، بلکه همانطور که در ادامه خواهد آمد، بخشی از محله بزرگ‌تری به نام بیدآباد بوده است و در نهایت در قالب

محله‌ای مجزا، شکل گرفته است. به منظور یافتن داده‌های مورد نیاز در گام اول، بررسی‌هایی در خصوص وجود وقف‌نامه‌های تاریخی یا معاصر در محدوده محله علی‌قلی آقا انجام شد که در نهایت وقف‌نامه‌ای به نام «وقف‌نامه علی‌قلی آقا» که متن آن در کتاب اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم (۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۹۷) منتشر شده، به عنوان یکی از مراجع اصلی تحقیق حاضر، مورد استفاده و با تأکید بر مولفه‌های کالبدی در مرکز محله مورد مطالعه و با مقیاس محلی، مورد بازخوانی قرار گرفت. طبق اطلاعات موجود در سند منتشر شده مذکور از متن وقف‌نامه علی‌قلی آقا، این سند طی سه دوره در سال‌های ۱۱۱۷، ۱۱۲۵ و ۱۱۳۲ هجری قمری توسط واقف آن، علی‌قلی آقا تنظیم شده و هر بار بخش‌هایی به آن اضافه شده است. در این سند اطلاعات کاملی به تفکیک توصیف موقوفه، رقبات، تولیت و متصدی و ناظر، مصارف وقف و سجلات آمده است که با توجه به چارچوب نظری پژوهش، اطلاعات مرتبط با ساختار کالبدی تشکیل‌دهنده عناصر وقف در آن، استخراج شده است. همچنین با توجه به اسناد موجود در چارچوب نقشه‌های سیر تاریخی شهر اصفهان، تغییرات محله در سال‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، نتایج به دست آمده با برداشت میدانی از محدوده و مصاحبه با برخی نخبگان و نیز پیشکسوتان محلی، مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

از میان رویکردهای مورد اشاره در تحلیل مطالعات شهر اسلامی، در تحقیق پیش‌رو، رویکرد ساختارگرایانه، رویکرد غالب در تحلیل‌های مورد اشاره می‌باشد. زیرا با توجه به بررسی تغییرات کالبدی ساختار محله علی‌قلی آقا مبتنی بر فرهنگ وقف به عنوان یک ساخت اجتماعی تأثیرگذار بر آن، لایه‌های تحلیل قابل ارائه خواهد بود. ابتدا با بررسی اسنادی متن سند وقف‌نامه می‌توان تغییرات کالبدی ساختار مرکز این محله را تجزیه تحلیل نمود. نکته حائز اهمیت در متن این وقف‌نامه معرفی حمام علی‌قلی آقا در محله‌ای به نام شیخ ابومسعود می‌باشد که حاکی از آن است که تا زمان تنظیم این وقف‌نامه محله‌ای به نام علی‌قلی آقا وجود نداشته و احتمالاً در ادامه با ایجاد مستحقات علی‌قلی آقا در چارچوب فرهنگ وقف، زمینه شکل‌گیری چنین محله‌ای ایجاد شده است. طبق متن این وقف‌نامه آنچه به عنوان موارد وقف ذکر شده، وقف مسجد-مدرسه علی‌قلی آقا بوده (مهمترین موارد وقف در ادامه آمده که در محله واقع شده‌اند مانند حمام‌های بزرگ و کوچک علی‌قلی آقا و بازارچه مجاور آن) و سقاخانه مجاور و مسجد نیز وقف عام است. موارد وقف مسجد-مدرسه علی‌قلی آقا در وقف‌نامه ۱۱۲۵ و ۱۱۲۷ هجری قمری مطابق جدول شماره (۱) آورده شده است.

سرانجام در سند وقف‌نامه سال ۱۱۳۲ هجری قمری یعنی دو سال پیش از حمله افغان‌ها، کلیه آنچه قبلاً توضیح آن آمد توسط فردی به نام میرمحمد ابراهیم<sup>۴</sup> مجدداً وقف شده است. از

جدول شماره ۱: موارد وقف مسجد مدرسه علی قلی آقا در محدوده محله علی قلی آقا<sup>۱</sup>

| عنوان        | موارد وقف مطابق سند وقف نامه ۱۱۲۵  | موارد وقف مطابق سند وقف نامه ۱۱۲۷   |
|--------------|--|---|
| عناصر کالبدی | <p>- دو حمام متصل به هم</p> <p>- ۴ دکان جنب مسجد و حتی درب‌های آن‌ها</p> <p>- پاتیل‌ها و رخامها<sup>۶</sup></p> <p>- بخش‌های چوب‌پوش و تخته‌پوش و طاق آجری نمخانه<sup>۸</sup> و حصار ته چشمه</p>                   | <p>- استخر حمام علی قلی آقا</p> <p>- بازارگاه رفیع روبه‌روی مسجد-مدرسه که عبارتست از:</p> <p>* قهوه‌خانه</p> <p>* کارخانه رنگ‌رزی</p> <p>* کارخانه شربافی</p> <p>* ۳۰ باب دکان</p> <p>* ۸ باب حجره فوقانی بالای دکان‌ها</p> <p>* چهارسوق و سقاخانه موجود در آن</p> <p>که کلیه موارد فوق، به موارد وقف به سند وقف نامه ۱۱۲۵ اضافه شده است.</p> |
| سایر مصارف   | <p>امورات مربوط به هزینه‌های تولیت، ناظر و متصدی وقف؛ علاوه بر این‌ها مواردی همچون پاکسازی شهرها، تعمیرات مسجد-مدرسه، روضه‌خوانی و... نیز به عنوان مصارف این وقف آمده است که در خارج از چارچوب پژوهش حاضر است.</p> | ---   |

متن این وقف‌نامه چنین برمی‌آید که شخص علی قلی آقا در این سال، به تازگی فوت شده است (اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۹۷).

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به آسیب‌های برجای مانده از حمله افغان‌ها به عناصر کالبدی شهرها و به ویژه در اصفهان، احتمالاً مجموعه مرکز محله علی قلی آقا هم از این آسیب‌ها مصون نبوده است، اما خوشبختانه، این آثار تا به امروز و با انجام مرمت‌های مختلف، بر جای مانده است.<sup>۵</sup> در میان مواردی که در جدول به عنوان موارد وقف مسجد-مدرسه علی قلی آقا آمده است، وجود عناصری همچون خود مسجد-مدرسه، حمام، بازارچه، سقاخانه و چهارسوق با توجه به تعاریف ارائه شده در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده مرکز محله، به چشم می‌خورد که با توجه به جانمایی این عناصر به صورت متمرکز و در جوار یکدیگر در یک بخش از محله، ساختار مشخصی از مرکز محله را به وجود آورده است که نطفه ایجاد آن با فرهنگ رایج وقف در دوره صفویه شکل گرفته است.



نقشه شماره ۲: موقعیت محله علی قلی آقا در محله بندی تاریخی شهر اصفهان پس از احداث خیابان مسجد سید و جدایی محله بیدآبادی (محله علی قلی آقا با رنگ قرمز مشخص شده است)؛ مأخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۴۱۹

علاوه بر آنچه در بالا آمد که نشانگر تأثیر وقف بر شکل‌گیری اولیه مرکز محله علی قلی آقا بوده، توجه به این موضوع است که ایجاد این عناصر چگونه در تقویت ساختار مرکز محله نیز موثر بوده‌اند؟ با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این خصوص طبسی (۱۳۸۱) اظهار می‌دارد از اواخر دوره صفوی به بعد تا به امروز، بناهایی در مرکز محله علی قلی آقا ساخته شده‌اند که تاریخچه دقیقی از آن‌ها در منابع مکتوب موجود نیست (طبسی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). اما در مجموع اینه ذیل را به عنوان عناصری که بعدها به مرکز محله اولیه اضافه شده نام می‌برد:

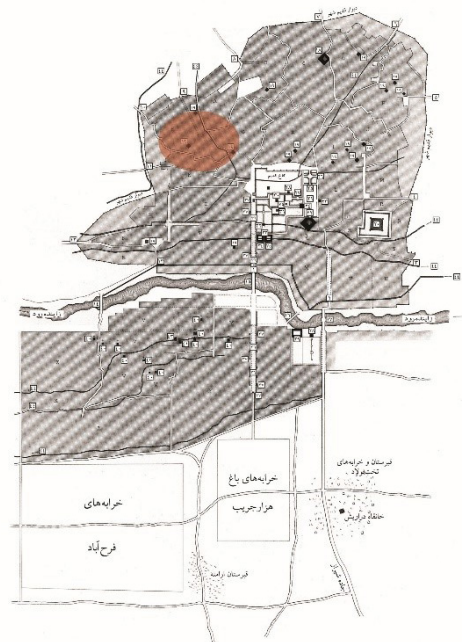
- مکتب‌خانه (ظاهراً در دوره قاجار ساخته شده و فعالیت داشته و در دوره پهلوی اول همچنان فعال بوده، تا سرانجام با حذف تدریجی مکتب‌خانه‌ها از نظام آموزشی کشور، بنای آن هم تغییر کاربری یافته است- البته در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد) (همان: ۱۱۸).

- زورخانه مرشد<sup>۹</sup> (در حال حاضر وجود خارجی ندارد).  
 - سرا یا کاروانسرای مرشد (که به ابعاد ۲۲ در ۴۰ متر بوده است و طبسی اظهار می‌دارد با توجه به اینکه هیچ نامی از این کاروانسرا در حاشیه وقف‌نامه وجود ندارد، این بنا متعلق به دوره صفویه نیست (همان: ۱۱۸)- البته در حال حاضر کاروانسرا تخریب شده است).

- سقاخانه کوچک (با توجه به قوس نیمدایره بالای سر آن، نشان از دوره قاجار این اثر دارد) (همان: ۱۱۸).

همچنین در سندی که سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان در سال ۱۳۷۸ در محدوده مرکز محله علی قلی آقا تنظیم کرده است، علاوه بر عناصر فوق‌الذکر به وجود یک تیمچه نیز در همجواری بازارچه اشاره شده است.





نقشه شماره ۳: موقعیت حدودی محله علی قلی آقا در نقشه پاسکال کوست (سال ۱۲۱۸ هجری شمسی)؛ ماخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۳۸۸ در راهنمای این نقشه محدوده F که تا حد زیادی با محدوده محله علی قلی آقا فعلی منطبق است به صورت ذیل تعریف شده است: محله بیدآباد با ۳۵۰ منزل مسکونی مسلمان نشین



نقشه شماره ۵: موقعیت عناصر تاریخی مرکز محله - همانطور که گفته شد از میان عناصر نشان داده شده در نقشه، در حال حاضر، تیمچه، کاروانسرا، مکتب خانه و زورخانه از بین رفته اند؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷- بر اساس اطلاعات موجود طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی قلی آقا - ۱۳۷۸



نقشه شماره ۶: عناصر تاریخی باقی مانده فعلی پیرامون هسته اولیه مرکز محله تاریخی علی قلی آقا

علاوه بر آنچه در بالا آمد با بررسی نقشه‌های تاریخی همچون نقشه پاسکال کوست (۱۲۱۸ هـ ش) و نقشه سید رضا خان (۱۳۰۲ هـ. ش) موقعیت عناصر اولیه وقتی در مرکز محله، مشخص است. در نقشه پاسکال کوست، وجود محله‌ای به نام بیدآبادی در محدوده فعلی علی قلی آقا، مشخص شده است. این نقشه نشان‌گر این امر است که تا به این تاریخ محله علی قلی آقا به صورت مشخص وجود نداشته است. در نقشه سید رضا خان نیز عناصر مرکز محله به وضوح وجود دارد.



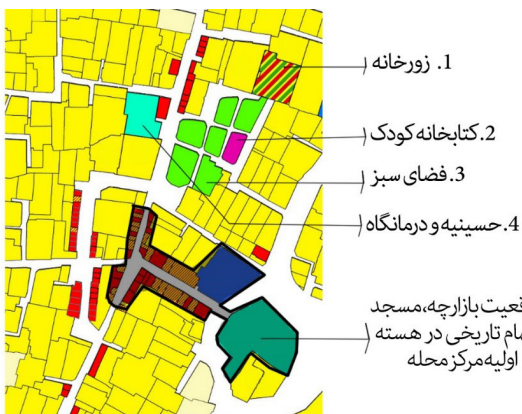
نقشه شماره ۴: موقعیت چهارسوق و بازارچه علی قلی آقا در نقشه سید رضاخان - اصفهان - ۱۳۰۲؛ ماخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۴۱۶

همان‌طور که در نقشه‌های شماره ۵ و ۶ مشخص است، سیر تغییرات عناصر تاریخی موجود در مرکز محله علی قلی آقا ارائه شده که در دهه‌های اخیر و با توجه به تغییرات کالبدی به ویژه در ۲۰ سال اخیر، بخشی از عناصر تاریخی این مرکز محله از بین رفته است. از طرفی، سایر عناصر الحاقی به مرکز محله از جمله پارک محلی، زورخانه جدیدالاحداث (به عنوان فضای جایگزین زورخانه قبلی) و نیز کتابخانه کودک، در مجاورت هسته اولیه مرکز محله جانمایی و احداث شده است. اما متأسفانه تیمچه و کاروانسرا به کلی از بین رفته و عنصر قابل توجهی نیز جایگزین آن نشده است.



مقایسه تصاویر هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۹۱ شهر اصفهان، مشهود می‌باشد. البته در این بین احداث زورخانه‌ای نوساز در مجاورت هسته مرکز محله و کتابخانه‌ای که در نزدیکی بازارچه احداث شده است، نشان از تاثیر ساختار وقفی اولیه (یعنی مسجد و حمام و بازارچه و...) دارد که حتی تا به امروز، افزودن هر عنصر دیگری را به عنوان خدمات مرکز محلی در دوران معاصر در ادامه ساختار خود جذب می‌نماید؛ اگرچه متأسفانه جانمایی و احداث این عناصر از پیوستگی فضایی و کالبدی قوی با ساختار اولیه تبعیت نمی‌کند اما در مجموع مرکز محله ایجاد شده پیرامون مسجد-مدرسه علی قلی آقا در کلیه نقشه‌های ادوار مختلف، ثابت بوده و تغییری نکرده است.

یکی از مهمترین نکاتی که از مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید، در خصوص امتداد فرهنگ وقف در زندگی معاصر مردم محله است. از مهمترین نمونه‌های آن می‌توان به مصاحبه با آقای خوشانی از معروف‌ترین چهره‌های منبرسازی و نجاری شهر اصفهان اشاره کرد که مغازه وی، در نزدیکی بازارچه و زیر حسینیه و درمانگاه واقع شده است. طبق مصاحبه صورت گرفته و با تایید سایر اهالی، حسینیه و درمانگاه مجاور مغازه ایشان - که در نقشه شماره ۷- آمده است، پس از احداث در سال ۱۳۵۹ توسط ایشان وقف شده است. در واقع در امتداد سنت وقف که منجر به ایجاد اولین هسته خدمات مرکز محله در محله علی قلی آقا (مسجد-مدرسه علی قلی آقا) و سپس وقف سایر خدمات در مرکز محله گردید، در دوران معاصر نیز این سنت در محله حفظ شده و با احداث حسینیه و درمانگاه و زورخانه جدید در قالب سنت وقف از سوی اهالی محل و یا مدیریت شهری، سعی در حفظ ساختار کالبدی مرکز محله شده است. از طرفی شکل‌گیری سایر عناصر مورد نیاز محله در همجواری عناصر مورد اشاره که بر اساس فرهنگ وقف ساخته شده‌اند، بیش از هر چیز به تقویت یک مرکز محله منسجم در محله علی قلی آقا حتی بعد از گذشت چندصدسال کمک کرده است.



نقشه شماره ۷: موقعیت عناصر الحاقی جدید به مرکز محله اولیه شامل:

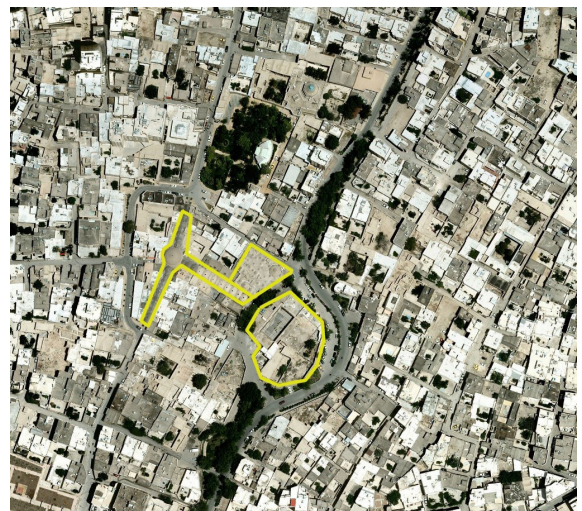
- ۱- زورخانه جدید
- ۲- فضای سبز
- ۳- حسینیه و درمانگاه
- ۴- کتابخانه کودک

۵- بازارچه و حمام و مسجد تاریخی (هسته اولیه مرکز محله)  
 مأخذ: طرح پژوهشی بازتعریف نقش محله تاریخی علی قلی آقا و بافت پیرامون مسجد سید در راستای رونق گردشگری با تاکید بر رویکرد شهر خلاق (۱۳۹۳)

بنابراین با توجه به مجموع آنچه تا بدین جا درباره آن بحث شد، مشخص می‌گردد که در گام نخست، سنت وقف پایه‌گذار شکل‌گیری مرکز محله علی قلی آقا بوده است که بخشی از عناصر اصلی مرکز محله را در برداشته و خدمات محله را تامین می‌کرده است. در واقع با احداث مسجد-مدرسه علی قلی آقا به عنوان اولین موقوفه این محله، به تدریج سایر عناصر وقفی نیز در محله شکل گرفته‌اند که حمام، بازارچه و سقاخانه‌ها، کاروانسرا و زورخانه از جمله عناصر وقفی است که در همجواری هسته اولیه موقوفات محل (یعنی مسجد-مدرسه علی قلی آقا) شکل گرفته و با توجه به انسجام فضایی این عناصر با یکدیگر به عنوان یک مجموعه مرکز محله قوی در مقیاس محله، خدمات آن را تامین می‌کرده است.



تصویر شماره ۱: موقعیت عناصر مرکز محله در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ اصفهان؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور



تصویر ۲: موقعیت عناصر مرکز محله در عکس هوایی سال ۱۳۹۱ اصفهان؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه با توجه به باز دیدهای میدانی صورت گرفته در حال حاضر، مکتب‌خانه، کاروانسرا و زورخانه‌ای که بعداً به مجموعه وقفی اول الحاق شدند، تخریب شده‌اند که این امر نشان از تأثیر وقف در پایداری برخی عناصر شهری در طول زمان دارد (همچنین طبق تصاویر هوایی شماره ۱ و ۲، در حال حاضر اثری از تیمچه بازارچه که با خط چین و هاشور خاکستری مشخص شده است و کاروانسرا که با خط و هاشور قهوه‌ای نشان داده شده، نیست) که با

جدول شماره ۲: تغییرات عناصر کالبدی مرکز محله علی قلی آقا طی ادوار مختلف بر اساس عناصر وقفی اولیه

| عناصر اولیه مرکز محله تا سال ۱۱۲۲ هجری قمری مطابق سند وقف‌نامه | عناصر اولیه و عناصر الحاقی مرکز محله تا پیش از انقلاب اسلامی | عناصر اولیه باقی مانده در مرکز محله و سایر عناصر الحاقی در حال حاضر (۱۳۹۷) |
|--|--|--|
| مسجد-مدرسه علی قلی آقا   | مسجد-مدرسه علی قلی آقا                                       | مسجد-مدرسه علی قلی آقا   |
| مغازه‌های مجاور مسجد   | مغازه‌های مجاور مسجد   | مغازه‌های مجاور مسجد   |
| سقاخانه مجاور مسجد   | سقاخانه مجاور مسجد   | سقاخانه مجاور مسجد   |
| بازارچه علی قلی آقا  | بازارچه علی قلی آقا  | بازارچه علی قلی آقا  |
| چهارسوق علی قلی آقا  | چهارسوق علی قلی آقا  | چهارسوق علی قلی آقا  |
| سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا                              | سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا                            | سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا  |
| -  | تیمچه مجاور بازارچه  | -  |
| -  | کاروانسرای مجاور بازارچه                                     | -  |
| -  | سقاخانه کوچک زیر بازارچه                                     | سقاخانه کوچک زیر بازارچه   |
| -  | زورخانه قدیم (صفویه)   | -  |
| -  | مکتب‌خانه  | -  |
| -  | فضای سبز/پارک محله (پس از انقلاب)                            | فضای سبز/پارک محله (پس از انقلاب)  |
| -  | حسینیه و درمانگاه (۱۳۵۹)                                     | حسینیه و درمانگاه (۱۳۵۹)   |
| -  | -  | کتابخانه کودک (پس از انقلاب اسلامی)  |
| -  | -  | زورخانه جدید مجاور پارک (۱۳۸۵)   |

و جانمایی متمرکز برخوردار بوده و به صورت پراکنده نیست، این همیونندی مکانی در ایجاد مفهوم مرکز محله و مرکز ثقل محله تاثیر بسزایی داشته است؛ یعنی به عبارتی تراکم و ارتباط دوسویه فضایی بین عناصر وقفی موجود در آنچه از وقف‌نامه استخراج و بدان اشاره شد، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم مرکز محله علی قلی آقا بوده است. از طرفی اهمیت این مرکز محله و تمرکز فضایی موجود در آن بر پایه ابنیه عمومی وقفی، به قدری زیاد بوده که علی‌رغم شکاف و گسست بافت محله بزرگ‌تری به نام "بیدآباد"، با خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول (یعنی احداث خیابان مسجد سید)، وجود این مرکز محله در شمال این خیابان جدیدالاحداث، موجبات تعریف و وحدت فضایی در قالب محله مجزایی را برای برنامه‌ریزان شهری فراهم آورده است؛ اگرچه یادآوری این نکته ضروری است که فراتر از تعریف فیزیکی مرکز محله مبتنی بر عنوان "محله علی قلی آقا"، با توجه به اقدام خیر این مجموعه یعنی شخص علی قلی آقا - به عنوان یکی از رجال

همچنین طبق اطلاعات به دست آمده در مصاحبه با یکی از اعضای گروه تحقیق در خصوص "تاریخ شفاهی محله"، که در مسجد فعالیت دارند، در سایر بخش‌های محله به صورت پراکنده شاهد وجود مساجد کوچکی هستیم که به صورت وقف است. نمونه‌هایی از این دست نشان‌دهنده تسری فرهنگ وقف در توسعه کالبدی و عملکردی محله به شمار می‌رود.

علاوه بر آنچه در بالا بدان اشاره شد، نظر به محتوای متن وقف‌نامه، در ابتدا در این بخش از شهر محله‌ای به نام شیخ ابومسعود وجود داشته (اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم، ۱۳۸۸: ۱۸۲)، بعدها در اسناد دیگر (همچون نقشه پاسکال کوست، ۱۲۱۸ ه.ش) از محله‌ای به نام بیدآبادی نام برده شده است که با توجه به بازارچه بیدآبادی و مسجد سید مرکزیت می‌یافته است، اما با خیابان‌بندی‌های رایج در دوران پهلوی اول و با احداث خیابان مسجد سید، عملاً محله بیدآباد به دو بخش شمالی و جنوبی در دو سوی خیابان تفکیک شد. با توجه به ساختار موجود مرکز محله علی قلی آقا، رفته رفته این محله به نام علی قلی آقا معروف شد و در زمان‌های متاخر با تعیین حدود و مرزهای آن به محله‌ای شناخته شده تبدیل گردید. خوشبختانه این مرکز محله تا به حال حفظ شده و علی‌رغم اینکه بخشی از کارکردهای موجود در آن تا حدودی از رونق افتاده است، ولی به لحاظ ساختار فضایی، همچنان شاکله خود را حفظ کرده است که این پایداری کالبدی را مدیون ریشه اولیه احداث این مجموعه در قالب سنت وقف می‌باشد.

همچنین در طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی قلی آقا (۱۳۷۸) به صورت مشخص اشاره شده است که محله علی قلی آقا قبلاً جزئی از محله بزرگ بیدآباد بوده که تا اواخر دوره صفویه به عنوان بخشی از محله شیخ ابومسعود شناخته می‌شد. در نهایت به طور کلی می‌توان گفت، اجزای تشکیل‌دهنده مرکز محله علی قلی آقا در ادوار مختلف تغییراتی داشته‌اند که در جدول شماره (۲) آمده است اما هسته اصلی این عناصر که در چارچوب فرهنگ وقف شکل یافته‌اند، تغییری نکرده است.

### نتیجه‌گیری

با تاکید بر رویکرد ساختارگرایی در بررسی و تحلیل این پژوهش، می‌توان گفت وقف به عنوان یک سنت اجتماعی در مقیاس محلی توانسته تاثیر بسزایی در بستر کالبدی محله و پایداری آن داشته باشد و در امتداد تاریخ تا به امروز، به عنوان سنت اجتماعی اثرگذار، بقای خود را در مقیاس محله مورد مطالعه، حفظ کرده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت، فرهنگ وقف در ایجاد نطفه اولیه مرکز محله علی قلی آقا تاثیرگذار بوده است. از طرفی با احداث عناصر کالبدی که چارچوب وقف‌نامه به آن‌ها اشاره شده، توسعه عناصر مرکز محله در ادوار دیگر، پیرامون هسته اولیه ایجاد شده و رفته رفته موجب تقویت کالبدی و عملکردی این مرکز محله شده است. در واقع عناصر وقفی موجود در این محله از پراکنش

دولتی - از ابتدا با نامگذاری مجموعه به نام واقف آن، خود را در اذهان ثبت کرده است.

علاوه بر آنچه در بالا آمد، مرور نقشه‌های تاریخی نشان داد که وقف، در حفظ و پایداری عناصر اصلی مرکز محله نقش مهمی ایفا می‌نماید. زیرا به بسیاری از ابنیه وقفی مورد اشاره در مرکز محله به دلیل وقفی بودن در طی دوره‌های مختلف همچنان در مرکز محل حفظ شده و حتی مشوقی برای احداث سایر ابنیه وقفی در مجاورت آن‌ها و در دوره‌های متاخر بوده‌اند.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت، فرهنگ وقف در شکل‌گیری مرکز محله و در نهایت تعریف مشخص یک محله همچون محله علی‌قلی آقا در شهرهای ایرانی - اسلامی تأثیرگذار بوده و ساختار فضایی مشخصی را به این گونه محلات داده است که مهمترین آن ایجاد یک مرکز محله متمرکز و تامین خدمات محلی ساکنین محله است. به گونه‌ای که این امر به تقویت مفهوم محله کمک کرده است. همچنین می‌توان گفت فرهنگ وقف در توسعه ساختار مرکز محله، نقش درازمدتی داشته و در حفظ و پایداری عناصر آن در دوره‌های زمانی مختلف، سهم عمده‌ای دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در حال حاضر تعداد محلات اصفهان ۱۹۸ محله می‌باشد.
۲. رقبات یعنی هر قسمت واحدی از املاک و مستغلات وقف که به نام «رقبه» خوانده می‌شود و جمع آن رقبات می‌گویند (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۳).
۳. آمار تعداد دکان‌های بازارچه، متعلق به سال ۱۳۸۱ می‌باشد.
۴. منظور از وقف مجدد این است که پس از فوت واقف اولیه، افرادی که به عنوان متولی موقوفه منتصب شده‌اند، با توجه به تغییرات موجود در شرایط آنها، مواردی را در وقف منظور می‌کنند.
۵. لازم به توضیح است، منبع مشخصی در این خصوص که به خسارات وارده به بناهای وقفی مرکز محله علی‌قلی آقا که ناشی از حمله افغان‌ها به آن‌ها باشد، اشاره کرده باشد، یافت نگردید.
۶. با توجه به اطلاعات موجود در سند وقف‌نامه، بخشی از موارد وقف در موقعیتی خارج از محدوده واقع شده‌اند به عنوان مثال یک روستا. اما با توجه به آنکه در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌باشد، از ذکر آن‌ها خودداری شده است.
۷. رخام به معنی سنگ است.
۸. شاید مراد از نمخانه، همان «غسالخانه» باشد.
۹. طبق کتیبه‌ای که اکنون بر دیوار زورخانه جدید الاحداث نصب شده است، قدمت زورخانه تخریب شده را متعلق به دوره صفویه معرفی کرده است.

## فهرست منابع و مراجع

۱. ابدالی، یعقوب، احمد پوراحمد و اسحاق خندان. (۱۳۹۷) «فراتحلیلی بر پژوهش‌های وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی». **مجله جغرافیا و روابط انسانی**. دوره اول، شماره اول، ۱۸۶-۱۹۷.
۲. احمدی، نزهت (۱۳۹۱). «نهاد وقف در دوره صفوی». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**. سال چهارم، شماره ۱۵، ۴۱-۵۶.
۳. احمدی، نزهت. (۱۳۹۰). **درباب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)**. انتشارات: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

۴. احمدی، نزهت. (۱۳۹۳). «تأثیر موقوفات گنجعلی خان بر کالبد شهری کرمان با تکیه بر اسناد و قفنامه‌های گنجعلی خان». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**، سال هفتم، شماره ۲۳، ۳۱-۵۵.
۵. اهلرزی، اکارت. (۱۳۷۴). «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی». ترجمه مصطفی مومنی و محمدحسن ضیا توانا. **مجله میراث جاویدان**، سال سوم، شماره دوم، ۵۰-۵۳.
۶. باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۶). **شهرهای قلمرو و فرهنگ اسلامی**. انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷. بحری مقدم، عباس. (۱۳۹۲). «عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی-اسلامی و کارکردهای آن». **نشریه تاریخ و تمدن اسلامی**، سال نهم، شماره ۱۷، ۱۰۱-۱۱۶.
۸. بمانیان، محدرضا، پیرام بقایی و آرین امیرخانی. (۱۳۸۷). «رهیافتی بر نقش موقوفات در ساماندهی فضاهای شهری (با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان)». **نشریه مدیریت شهری**، شماره ۲۱، ۵۹-۷۱.
۹. پوراحمد، احمد، ایوب منوچهری میانداوب، حسین رفیعی مهر و عارف آقاصفری. (۱۳۹۲). «بررسی نقش وقف در توسعه و ساماندهی فضایی شهرها (مطالعه موردی: شهر لالچین)». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره دوازدهم، ۵-۱۴.
۱۰. پیربابایی، محمدتقی و رحیم ایرانشاهی. (۱۳۹۹) «واکاوی نقش فرهنگ وقف در تکوین ارسن‌های شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی»، **نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، سال پنجم، شماره دوم، ۱۷-۳۶.
۱۱. جناب، میرسید علی. (۱۳۹۳). **احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان**. انتشارات: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
۱۲. حسینی اشکوری، سید صادق. (۱۳۸۸). **کتاب اسناد وقف اصفهان؛ دفتر هفتم**. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان. انتشارات: مجمع ذخایر اسلامی، قم.
۱۳. دانش، جابر. (۱۳۸۹) «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهراسلامی». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره اول، ۱۵-۳۱.
۱۴. سجادیان، ناهید، صفیه دامن‌باغ، فاطمه رزمگیر و بلقیس رستگاران. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر ساخت کالبدی شهرهای ایران». **سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**؛ واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۵. شفق، سیروس. (۱۳۸۱). **جغرافیای اصفهان**. انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ دوم، ویرایش اول.
۱۶. شفق، سیروس. (الف) (۱۳۷۶). «وقف در اصفهان». **نشریه میراث جاویدان**، شماره ۲۰، ۳۳.
۱۷. شفق، سیروس. (ب) (۱۳۷۶). «وقف در اصفهان، پراکنگی جغرافیای موقوفات و آثار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن در اصفهان». **نشریه میراث جاویدان**، شماره ۱۹ و ۲۰، ۴۷-۵۸.
۱۸. شهبابی، محدرضا (۱۳۸۳)، «مبانی و چارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۷۲، ۱۳۵-۱۵۰.
۱۹. شهرداری اصفهان، سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان (۱۳۷۸). **طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی‌قلی آقا**.
۲۰. شهرووری، نسرين و شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۶)، «بررسی کارکردهای پنهان آب انبارهای وقفی در تهران دوره قاجار». **پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، ۵۵-.



۲۱. شهیدی، حمیده (۱۳۹۴)، «نقش وقف در توسعه آبی و شکل‌گیری فضاهای شهری مشهد در دوره صفویه»، **مطالعات تاریخ اسلام**، سال هفتم، شماره ۲۵، ۹۵-۱۲۰.
۲۲. صادقی گلدر، احمد (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف**، انتشارات صائن، تهران.
۲۳. طبسی، محسن (۱۳۸۱)، «بازخوانی وقفنامه و بررسی کالبدی مرکز محله علی‌قلی‌آقا»، **نشریه صفه**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ۹۳-۱۲۱.
۲۴. عسگری، محسن و آرش بغدادی (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۲۰، ۳۷-۴۸.
۲۵. عمران‌زاده، بهزاد، کرامت‌الله زیاری، احمد پوراحمد و حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۱۶، ۷۱-۷۹.
۲۶. غروی‌الخوانساری، مریم (۱۳۹۶)، «از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیا هویت محلی در شهر امروز»، **نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر**، شماره ۲۱، ۶۱-۷۶.
۲۷. غلامی، حسین و ابراهیم الیاسی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر جایگاه محله در شهرسازی ایرانی-اسلامی»، **نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی**، مشهد، کمیسیون اول: همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خواتش هویت ایرانی-اسلامی در معماری و شهرسازی.
۲۸. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، سیداحمد صالحی، قهرمان رستمی. (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره اول، ۳۳-۴۳.
۲۹. لغتنامه دهخدا. (۱۳۷۷). انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۵.
۳۰. معاونت پژوهشی جهاددانشگاهی واحد اصفهان (۱۳۹۳)، «طرح پژوهشی بازتعریف نقش محله‌ی تاریخی علی‌قلی‌آقا و بافت پیرامون مسجد سید در راستای رونق گردشگری با تأکید بر رویکرد شهر خلاق، کارفرما: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان.
۳۱. میراحمدی، مریم. (۱۳۷۱) «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، مشهد، آستان قدس رضوی، شماره ۲۵، ۴۸-۲۹.
۳۲. سازمان نقشه‌برداری کشور (<https://www.ncc.gov.ir>).



## ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد\* مطالعه موردی: مسجد نصیرالملک - شیراز

محمد رضا ملکی<sup>۱</sup>، قادر بایزیدی<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول)، علی یونسی<sup>۳</sup>، فرزین چاره‌جو<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم اعصاب، دانشکده فناوری‌های نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار، گروه طراحی و برنامه‌ریزی شهری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۱)

### چکیده

طراحی مساجد در تاریخ معماری ایران، همواره نقطه به اوج رسیدن هنر و معماری اسلامی بوده است. معماری مساجد به دنبال الهام از مفاهیم کلام الهی است تا فضایی ایجاد نماید که عالم ملکوت و عالم ناسوت را قرین هم سازد و فضای معنوی واحدی را بیافریند. در این پژوهش به بررسی میزان تاثیرگذاری عوامل موثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مسجد نصیرالملک شیراز پرداخته شده است. در این راستا ابتدا پارامترهایی که در ادراک حس معنویت موثر هستند مشخص شد و سپس تعداد ۱۲۰ پرسشنامه از دانشجویان معماری و شهرسازی دانشگاه شیراز جمع‌آوری گردید که روایی و پایایی آن توسط آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. سپس با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) به تجزیه و تحلیل پرداخته تا رابطه بین پارامترها بر یکدیگر مشخص گردد. عوامل موثر بر ادراک حس معنویت، عوامل اجتماعی، عوامل حسی، عوامل کالبدی و عوامل محیطی می‌باشد که نتایج نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری در رتبه شاخص‌ها وجود دارد. در ادامه شاخص‌ها بر اساس میزان تاثیر بر ادراک معنویت از رتبه ۱ به معنای بیشترین تاثیر تا رتبه ۱۵ به معنای کمترین تاثیر مرتب شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین تاثیر بر ادراک معنویت مربوط به شاخص‌های کالبدی است.

واژگان کلیدی: معماری، حس معنویت، مسجد نصیرالملک، روش معادلات ساختاری.

## مقدمه

ایران کشوری با معماری طولانی و احیاکننده ارزش‌های گذشته است (Sarram et al, 2019). مساجد در تاریخ معماری ایران همیشه در اوج هنر و معماری اسلامی بوده‌اند. معماری مساجد به دنبال الهام گرفتن از مفاهیم کلام الهی است تا فضایی را ایجاد کند که از دنیای مادی به دنیای آسمانی بپیوندد و یک محیط معنوی واحد ایجاد کند (Sadeghi Habibabad et al, 2020). مساجد بخش مهمی از هر جامعه اسلامی است و در درجه اول مکانی است که ارتباطات معنوی و اجتماعی میان مسلمانان بیان و برقرار می‌شود و نقش اساسی در ترویج فرهنگ، تمدن، اسلامی، تربیت و... داشته و دارد (Morris et al, 2013). استدلال تنوریک اصلی این است که، در حالی که دین می‌تواند به عنوان یک پل عمل کند (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۰) و از این طریق بسیاری از پیوندهای ضعیف را در یک کالبد ایجاد کند، معنویت می‌تواند این روابط را عمیق‌تر کرده که از طریق طراحی کالبد مناسب، بکارگیری رنگ‌ها و طیف‌های گوناگون، فضایی آرام این ادراک حسی را بوجود آورد (Kurt et al, 2016). بررسی مؤلفه‌های محیطی در یک اثر معماری، به ویژه مساجد اسلامی، مستلزم درک دقیق این مفهوم و عوامل مؤثر آن است. در معماری مساجد گذشته، الگوهای خاص همیشه از یک روند مداوم پیروی کرده‌اند که باعث ایجاد رابطه‌ی منطقی با زمان قبل و بعد می‌شود، اما این استمرار و روند امروزه دیده نمی‌شود. در فرآیند ادراک محیط، بخش زیادی از شناخت و تماس با دنیای خارج به وسیله اندامهای حسی حاصل می‌شود (لطفی، ۱۳۹۴) و بخشی دیگر مربوط به ویژگی‌های فردی و اجتماعی شخص است. در این مقاله ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد پرداخته و سپس این عوامل در مسجد نصیرالملک بررسی و نهایتاً رتبه‌بندی شده است.

سوال اساسی پژوهش: عوامل مؤثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد چیست و اولویت‌بندی آن به چه صورت است؟

فرضیه پژوهش: میان عوامل مؤثر بر ادراک حس معنویت در فضای داخلی مساجد رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

در این پژوهش، رابطه‌ی بین متغیرها با استفاده از روش همبستگی و سپس از طریق معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران شامل ۱۲۰ نفر می‌باشد که از میان دانشجویان معماری و شهرسازی دانشگاه شیراز و به صورت «تصادفی ساده» انتخاب شده است. ابزار پژوهش پرسشنامه است و پیوند آن به صورت آنلاین در دسترس جامعه‌ی آماری قرار گرفت. از روش معادلات ساختاری ۱ در نرم‌افزار آماری SPSS و PLS برای آزمون مدل رگرسیون و تناسب استفاده شد. از آزمون همبستگی پیرسون نیز برای تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق استفاده شد.

## ادبیات و مبانی نظری پژوهش

مفهوم معنویت سرشار از معانی مختلف و پیچیده است؛ این کلمه به صورت پراکنده در زمینه‌های مختلفی چون دین، معماری، موسیقی، نقاشی، ادبیات و نجوم پراکنده شده است. دستیابی به معنویت با شناخت توانایی‌های نهادینه شده در وجود بشریت برجسته است. ایجاد فاصله معماری امروز مساجد از بعد معنوی، تامل و تحقیق زیادی دارد، زیرا در کلیه جوامع جهانی، این موضوع در زندگی روزمره انسان یک ارزش محسوب می‌شود و تا جایی پیش رفته است که علم پزشکی آن را عنوان می‌کند. (Sadeghi Habibabad et al, 2019). معنویت، مجموعه جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان یا محصولات فکری او بوده و نیز به معنای غیر مادی آورده می‌شود. «حالت یا کیفیت مرتبط بودن به جوهرهای معنوی» و نیز «دل بستگی به چیزهای معنوی». همچنین، معنویت یعنی، آن چه مربوط به روح است (basu et al, 2019). اصطلاح معنویت و مشتقات آن گرچه در متون اصلی اسلامی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اما در ادبیات مسلمانان چه در فارسی و چه در زبان عربی رواج دارد (MahdiNejad et al, 2019).

معماری مساجد به عنوان فضاهای عبادتگاهی، مهمترین نمود معماری اسلامی محسوب می‌شود که در پهنه گسترده سرزمین‌های اسامی از تنوع و گوناگونی خاصی از نظر نحوه طراحی و چگونگی برخورد با اقلیم خاص آن مناطق برخوردار است (حمزه‌نژاد و عربی، ۱۳۹۳، ۴۸). مساجد و مؤلفه‌های اساسی آن‌ها به افرادی منتهی می‌شوند که از فضای غیر معنوی به معنوی می‌روند و باید جنبه‌های بصری و معنوی را فراهم کنند. معماری مسجد از موضوع‌های حساس هنر معماری است؛ چرا که مکان تعامل نفس انسانی با مراتب عالیه عالم وجود است. معماری مسجد می‌تواند در جریان ارتباط نفس ذی وجود انسانی با مراتب عالیه وجود، دخیل و مؤثر بوده و تسهیل‌کننده ادراکات معنوی و عرفانی باشد (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۶). معماری هر ساختمان حول یک سیستم سلسله مراتبی کاربردی، مکانی، بصری و رسمی شکل می‌گیرد و در مورد موضوع خاص مساجد، این سیستم با توجه به اهمیت محور قبله به عنوان یک جهت‌گیری معنوی (Fattahi & Omrani Pour, 2014) بنا شده است. با بررسی سوابق پژوهشی موضوع حس معنویت در معماری مشاهده خواهیم نمود که اندیشمندانی چون نصر و بورکهارت به بیان مفاهیم و ریشه‌های پنهان احساسات روحانی و معنوی در کالبد معماری از طریق بازخوانی رمزپردازی و حکمت‌های متعالی نهفته در معماری ایرانی اسلامی به صورت کیفی پرداخته‌اند (نصر، ۱۳۸۱: ۸) (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۰) (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۷). در علم روان‌شناسی و پزشکی منابع و پژوهش‌هایی در باب معنویت انجام شده که اکثراً به روش آزمایشگاهی علوم اعصاب شناختی و تأثیر بعد معنوی بر بهبود بیماران دلالت دارد؛ در پژوهش دیگری (هومانی راد و طاهباز، ۱۳۹۲)، نقش نور روز

سبز، آبی، سفید رنگ‌های زرد، قرمز و سیاه اولویت‌های بعدی را در ایجاد فضای معنوی به خود اختصاص داده بودند. شلین (Sheline, 2019)، در مقاله‌ای، طراحی مساجد بر اساس ادراک را مورد بررسی قرار دادند که یافته‌ها دلالت بر درک استفاده از ساختارهای مذهبی نمادین به عنوان ابزاری برای بومی سازی دارد که غالباً به دلیل تمایل به پیوند ناسیونالیسم با دیدهای سکولار مدرنیته مورد غفلت واقع می‌شوند. در پژوهش علی نژادطیبری و همکاران (۱۳۹۵)، از میان ویژگی‌های کالبدی (تزیینات، نفوذپذیری و دسترسی) مولفه‌ی دسترسی به مکان بیشترین تاثیر را در ایجاد حس تعلق به مکان مسجد نصیرالملک داشته و تعاملات اجتماعی استفاده‌کنندگان و همچنین ویژگی‌های شناختی و ادراکی فرد همچون خاطره و عادت تاثیر بسزایی در استفاده و ایجاد حس تعلق به مسجد نصیرالملک داشته‌اند. صلاح‌الدین و همکاران (Salah El Din et al, 2020)، در مطالعه‌ای همچنین نشان می‌دهند که چگونه مواد، بافت، رنگ، سایه و نور تاثیر می‌گذارد. محصول معماری و روش‌های معماری در شکل‌گیری معماری و حس معنویت تاثیر داشته است. براساس بررسی تحقیقات فوق، معیارهای کالبدی سازه (رنگ، فرم، تزیینات و...) بر ایجاد حس معنویت تاثیر گذار است.

ب) مولفه‌های حس: مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود به بررسی راهبردی مولفه‌های حس (شنوایی، بویایی، لامسه، بینایی) و تاثیر آن بر درک حس معنویت در معماری داخلی مساجد پرداختند. نتایج حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که در مولفه‌های بینایی، بویایی و شنوایی بر درک حس معنویت تاثیر معناداری داشته است؛ همچنین در مولفه‌ی لامسه بر درک حس معنویت بر اساس تحلیل داده‌ها رابطه

در ایجاد فضای معنوی در مساجد معاصر بررسی شده است و نقش مؤلفه‌های ایجاد حس معنویت؛ در پژوهش‌های (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱: ۹۷)؛ و (معمارزاده طهران و صانعی، ۱۳۹۰: ۲) به چشم می‌خورد. همچنین در پژوهش صورت گرفته توسط مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، با عنوان «رتبه‌بندی شاخص‌های آرامش معنوی در معماری مساجد سنتی مبتنی بر ادراک حس معنویت، با بهره‌گیری از روش ویگور»، معماری مساجد یزد از لحاظ شاخص‌های معنوی بررسی می‌شود. در پژوهش دیگری از مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «تبیین راهبردی مولفه‌های حسی در معماری مساجد مبتنی بر درک حس معنویت» به مولفه‌های حسی همچون بینایی، بویایی، شنوایی و لامسه و میزان تاثیرگذاری آن بر ادراک حس معنویت پرداخته است. همچنین در پژوهش دیگری از مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل و اولویت‌بندی سلسله مراتبی (ANP) مولفه‌های موثر بر حس معنویت در فضای مساجد با تاکید بر مولفه نور» در مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان پرداخته است و میزان تاثیرگذاری رنگ‌ها در ایجاد حس معنویت را بررسی می‌کند. سبک‌روح و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به بررسی تعاریف معنویت و نقش نور و شکل‌گیری حس معنویت در فضای معماری پرداخته‌اند. ادراک تجربه حسی ما از دنیای پیرامونمان، مستلزم بازشناسی و شناخت محرک‌های محیطی و نیز اقدامات واکنشی به این محرک‌هاست. در این راستا به مولفه‌های تاثیرگذار در ادراک تجربه حسی اشاره خواهد شد.

الف) مولفه‌های ظاهری (کالبدی): صادقی حبیب‌آباد و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود و طبق آنالیز در نمونه‌ها، طیف رنگی فیروزه از نظر ایجاد حس آرامش در اولویت اول و به ترتیب

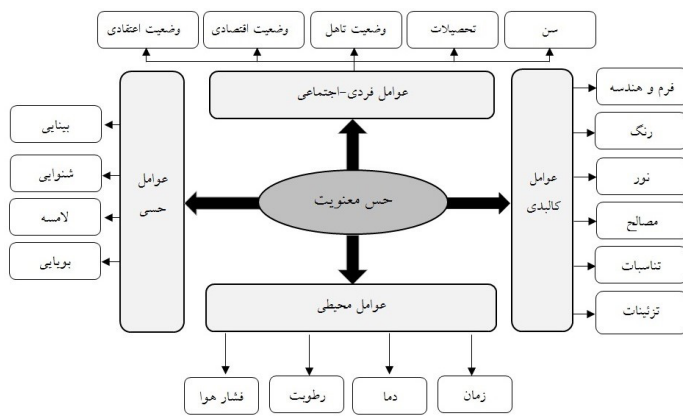
جدول شماره ۱: عوامل موثر بر حس معنویت

| ابعاد مولفه‌ها           | زیر شاخه‌های مشخص هر مولفه  | مراجع                       |
|--------------------------|---|-----------------------------|
| مولفه‌های حسی            | حس بویایی   | (Hashmi et al, 2018)        |
|                          | حس بینایی   | (مهدی نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۷) |
|                          | حس لامسه  | (shamgoli et al, 2011)      |
| مولفه‌های اجتماعی        | سن (تاثیر سن بر ایجاد حس معنویت)  | (Cuthbert et al, 2008)      |
|                          | تحصیلات (دیدگاه افراد تحصیل کرده یا نکرده...)   | (آقابابایی و همکاران، ۱۳۸۸) |
|                          | وضعیت تاهل  | (شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۳)   |
|                          | وضعیت اقتصادی (قشرهای متفاوت جامعه)   |                             |
| مولفه‌های ظاهری (کالبدی) | وضعیت اعتقادی (ابعاد مادی و اقتصادی افراد)  |                             |
|                          | فرم (مدرن، سبک تاریخی، گنبد و مناره ها...)  |                             |
|                          | هندسه سازه (منظم یا نامنظم بودن، اشکال هندسی در نما...)   | (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۳)   |
|                          | نقوش (تاریخی، باستانی، آیات و روایات، طرح‌های مذهبی...)   | (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰)     |
|                          | هنرهای ایرانی (منبت کاری درها، سنگ تراشی، قدمت بنا (مصالح، فرسودگی، نوسازی، بازسازی شده) تزیینات معماری (آینه‌کاری، نقاشی...) | (Cuthbert et al, 2008)      |



معناداری مشاهده نشده است. زبردستان و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای بررسی کردند بکارگیری ادراکات حسی در فرآیند طراحی معماری امریست که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (ج) مولفه‌های فردی اجتماعی: شاهرودی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای بررسی کردند جنسیت یکی از عوامل تعیین کننده در مطلوبیت شاخص‌های کالبدی مسجد از دیدگاه استفاده کنندگان آن است که در پی یافتن ارتباط معنادار بین جنسیت و معماری مساجد با هدف رضایت مندی تمامی گروه‌های استفاده کننده به خصوص زنان و بالا بردن احساس معنویت آنان در فضای مسجد با در نظر گرفتن نیازهای فیزیکی و روانی زنان در طراحی معماری مساجد است. بررسی تحقیقات فوق، معیارهای فردی-اجتماعی بر ایجاد حس معنویت تاثیر گذار است.

(د) مولفه‌های محیطی: عوامل محیطی همچون زمان حضور در فضا، دمای محیط، رطوبت محیط و فشار هوا از عوامل مهم در ادراک محیط و بروز احساسات می‌باشد. در پژوهش مقصودی و همکاران (۱۳۹۶) مشخص گردید در دماهای مختلف، متناسب با هندسه فضا و نحوه قرارگیری پوشش گیاهی فعالیت امواج مغزی متفاوت بوده و احساس خوشایندی، آرامش و راحتی و نوآوری و هیجان‌انگیزی نیز در افراد تغییر خواهد کرد. بنابراین عوامل محیطی با حس معنویت تاثیر معناداری دارد. ولی در این پژوهش با توجه به اینکه افراد فضای مسجد را از طریق تماشای عکس مشاهده می‌کنند (و حضور فیزیکی در فضا ندارند) این عامل را برای همه‌ی آزمودنی‌ها یکسان و صفر در نظر گرفته شده است. با توجه به مباحث مطرح شده مدل مفهومی (شکل ۱) ارائه می‌گردد که مبنای ادامه پژوهش خواهد بود

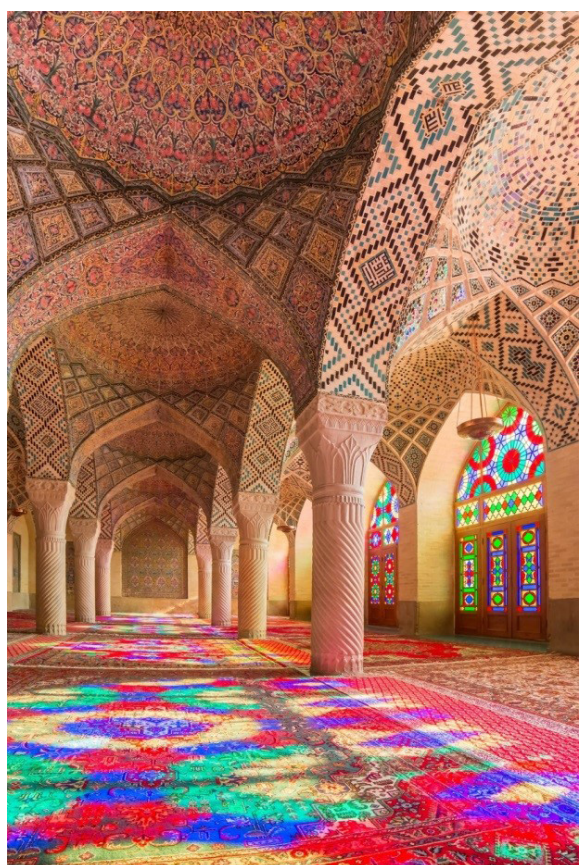


شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق؛

**مطالعه موردی تحقیق؛ مسجد نصیر الملک**

مسجد نصیرالملک شیراز یکی از مساجد قدیمی و مهم شهر شیراز است که در دوره قاجار ساخته شده است. این مسجد دارای دو شبستان شرقی و غربی است که هر دوی این شبستان‌ها برخلاف معمول به خاطر جهت گیری ساختمان، در امتداد محور قبله واقع شده‌اند. شبستان غربی پوشش آجری داشته و بیشتر بر روی آن کار شده و زیباتر است. شبستان شرقی به زیبایی شبستان غربی

نیست و در واقع شبستان زمستانه بوده و دارای هفت ستون بدون طرح و ساده است که در وسط قرار گرفته‌اند. طاق این شبستان بر روی ستون‌های سنگی و با طرح مارپیچ بر روی آن در دو ردیف شش تایی و به تعداد دوازده عدد قرار گرفته و همچنین دارای هفت درگاه با هفت در چوبی و شیشه‌های رنگارنگ می‌باشد که این شبستان را به صحن مسجد مرتبط می‌کند. طاق و دیوارهای این شبستان با کاشی‌کاری‌های فیروزه‌ای و سقف آن با نقش گل و بوته و آیات قرآنی مزین گشته است. این شبستان در واقع شبستان تابستانه محسوب می‌شود (احمدی شلمانی، ۱۳۹۰، ۲۴). شد. شبکه‌بندی پنجره‌های اورسی این مسجد و مفروش‌سازی شیشه‌های الوان در پنجره‌های اورسی، رسمی‌بندی و طاسه‌سازی از کاشی خشتی خُرد هفت رنگی و بسیاری دیگر، از ویژگی‌های بارز این مسجد می‌باشد (زمرشیدی و زمرشیدی، ۱۳۹۳، ۱۱). بازی با رنگ و نور در این مسجد، یکی از شاهکارهای معماری مساجد محسوب می‌شود که میراث‌دار سنت‌های معماری زنده و قاجاریه می‌باشد. حضور رنگ و نور در این فضا بیانگر اوج تسلط و توان معماران ایرانی به خلق فضایی ملکوتی بوده است (بخشوده، ۱۳۹۴). شکل ۲ نمای داخلی از شبستان غربی می‌باشد



شکل شماره ۲: نمای داخلی مسجد نصیرالملک شیراز؛ مأخذ: URL



## بحث و تحلیل یافته‌ها

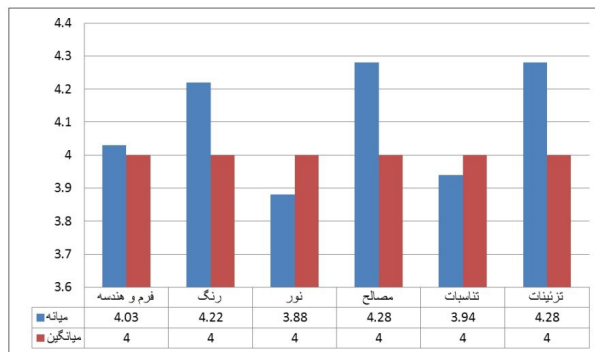
تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 25 و Smart PLS 3 انجام شد. در بخش استنباطی از آزمون تحلیل عاملی تاییدی، آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. از آزمون تحلیل عاملی تاییدی برای بررسی اعتبار

و پایایی پرسشنامه و وجود رابطه بین متغیرهای اصلی با مولفه‌ها و سوالات استفاده شد. در آزمون تی تک نمونه‌ای، میانگین شاخص‌های موثر بر ادراک معنویت بررسی شد و رتبه‌بندی ۱۵ شاخص با آزمون رتبه‌بندی فریدمن صورت گرفت. در جدول (۲) توصیف متغیرهای پژوهش و نرمال بودن آن ارائه شده است.

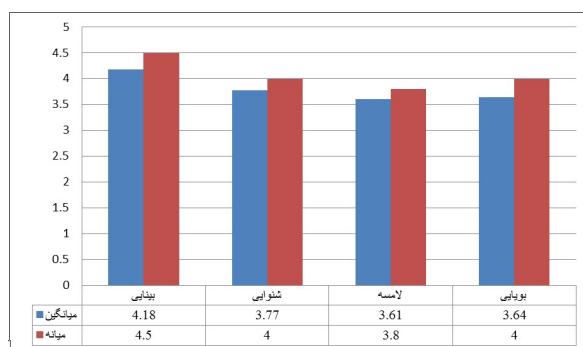
جدول شماره ۲: توصیف متغیرهای پژوهش و نتایج نرمال بودن

| عامل‌ها و شاخص‌ها    | میانگین | میانه | انحراف استاندارد | کجی    | کشیدگی |
|----------------------|---------|-------|------------------|--------|--------|
| سن                   | ۳/۸۹    | ۴/۰۰  | ۱/۰۳             | ۰/۱۳۴  | -۰/۱۱۶ |
| تحصیلات              | ۳/۵۶    | ۴/۰۰  | ۰/۹۱             | -۰/۴۹۳ | -۰/۲۹۶ |
| وضعیت تاهل           | ۳/۶۴    | ۴/۰۰  | ۱/۱۱             | ۰/۲۲۶  | -۰/۵۲۳ |
| وضعیت اعتقادی        | ۳/۶۸    | ۴/۰۰  | ۱/۰۳             | ۰/۰۵۸  | -۰/۶۱۳ |
| وضعیت اقتصادی        | ۳/۲۷    | ۴/۰۰  | ۱/۱۲             | -۰/۹۵۸ | -۰/۳۹۶ |
| شنوایی               | ۳/۶۱    | ۳/۸۰  | ۰/۸۶             | ۰/۲۱   | ۰/۳۶۲  |
| بینایی               | ۴/۱۸    | ۴/۵۰  | ۰/۹۹             | -۰/۱۴۳ | -۰/۸۵۹ |
| لامسه                | ۳/۶۴    | ۴/۰۰  | ۰/۹۴             | -۰/۲۹۱ | -۰/۸۳۱ |
| بوایی                | ۳/۷۷    | ۴/۰۰  | ۰/۹۵             | -۰/۳۳۲ | -۰/۹۵۱ |
| فرم و هندسه          | ۴/۰۳    | ۴/۰۰  | ۰/۷۱             | -۰/۹۶۲ | ۰/۷۷۳  |
| رنگ (دیوار، کف، سقف) | ۴/۲۲    | ۴/۰۰  | ۰/۵۴             | -۰/۷۹۸ | ۰/۷۰۳  |
| نور فضا              | ۳/۸۸    | ۴/۰۰  | ۰/۸۶             | -۰/۷۲۶ | -۰/۳۰۲ |
| مصالح                | ۴/۲۸    | ۴/۰۰  | ۰/۵۲             | -۰/۴۸۲ | -۰/۹۰۲ |
| تناسبات              | ۳/۹۴    | ۴/۰۰  | ۰/۶۵             | -۰/۵۸۲ | -۰/۷۰۳ |

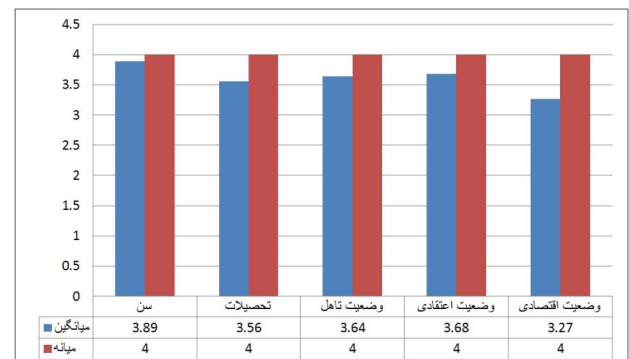
بالاترین میانگین را شاخص سن با میانگین ۳/۸۹ و وضعیت اعتقادی با میانگین ۳/۶۸ دارد. بررسی میانگین شاخص‌های عوامل حسی نشان می‌دهد بالاترین میانگین را شاخص بینایی با میانگین ۴/۱۸ و شنوایی با میانگین ۳/۷۷ دارد. بررسی میانگین شاخص‌های عوامل کالبدی نشان می‌دهد بالاترین میانگین را شاخص تزئینات با میانگین ۴/۲۸ و مصالح با میانگین ۴/۲۸ دارد.



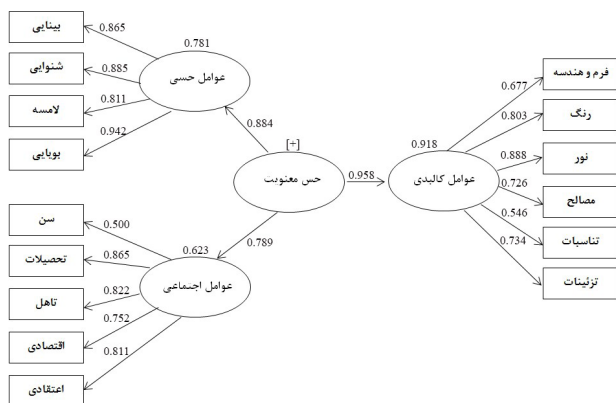
نمودار شماره ۳: توصیف متغیر عوامل کالبدی



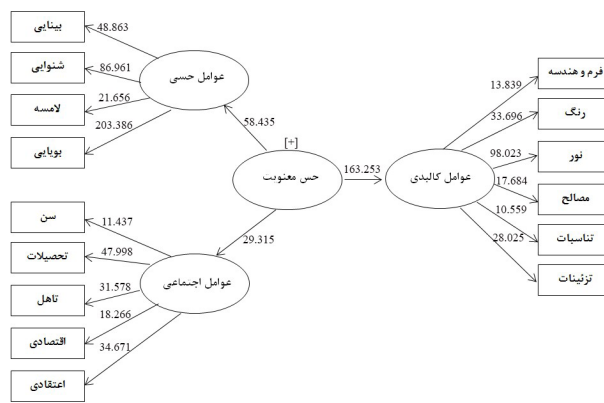
نمودار شماره ۴: توصیف متغیر عوامل حسی



نمودار شماره ۲: توصیف متغیر عوامل فردی-اجتماعی



شکل شماره ۴: مدل اندازه‌گیری مقیاس ادراک معنویت در حالت ضرایب استاندارد



شکل شماره ۳: مدل اندازه‌گیری مقیاس ادراک معنویت در حالت مقدار تی یا معنی‌داری

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مقادیر پایایی ترکیبی عامل‌ها از حداقل ۰/۸۷ برای عوامل اجتماعی تا حداکثر ۰/۹۳ برای عوامل حسی بدست آمده است. تمامی مقادیر آلفای کرونباخ نیز بیشتر از ۰/۷۰ است که کمترین مقدار مربوط به عامل عوامل اجتماعی با مقدار ۰/۸۱ است. نتایج بدست آمده از آزمون مدل اندازه‌گیری بدین معناست که سوالات و عامل‌های مربوط به ادراک معنویت دارای اعتبار و پایایی مناسبی هستند.

میزان تاثیر عامل‌ها و شاخص‌ها بر ادراک معنویت جهت سنجش میانگین عامل‌ها و شاخص‌ها و مقایسه آن با مقداری استاندارد یا مفروض از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داشته باشیم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول یا استاندارد و یا حتی با یک عدد فرضی و مورد انتظار مقایسه کنیم. دامنه نمرات پرسشنامه طیف لیکرت ۵

با توجه به نمودار (۲)، (۳)، (۴) میانگین و میانه عوامل کالبدی سطح معنادارتری نسبت به پارامترهای حسی، عوامل فردی - اجتماعی دارد.

آزمون مدل: مدل پژوهش در این بخش مورد سنجش قرار گرفت و جهت بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه و مدل پژوهش از تکنیک تحلیل عاملی تاییدی و شاخص‌های بارعاملی، میانگین واریانس استخراج شده، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول (۳) و شکل‌های (۳) و (۴) آمده است.

یافته‌ها نشان داد تمامی بارهای عاملی معنی‌دار هستند و از نظر آماری، وجود همبستگی بین سوالات با مولفه‌ها و با ادراک معنویت مورد تایید قرار می‌گیرد. بررسی بارهای عاملی نشان از تایید اعتبار تمامی سوالات مقیاس ادراک معنویت دارد. تمامی بارهای عاملی بدست آمده مقادیر مناسب و بالاتر از ۰/۴۰ دارند و به معنای تایید اعتبار تمامی سوالات یا شاخص‌ها است.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل عاملی تاییدی: بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

| عامل          | شماره سوال           | بار عاملی | مقدار تی | میانگین واریانس استخراج شده (AVE) | پایایی ترکیبی | آلفای کرونباخ |
|---------------|----------------------|-----------|----------|-----------------------------------|---------------|---------------|
| عوامل اجتماعی | سن                   | ۰/۵۰      | ۱۱/۴۴    | ۰/۵۸                              | ۰/۸۷          | ۰/۸۱          |
|               | تحصیلات              | ۰/۸۶      | ۴۸       |                                   |               |               |
|               | وضعیت تاهل           | ۰/۸۲      | ۳۱/۵۸    |                                   |               |               |
|               | وضعیت اعتقادی        | ۰/۷۵      | ۱۸/۲۷    |                                   |               |               |
|               | وضعیت اقتصادی        | ۰/۸۱      | ۳۴/۶۷    |                                   |               |               |
| عوامل حسی     | بینایی               | ۰/۸۶      | ۴۸/۸۶    | ۰/۷۶                              | ۰/۹۳          | ۰/۹۰          |
|               | شنوایی               | ۰/۸۸      | ۸۶/۹۶    |                                   |               |               |
|               | لامسه                | ۰/۸۱      | ۲۱/۶۶    |                                   |               |               |
|               | بوایی                | ۰/۹۴      | ۲۰۳/۳۹   |                                   |               |               |
| عوامل کالبدی  | فرم و هندسه          | ۰/۶۸      | ۱۳/۸۴    | ۰/۵۴                              | ۰/۸۸          | ۰/۸۲          |
|               | رنگ (دیوار، کف، سقف) | ۰/۸۰      | ۳۳/۷۰    |                                   |               |               |
|               | نور فضا              | ۰/۸۹      | ۹۸/۰۲    |                                   |               |               |
|               | مصالح                | ۰/۷۳      | ۱۷/۶۸    |                                   |               |               |
|               | تناسبات              | ۰/۵۵      | ۱۰/۵۶    |                                   |               |               |
|               | تزئینات              | ۰/۷۳      | ۲۸/۰۲    |                                   |               |               |

جدول شماره ۴: آزمون تی تک نمونه‌ای جهت بررسی میانگین عامل‌ها و شاخص‌ها موثر بر ادراک معنویت با مقدار استاندارد (معیار = ۳/۵)

| عامل‌ها و شاخص‌ها   | میانگین | تفاوت میانگین | درجه آزادی | مقدار t | سطح معنی‌داری |
|---------------------|---------|---------------|------------|---------|---------------|
| سن                  | ۳/۸۹    | -۰/۳۹         | ۱۱۹        | ۴/۱۸    | < ۰/۰۰۱       |
| تحصیلات             | ۳/۵۶    | -۰/۰۶         | ۱۱۹        | ۰/۷۱    | ۰/۴۸۲         |
| تاهل                | ۳/۶۴    | -۰/۱۴         | ۱۱۹        | ۱/۴۰    | ۰/۱۶۳         |
| اعتقادی             | ۳/۶۸    | -۰/۱۸         | ۱۱۹        | ۱/۸۶    | ۰/۰۶۵         |
| اقتصادی             | ۳/۲۷    | -۰/۲۳         | ۱۱۹        | -۲/۲۸   | ۰/۰۲۴         |
| اجتماعی             | ۳/۶۱    | -۰/۱۱         | ۱۱۹        | ۱/۳۶    | ۰/۱۷۸         |
| بینایی              | ۴/۱۸    | -۰/۶۸         | ۱۱۹        | ۷/۵۸    | < ۰/۰۰۱       |
| شنوایی              | ۳/۶۴    | -۰/۱۴         | ۱۱۹        | ۱/۶۵    | ۰/۱۰۲         |
| لامسه               | ۳/۷۷    | -۰/۲۷         | ۱۱۹        | ۳/۰۷    | ۰/۰۰۳         |
| بویایی              | ۳/۸۴    | -۰/۳۴         | ۱۱۹        | ۳/۸۲    | < ۰/۰۰۱       |
| عوامل حسی           | ۳/۸۶    | -۰/۳۶         | ۱۱۹        | ۵/۷۴    | < ۰/۰۰۱       |
| فرم و هندسه         | ۴/۰۳    | -۰/۵۳         | ۱۱۹        | ۸/۲۴    | < ۰/۰۰۱       |
| رنگ(دیوار، کف، سقف) | ۴/۲۲    | -۰/۷۲         | ۱۱۹        | ۱۴/۶۱   | < ۰/۰۰۱       |
| نور فضا             | ۳/۸۸    | -۰/۳۸         | ۱۱۹        | ۴/۸۷    | < ۰/۰۰۱       |
| مصالح               | ۴/۲۸    | -۰/۷۸         | ۱۱۹        | ۱۶/۴۵   | < ۰/۰۰۱       |
| تناسبات             | ۳/۹۴    | -۰/۴۴         | ۱۱۹        | ۷/۴۲    | < ۰/۰۰۱       |
| تزئینات             | ۴/۴۷    | -۰/۹۷         | ۱۱۹        | ۱۴/۹۳   | < ۰/۰۰۱       |
| کالبدی              | ۴/۱۴    | -۰/۶۴         | ۱۱۹        | ۱۹/۴۷   | < ۰/۰۰۱       |

جدول شماره ۶: نتیجه آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی شاخص‌ها

| رتبه | متغیرها             | میانگین رتبه |
|------|---------------------|--------------|
| ۱    | تزئینات             | ۱۰/۳۴        |
| ۲    | مصالح               | ۹/۶۴         |
| ۳    | بینایی              | ۹/۲۷         |
| ۴    | رنگ(دیوار، کف، سقف) | ۹/۲۱         |
| ۵    | فرم و هندسه         | ۸/۷۵         |
| ۶    | تناسبات             | ۸/۲۳         |
| ۷    | سن                  | ۸/۱۸         |
| ۸    | نور فضا             | ۸/۰۶         |
| ۹    | بویایی              | ۷/۷۳         |
| ۱۰   | وضعیت اعتقادی       | ۷/۵۸         |
| ۱۱   | لامسه               | ۷/۳۹         |
| ۱۲   | وضعیت تاهل          | ۷/۱۸         |
| ۱۳   | شنوایی              | ۶/۷۸         |
| ۱۴   | تحصیلات             | ۶/۳۶         |
| ۱۵   | وضعیت اقتصادی       | ۵/۳          |

Chi Square= ۲۰۰/۷۲ ، df = ۱۴ ، p ≤ ۰/۰۰۱

گزینه‌ای و از ۱ تا ۵ است و در این آزمون ما میانگین نمونه را با مقدار ۳/۵ که مقداری بین متوسط تا زیاد است مقایسه می‌کنیم. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که تاثیر عامل‌ها را می‌توان در دو دسته متوسط تا زیاد قرار داد. نتایج نشان داد تاثیر عامل اجتماعی مقدار متوسط و تاثیر دو عامل حسی و کالبدی مقداری زیاد است. یافته‌ها نشان داد میانگین عامل اجتماعی برابر با ۳/۶۱ است که اختلاف معنی‌داری با مقدار مفروض ۳/۵ ندارد و نشان از تاثیر متوسط عامل اجتماعی بر ادراک معنویت دارد. میانگین عامل حسی و کالبدی به ترتیب ۳/۸۶ و ۴/۱۴ است که اختلاف معنی‌داری با مقدار متوسط دارد و نشان از تاثیر زیاد عامل حسی و کالبدی بر ادراک معنویت است ( $p < 0.05$ ).

### رتبه‌بندی شاخص‌ها

در این بخش با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن، شاخص‌ها یا سوالات پرسشنامه که شامل ۱۵ شاخص است بر اساس نمرات بدست آمده اولویت‌بندی شدند. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که رتبه‌بندی شاخص‌ها از نظر میزان تاثیر بر ادراک معنویت در مقایسه با یکدیگر چگونه است. نتایج آزمون فریدمن در جدول ۶ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده گردید، از میان عوامل تاثیرگذار در ادراک حس معنویت، ۴۵ درصد مربوط به عوامل کالبدی، ۲۶ درصد مربوط به عوامل حسی و ۲۲ درصد مربوط به عوامل فردی-اجتماعی می‌باشد.

## نتیجه گیری

اهمیت پرداختن به مؤلفه «حس معنویت» برای شناخت و الگوگیری موفق جهت به کارگیری در معماری مساجد امروزی بر هیچ کس پوشیده نیست. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه‌ی گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. این ضرورت ایجاب می‌نماید که معماران با تلاش هرچه بیشتر و پژوهش‌های ارزشمند در این حوزه؛ به معماری بناهای مذهبی توجه ویژه داشته باشند. توجه ویژه به ارزش‌های مقدس برای معماری امروز مساجد در جهت برقراری و ایجاد مسائل معنوی و به خصوص توان فضای معماری در جهت ایجاد «حس معنویت»، ارزش محسوب شده و توجه معماران و طراحان در این زمینه مهم تلقی می‌گردد. در این پژوهش، ابتدا مدلی جهت عوامل موثر بر ادراک حس معنویت ارائه شده است که با استفاده از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار آماری SPSS و SmartPLS در نمونه موردی که فضای داخلی مسجد نصیرالملک بوده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد: حس معنویت با عوامل کالبدی بیشترین ارتباط را دارد و طبق فرضیات بدست آمده میانگین پارامترهای آن نظیر: تزئینات، مصالح، رنگ، نور، فرم و هندسه بیشتر است. در صورتی که حس معنویت با عوامل فردی-اجتماعی رابطه معنادار کمتری دارد و به این معناست که مشخصات هر فرد (وضعیت اقتصادی، تحصیلات، تاهل) تاثیری آنچنانی بر دریافت حس معنویت ندارد. همچنین عوامل حسی (بویایی، بینایی، لامسه و شنوایی)، بر دریافت حس معنویت تاثیر داشته‌اند و میانگین پارامترهای آن در حد متوسطی قرار دارد. بیشترین تاثیر حواس در ادراک حس معنویت، حس بینایی بوده است و حواس بویایی، لامسه و شنوایی در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب با آگاهی از نتایج این پژوهش و دانستن اهمیت عوامل کالبدی در ایجاد حس معنویت، ضرورت توجه و بکارگیری عناصری همچون نور، فرم هندسی، رنگ و تزئینات در طراحی‌های آتی مساجد توسط معماران تاکید می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی بر تک مولفه‌ها همچون رنگ، نور و یا هندسه تمرکز گردد و نقش تک مولفه در ایجاد حس معنویت در فضای داخلی مساجد مورد بررسی قرار گیرد بگونه‌ای که بتوان در مقیاس خردتر و به موضوعاتی همچون مکان قرارگیری بازشوها، میزان نور وارد شده، طیف رنگ‌ها و... پرداخته شود.

## پی‌نوشت

1. Structural Equation Method

## فهرست منابع و مراجع

- احمدی شلمانی، محمدحسین (۱۳۹۰)، **معماری معاصر مساجد**، فرهیختگان دانشگاه، تهران.
- آقابابایی، سارا؛ ملک‌پور، مختار و احمد عابدی (۱۳۸۸)، «اثربخشی آموزش کارکردهای اجرایی بر عملکرد تحصیلی کودکان با ناتوانی یادگیری املا»، **تازه‌های علوم شناختی**، سال ۱۴، شماره ۲، ۷۲-۶۳.
- بخشوده، پریسا (۱۳۹۴)، «معجزه رنگ و نور در مسجد نصیرالملک شیراز»، **اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری**، موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی، یزد.
- بمانیان، محمدرضا؛ هادیان‌پور، محمد؛ مهدوی‌نژاد، محمدجواد و محمد حق‌شناس (۱۳۹۳)، «ظرفیت‌سنجی به کارگیری پوسته‌های دوجداره در طراحی معماری اقلیم گرم و خشک ایران به منظور کاهش مصرف انرژی (نمونه موردی شهر یزد)»، **نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، شماره ۳، ۳۸-۲۹.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، «داخلی بر اصول و روش هنر دینی»، **مجموعه مقالات هنر معنوی**، مطالعات دینی هنر، تهران.
- حمزه‌نژاد، مهدی و مائده عربی (۱۳۹۳)، «بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر؛ مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۵، ۴۷-۶۱.
- زبردستان، نجمه؛ موحد، خسرو و هادی کشمیری (۱۳۹۵)، «تبیین راهکارهای موثر در بکارگیری ادراکات حسی در فرایند طراحی معماری با رویکرد پدیده شناختی»، **مدیریت شهری**، ضمیمه شماره ۴۸، ۲۶۴-۲۴۵.
- زمرشیدی، حسین و زهرارزشیدی (۱۳۹۳)، «معماری مساجد ایران و هنرهای قدسی آن»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۵، ۲۰-۵.
- سبک روح، مرضیه و علی اکبر حیدری (۱۳۹۲)، «تأثیر نور در شکلگیری حس معنویت در مساجد»، **اولین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی اسلامی و ترسیم سیمای شهری پایدار با گذر از معماری ایرانی-اسلامی و هویت گمشده آن**، زاهدان، مرکز آموزش علمی-کاربردی زاهدان.
- شاهرودی، عباسعلی؛ حسینی، حمزه و زینب مومنی (۱۳۹۳)، «بررسی میزان انطباق معماری مساجد با نیازهای زنان (مطالعه موردی: مساجد شهرستان ساری)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی**، شماره ۱۸، ۵۳-۳۹.
- شهیدی، شهریار و سعیده فرج‌نیا، سعیده (۱۳۹۱)، «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش نگرش معنوی»، **روان‌شناسی و دین**، شماره ۵ (۳)، ۹۷-۱۱۵.
- صادقی حبیب‌آباد، علی؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی (۱۳۹۷)، «بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء "حس معنویت" در معماری مساجد»، **معماری و شهرسازی پایدار**، شماره ۶۱ (۱)، ۶۱-۷۸.
- صارمی، حمیدرضا؛ خدابخشی، سحر و متین خلاق‌دوست (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی جهت‌گیری شیستان در مساجد سنتی و معاصر»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۴، ۸۴-۶۵.
- علی‌نژاد طیبی، نسرین و فرشته بدیعی (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل موثر بر حس تعلق به مکان مسجد نصیرالملک شیراز»، **همایش ملی رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار منطقه‌ای**، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.



- work commitment: The case of Anatolian Tigers". *European Management Journal*, 34(6), 686–700. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2016.06.011>.
31. Mahdi Nejad, J., Azemati, H., & Sadeghi HabibAbad, A. (2019). "Investigating sacred architectural values of traditional mosques based on the improvement of spiritual design quality in the architecture of modern mosques (case study: Traditional mosques in Iran)". *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 29(1), 47-59.
  32. MahdiNejad, J-D., Azemati, H., & Sadeghi Habibabad, A. (2019). "Religion and spirituality: Mental health arbitrage in the body of mosques architecture". *Journal of Religion and Health*, 59: 1635–1651.
  33. Morris, A. E. J. (2013). "History of Urban Form Before the Industrial Revolution". Taylor & Francis. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=nRBEA-gAAQBAJ>
  34. Sadeghi Habibabad, A., Azemati, H., & Matracchi, P. (2019). "Using neurology sciences to investigate the color component and its effect on promoting the sense of spirituality in the interior space of the Vakil Mosque of Shiraz (using quantitative electroencephalography wave recording)". *Journal of Religion and Health*, 1-18.
  35. Sadeghi Habibabad, A., MahdiNejad, J. E. D., Azemati, H., & Matracchi, P. (2020). "Examination of the psychological impact and brainwaves functioning of the users of buildings and environments built based on promoting relaxation and spiritual sense". *Journal of Spirituality in Mental Health*. 2162–2149 :59
  36. Salah El Din, R., Hashim, O., & Hussein, A. (2020). "Reviving the architectural heritage values of Al-Aqmar Mosque as an architectural inherited and a source of inspiration for contemporary interior design". *Journal of Design Sciences and Applied Arts*, 1(1), 134-143.
  37. Sarram, A., Utaberta, N., & Asif, N. (2019). "Mosque in Compact Cities: Impact of Urbanization on Planning and Design of Contemporary Mosques in Nusantara". *International Journal of Engineering & Technology*, 8(1.9), 598-601.
  38. Shamqli, Gh., Yekita, H. (2011). "Basic Concepts in Hospital Architectural Design", Tehran: Soroush Danesh.
  39. Sheline, A. R. (2019). "Constructing an Islamic Nation: National Mosque Building as a Form of Nation-Building". *Nationalities Papers*, 47(1), 104-120.
  40. URL1: <https://unsplash.com/s/photos/iran-mosque>
  ۱۵. کاظمی، سید محمد و حسین کلاتری خلیل آباد (۱۳۹۰)، «ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تاکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۴۶-۳۱.
  ۱۶. لطفی، افسانه و بهادر زمانی (۱۳۹۴)، «نقش مؤلفه‌های منظرحسی در کیفیت محورهاى مجهز محلی؛ (مطالعه موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان)»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری*، شماره ۱۳، ۴۳-۵۶.
  ۱۷. معمارزاده طهران، غلامرضا و مهدی صانعی (۱۳۹۰)، «تهیه ابزار استاندارد جهت سنجش معنویت در نظام اداری ایران»، *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، شماره ۱. ۱-۲۷.
  ۱۸. مقصودی، میترا؛ شاهرودی، عباسعلی؛ مهنام، امین و محمدجواد مهدوی‌نژاد (۱۳۹۶)، «کاربرد مهندسی علوم اعصاب در بازشناسی احساسات و ادراک پارامترهای محیطی تأثیرگذار بر آسایش انسان در فضاهای باز شهری»، *اولین کنگره عمران، معماری و مطالعات شهری*، شیراز. ۲۴۱-۲۲۸.
  ۱۹. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ عظمتی، حمیدرضا و علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۷)، «رتبه‌بندی شاخص‌های آرامش معنوی در معماری مساجد سنتی مبتنی بر ادراک "حس معنویت" با بهره‌گیری از روش VIKOR»، *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، شماره ۱۴، ۵۹-۸۲.
  ۲۰. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ عظمتی، حمیدرضا و علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۷). «تحلیل مولفه‌های موثر بر درک حس معنویت در کالبد معماری مساجد ایرانی دوره اسلامی»، *نخستین کنفرانس ملی شهر ایرانی اسلامی*، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
  ۲۱. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ عظمتی، حمید و علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۸)، «تبیین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران». *مطالعات ملی*، ۲۰ (۷۸)، ۷۷-۹۴.
  ۲۲. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، و علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۸)، «تحلیل و اولویت‌بندی سلسله‌مراتبی (ANP) مولفه‌های موثر بر حس معنویت در فضای مساجد با تاکید بر مولفه نور»، *شیعه‌شناسی*، ۱۷ (۶۵)، ۳۲-۷.
  ۲۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۱)، *معرفت و معنویت*، ترجمه انشا... رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
  ۲۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، *مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی؛ تجلیات عینی و کالبدی*، راهیان، اصفهان.
  ۲۵. هومانی‌راد، مرضیه و منصوره طاهباز (۱۳۹۲). «بررسی نقش نور روز در ایجاد فضای معنوی در مساجد معاصر». *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ویژه‌نامه منتخب مقالات اولین همایش روشنیابی و نورپردازی ایران، ۲۳-۱۱.
  26. Basu, J. (2019). "Place Spirituality in the imaginary locus: How real is the nonreal?". *Archive for the Psychology of Religion*, 41(1), 33-37.
  27. Cuthbert, A.R., (2008). "The Form of Cities: Political Economy and Urban Design". Blackwell Publishing.
  28. Fattahi S, Omrani Pour A. (2014). "Analysis of the Role of Qebla in the Spatial Organization of Contemporary Mosques in Ilam City". *Iran University of Science & Technology*. 2014; 2 (1):97-114
  29. Hashmi, A. (2018). "Philosophy of Interior Design in Mughal Era Mosques of Lahore: A Case Study of Maryam Zamani and Wazir Khan Mosques". *Journal of Art, Architecture and Built Environment*.
  30. Kurt, Y., Yamin, M., Sinkovics, N., & Sinkovics, R. R. (2016). "Spirituality as an antecedent of trust and net-



## بازشناسی مولفه های معنایی کوچه های شهر ایرانی - اسلامی مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر ساری

رسول عبدی ملک کلایی<sup>۱</sup>، عبدالمجید نور تقانی<sup>۲</sup>، مهدی سعدوندی<sup>۳</sup> \* (نویسنده مسئول)

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشگاه هنر اصفهان

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه گلستان

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه هنر اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۲)

### چکیده

از گذشته های دور کوچه بخش مهمی از فضاهای شهری در بافت شهرهای ایران محسوب می شد به گونه ای که در کنار نقش کارکردی خود برای تامین ارتباط و دسترسی محل رخداد بسیاری از فعالیت های اجتماعی و فرهنگی نیز بود. بسیاری از این رفتارهای اجتماعی بر مبنای منظومه ای از معانی رخ می دهند. برای انجام این پژوهش کوچه های بافت تاریخی شهر ساری بعنوان نمونه کالبدی - فرهنگی انتخاب شد چرا که این شهر سابقه ای طولانی در شهرسازی پیش و پس از اسلام داشته و تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. این پژوهش بر مبنای روش تحقیق تحلیل عامل اکتشافی که شاخه ای از تحقیق همبستگی است انجام شده و با شیوه تحلیل ماتریس کواریانس صورت گرفته است. این تحقیق بدنبال اکتشاف منظومه معانی پنهان در پس رفتارها و فعالیت های جاری در کوچه های بافت تاریخی این شهر است. برای بدست آوردن ابزار سنجش مناسب در ابتدا تعدادی مصاحبه نیمه ساختار یافته با تعدادی از اهالی صورت گرفت و از نتایج، بخشی از معانی کوچه استخراج گردید. با روش مشاهده، فعالیت های جاری در کوچه ها در طول مدت پژوهش ثبت شد و نتایج در جدول هدف - محتوی پیاده شد. معانی بدست آمده با منابع اسنادی تکمیل شد و سپس پرسشنامه اولیه تهیه شد و بین نمونه آماری توزیع و نتایج اولیه بدست آمد. با توجه به نتایج، این پرسشنامه اصلاح و پرسشنامه نهایی تهیه شد و بین جامعه آماری توزیع و نتایج نهایی جمع آوری گردید. نتایج پژوهش نشان دهنده تداوم سنت و ارزش های اجتماعی بر گرفته از تعالیم اسلامی در ترکیب با فرهنگ ایرانی در بافت های تاریخی است. کسب احترام و تایید اجتماعی از مهمترین ارزش های سکونت در مکان و تداوم آن در فرهنگ ایرانی - اسلامی است. در مدل نهایی پژوهش نقش سایر مولفه های مؤثر در شکل گیری شبکه معانی کوچه نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: مولفه های معنایی، انتظام معنا، کوچه، بافت تاریخی.



## مقدمه

برای احیای هویت بومی شهر نموده است. این گرایش در سایر مقولات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز به چشم می‌خورد. بیشتر این فعالیتها در محدوده بافت هسته تاریخی صورت می‌گیرد. این منطقه سمبل هویت، تاریخ و اصالت اهالی شهر می‌باشد. با این وجود در دهه‌های متوالی شاهد افول توجه به حفظ و نگهداری سرمایه‌های فرهنگی موجود در این بافت تاریخی بوده ایم. بیشتر سرمایه‌های فرهنگی محسوس در در تفسیر روایت ناقص هستند و مابقی نیز بسادگی با عملکرد اصلی شان در تضاد هستند. چرا که این سرمایه‌ها نمی‌توانند بصورت مجزا توسعه یابند بلکه می‌بایست در ارتباط با عملکرد سنتی شان حرکت کنند.

از دیدگاه روان شناسی محیطی - تعلق به یک مکان خاص از جنبه روان شناسی محیطی و هویت خود مکان هم قابل تفسیر است (Seetha Low). در روان شناسی محیطی، تعلق به مکان به ادراک فرد از محیط یا یک فضای خاص بستگی دارد. نگرش فرهنگی به مقوله حس مکان و تعلق به آن، امکان تجربه کردن آن را از طریق تحلیل مکان از طریق نمادهای مشترک فرهنگی ممکن می‌سازد. این را می‌توان به تسهیل در ادراک و ماندگاری ارتباط میان مولفه‌های شکل دهنده شبکه انتظام معنایی کوچک مرتبط دانست، به عبارتی می‌توان پیش بینی کرد که شبکه معنایی نقشی تسهیل گر و میانجی در ایجاد ارتباط میان افراد و محیط ساخته شده داشته باشد و از سوی دیگر محیط ساخته شده بر فرایندهای رفتاری افراد نقشی مداخله گر داشته باشد. با توجه به پیشینه مباحث هویتی و فرهنگی، حس انسانی به یک مکان و تعلق خاطر به آن می‌تواند به شکل شبکه معنایی سیاسی - تاریخی و اجتماعی - فرهنگی هم ایجاد شود؛ این در مورد مکان مندی اسطوره‌ای و تاریخی صادق است (Gustafson, 2001).

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزه معنای محیط شهری صورت گرفته و مقالات بسیاری نیز به بررسی نظریات و مفاهیم اسلامی در شهرهای قلمرو اسلام پرداخته اند. در بسیاری از این مقالات به چگونگی تجلی نظریات اسلامی همچون وحدت و سلسله مراتب در شکل شهر پرداخته شده است. اما این تجارب بسیار انتزاعی هستند و بیشتر به مکانهای خاص تاریخی مربوط هستند و فضاهای عمومی عادی و معمولی همچون کوچه‌های شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. همچنین کمتر به امور روزمره و قابل لمس برای افراد عام پرداخته شده و مفاهیمی که در شکل‌گیری تجارب زندگی روزمره نقش دارند کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. در حالیکه تجربه فضایی ارتباط دوسویه میان فرد با گروه و گروه با مکان موجب پذیرش و شناخت معنای مکان می‌شود که در زمینه‌های فرهنگی روی می‌دهد، ولی اثرپذیری‌های متعددی از رویدادهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی دارد که بر شبکه معنایی شکل گرفته اثر می‌گذارد و امکان باز آفرینی حس تعلق به مکان را تقویت می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵).

عوامل و پدیده‌های مختلفی در شکل‌گیری بافت‌های شهری تاثیر دارند. هرچند در بسیاری از تحقیقات به عوامل مادی و محیطی اشاره شده است اما به نظر می‌رسد به عوامل انسانی از جمله معنای محیط ساخته شده کمتر پرداخته شده است، موضوعی که در سال‌های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. اعتقادات و باورها نقش مستقیمی بر شکل‌گیری برخی فضاهای آیینی و عمومی و چگونگی استقرار آن‌ها داشته اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲). بسیاری از محققان بر اثرپذیری ساختار شهر از الگوهای نمادین و معنایی تاکید کرده‌اند (لیب‌زاده و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۷). موضوع معنا گرایی در ساختار شهرهای اسلامی و چگونگی تجلی آن موضوعی است که بر سر آن اختلافات زیادی بین پژوهشگران وجود دارد. به هر صورت شهر یک محیط مصنوع به شمار می‌رود و شکل کلی آن بدلیل ابعاد و پیچیدگی آن برای بسیاری از افراد قابل ادراک نیست (حبیب، ۱۳۸۵). اما فرد برای ادامه حیات نیاز به ارتباط موثر با محیط پیرامونی خود دارد و در صورت وجود یک ارتباط پر معنا میان فرد و محیط کیفیت زندگی می‌تواند بسیار ارتقا یابد. کوچه‌های شهر فضاهای باز و عمومی‌ای هستند که فرد بلافاصله پس از خانه که در مالکیت و تعلق وی می‌باشد بدان قدم می‌گذارد و از این رو اهمیت زیادی دارد. این امر بخصوص در بافت‌های سنتی کاملاً در سلسله مراتب دسترسی رعایت می‌شود بصورتیکه فرد پس از خروج از کوچه محل زندگی وارد خیابان یا محورهای اصلی شهر می‌شود که با مراکز شهری و بازار ارتباط داشتند. چنین ساختاری در شهرهای اسلامی باعث همخوانی سبک زندگی و اصول فرهنگی ایرانی - اسلامی شده است. مفهوم شهر اسلامی مبتنی بر کامل بودن نظام ارزشی اسلام است که تمام الگوهای رفتاری را در جامعه اسلامی سازمان می‌دهد. این تاثیر در ذهن کاربران فضا که از آن بعنوان اسکیمای یاد می‌شود در مولفه‌هایی همچون دین نمود دارد. به نظر می‌رسد این مفاهیم در سازماندهی فضاهای شهری و از جمله کوچه‌ها نقش و جایگاه ویژه‌ای داشته باشند.

شکل‌گیری معنا مرحله‌ای مهم در ایجاد ارتباط موثر میان فرد و محیط پیرامونش به شمار می‌رود. برخورد اولیه با مکان منجر به شکل‌گیری شناخت اولیه می‌گردد و این شناخت در طول زمان با همراهی رخدادهای تاریخی و اجتماعی عمق می‌گیرد و در نهایت به دبستگی مکانی منجر می‌شود. در این مقطع حس مکان و هویت مکانی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های متعددی افزایش حس تعلق مکانی با گذشت زمان را مورد تایید قرار می‌دهند (Lewicka, 2011).

## مبانی نظری پژوهش

بافت قدیم شهر ساری قدمتی چند صد ساله دارد و در خود باورها و سنتهای بسیاری را محفوظ داشته است. اخیراً شهرداری ساری با رویکردی سنت گرایانه اقدام به اجرای تعدادی پروژه

تجربه مکان در حقیقت امر، یک تجربه حسی کلی است که از طریق ادراک حسی انسان قابلیت ظهور و بروز دارد (Shamai, 1991). شبکه معنایی که از این طریق شکل می‌گیرد، در مرتبه نخست، با ارسال و دریافت پیام بین فرد و مکان شروع می‌شود. در مرحله بعدی، به تدریج معنا، نشانه و مفهوم محیطی از مکان اخذ می‌گردد؛ سپس به مرحله پیوند دادن معنا می‌رسیم که با ربط دادن معانی به هم، مرحله همسان سازی روی می‌دهد و ادراک از حالت تکرار پیام‌ها خودداری می‌کند. ادراک انسانی در مرحله بعدی شبکه معنایی، به معنای مکان وحدت می‌بخشد و آن را شخصی سازی می‌کند (Alexander, 1977). در مراتب بالاتر این تعیین فضایی، برون دادهای شبکه معنایی نمودار می‌شوند که شامل مواردی هم چون: حس آگاهی، شناخت، تعلق خاطر، تعهد اخلاقی، وفاداری و در نهایت گذشتن از خود به خاطر حفظ فضای مکان مند بروز می‌کند که همه این‌ها به رفتار فرد در آن مکان شکل می‌دهد. نیروی درونی که انسان را به بازگشت دوباره به یک مکان سوق می‌دهد، یا از حضور در مکان خاصی باز می‌دارد، همین شبکه معنایی - ذهنی است که سودمندی از حضور در یک مکان و یا مشارکت در فعالیت‌های جمعی و انفرادی در یک مکان را موجب می‌شود. دسته بندی فعالیت‌هایی که در مکان صورت می‌گیرد بر اساس نظر یان گل می‌تواند به سه دسته فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی باشد (Gehl, 2008). زندگی ساکنین در محله و روابط اجتماعی آنان با یکدیگر بر اساس اصول فرهنگی اسلام شکل می‌گرفت به گونه‌ای که روابط حسنه با همسایگان و احترام به آنان جزء توصیه‌های موکد اسلام به شمار می‌آمد و افراد سعی در رعایت آن داشتند. به عبارتی هر فعالیت بر اساس یک معنا رخ می‌دهد و در صورت تضعیف معانی، شکل فعالیت‌ها و روابط نیز تغییر می‌کند.

## روش پژوهش

این تحقیق بر مبنای روش تحقیق تحلیل عامل اکتشافی که شاخه‌ای از تحقیق همبستگی است انجام شده و با شیوه تحلیل ماتریس کواریانس صورت گرفته است. این تحقیق بدنبال اکتشاف منظومه معانی پنهان در پس رفتارها و فعالیت‌های جاری در کوچه‌های این بافت تاریخی است. در ابتدا به دلیل عدم وجود ابزار سنجش متناسب با مساله پژوهش با روش پیمایش اکتشافی به منظور آشکار نمودن مولفه‌های شکل دهنده شبکه معنایی کوچه و ارتباط میان این مولفه‌ها مصاحبه‌هایی با تعدادی از افرادی که دارای سابقه سکونت در بافت‌های قدیمی شهر داشته‌اند صورت گرفت. در این مصاحبه‌ها که به صورت نیمه ساختار یافته ترتیب داده شده بود زنجیره‌ای از پرسشها در خصوص نحوه فعالیت‌های رفتاری و چرایی این رفتارها صورت گرفت. در گام بعدی متن مصاحبه‌ها پیاده سازی گردید و در آن‌ها مولفه‌های شکل دهنده شبکه معنایی استخراج گردید. نتایج توسط یک گروه دیگر از

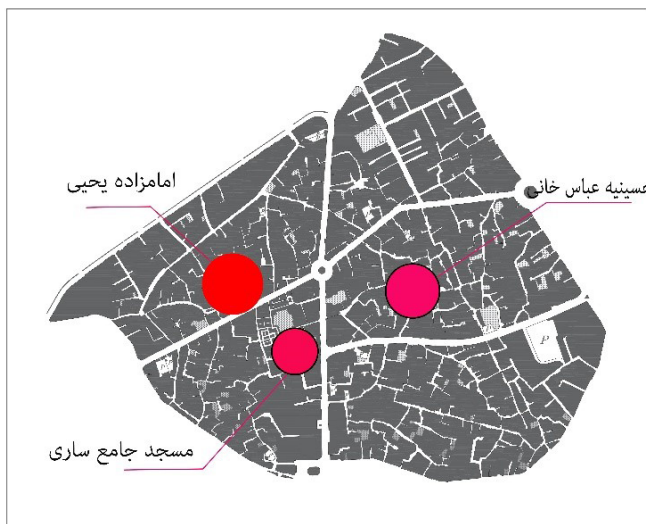
متخصصین مورد راستی آزمایی قرار گرفت و نتایج آن بر اساس جدول هدف -محتوی مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص گردد که آیا عواملی که مورد پرسش بوده‌اند همانهایی هستند که نتایج بدست آمده آن‌ها را تایید می‌کنند یا خیر. بدین ترتیب در این پژوهش به خاطر ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته آن با اطلاعات کیفی، در ابتدا به شناسایی مولفه‌های معنایی موجود در مکان پرداخته ایم. اطلاعات مربوط به عنوان متغیرهای قابل بررسی در موضوع پژوهش نیاز به توصیف و تشریح از دیدگاه هنجاری داشت و با توجه به فرضیه‌هایی که در این زمینه مطرح بوده، به سراغ روشهایی از پژوهش رفته ایم که به ما در فهم بیشتر انتظام معنا و ارتباط میان مولفه‌های معنایی کمک می‌کند.

در خصوص اینکه چگونه محیط ساخته شده بر سازماندهی فعالیتها تاثیر می‌گذارد دو دیدگاه غالب است: اول اینکه ویژگیهای محیط با فراهم کردن فرصت برای ایجاد ارتباط میان افراد می‌تواند بر شکل گیری تعاملات موثر باشند و دیدگاه دوم اینست که ویژگیهای محیط ساخته شده بر اساس معانی آن برای گروه‌های مختلف قومی باعث ایجاد تعاملات می‌گردد. بعنوان مثال روابط حسنه با همسایگان و رعایت حقوق آنان از جمله ارزش‌های اسلامی محسوب می‌گردد. همسایگی صرفا به معنای مجاورت یا همزیستی نیست، بلکه در معنایی بالاتر همسایگان حامی و پشتیبان یکدیگر هستند (سالاری پور و دیگران، ۱۳۹۷). بر اساس "نظریه غایت- ابزار" و "مدل ساختار معنایی" «در روابط بین مردم و محیط سه نوع معنا را می‌توان در نظر گرفت» (کولن، ۲۰۱۱). نخست آن معنایی است که از ارتباط فعالیت‌ها با خصوصیات خاص قرارگاه حاصل می‌شود؛ این نوع معنا قابلیت نامیده می‌شود. برای مثال نشستن در پارک زیر سایه درخت لذت فراهم می‌کند. دومین معنا معنایی است که به فعالیت الحاق می‌شود. برای مثال خوردن غذا همراه با دوستان به معنای تقسیم کردن چیزی بین خود و دیگران است. سومین مورد معنایی است که به خصوصیات الحاق می‌شود. برای مثال داشتن یک باغ به افراد لذت از طبیعت می‌دهد. با بررسی زنجیره از سوالات "انجام چه فعالیت‌هایی در کوچه و محیط پیرامونی اهمیت دارد" و "انجام این فعالیت‌ها برای آن‌ها چه معنایی دارد"، "انتخاب این کوچه برای سکونت چه دلایلی داشته" و اینکه "چه فضاهایی برای آن‌ها جذابیت بیشتری دارد" و در نهایت اینکه "دلیل جذابیت محیط برای افراد چیست" می‌توان نسبت به معنایی کوچه آگاهی یافت. این روشی است که در مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش پی گرفته شد و نتایج آن در پژوهش نشان داده شده است.

در مرحله بعدی کلیه معانی و مفاهیمی که مرتبط با موضوع بودند در چند دسته بندی کلی قرار گرفتند که در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌اند. دسته بندی این مفاهیم بر اساس ارتباط درونی میان این مفاهیم صورت گرفته است.

جدول شماره ۱: دسته بندی معانی مستخرج از مصاحبه‌ها و منابع اسنادی

| دسته بندی معانی | معانی   |
|-----------------|---|
| معانی اجتماعی   | احترام و تایید اجتماعی-تعلق اجتماعی-روابط اجتماعی-اعتماد اجتماعی-تعاملات اجتماعی-مشارکت اجتماعی-سنت |
| معانی کارکردی   | آشنایی-رفت و آمد-قلمرو-دسترسی-بازی کودکان-سرگرمی-آرامش-تامین نیاز روزمره-زیبایی                     |
| معانی درونی     | آزادی-پیوند عاطفی-خاطره-رضایت درونی-سربلندی-افتخار  |



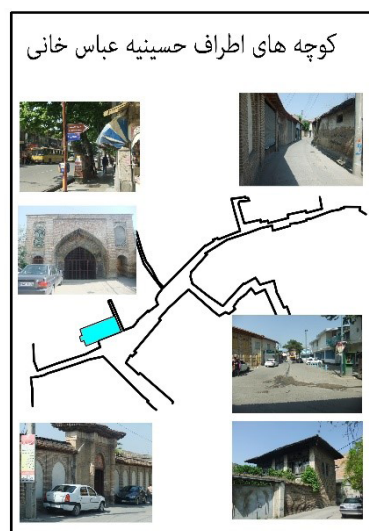
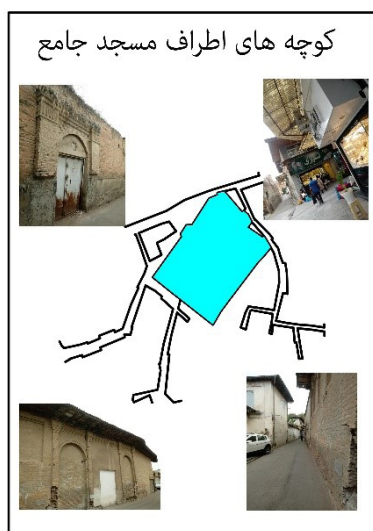
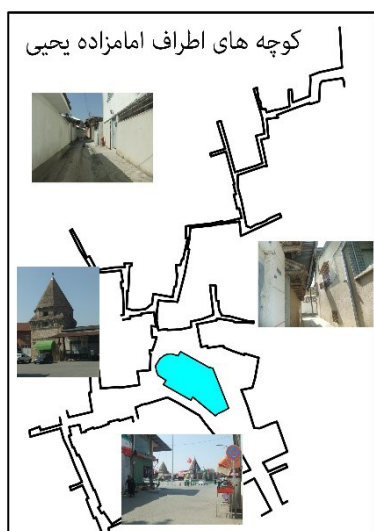
نقشه شماره ۱: موقعیت کوچه‌های مورد بررسی در بافت هسته تاریخی

در کنار این کوچه‌های تاریخی بناهای شاخص و مهمی نیز وجود دارند که هر یک از اهمیت خاصی برخوردار هستند و از جاذبه‌های گردشگری منطقه به شمار می‌روند و می‌توان آن‌ها را جزء سرمایه‌های فرهنگی ملموس منطقه دسته بندی کرد. این بناها بخصوص بناهای مذهبی مرکز بسیاری از فعالیت‌های عمومی و اجتماعی بشمار می‌روند و اهالی در بسیاری از مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره نموده‌اند. بناهای مذهبی همچون امامزاده عباس، امامزاده یحیی و امامزاده زین العابدین که جایگاه مهمی در فرهنگ ایرانی-اسلامی مردم بومی منطقه دارند و نیز تکایا و مساجدی همچون مسجد جامع ساری، تکیه اصفهانی‌ها و حسینیه عباس خانی که نقش پر رنگی در مرکزیت فعالیت‌های مذهبی دارند از جمله آنهاست که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. ترکیب فعالیت‌های مذهبی با فرهنگ و سنت جاری در این ناحیه به گونه‌ای است که تفکیک آن‌ها از یکدیگر بسیار مشکل است.

این معانی در تهیه پرسشنامه نهایی مورد استفاده قرار گرفت و در بین جمعیت آماری پژوهش توزیع و نتایج جمع‌آوری شد. این نتایج در نرم افزار Spss وارد شد و در تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت.

### تحلیل داده‌های کیفی پژوهش

به منظور شناخت دقیق‌تر محدوده پژوهش سه محدوده در بافت هسته تاریخی با مرکزیت سه مکان مذهبی شاخص در بافت انتخاب گردید و فعالیت‌های مردم در این محدوده‌ها در طی زمان پژوهش که بیش از یکسال بطول انجامید با تکنیک عکس برداری ثبت گردید. محدوده‌های پژوهش شامل کوچه‌های اطراف مسجد جامع ساری، کوچه‌های اطراف امامزاده یحیی و کوچه‌های اطراف حسینیه عباس خانی در محور کلبادی بوده‌اند. نقشه شماره ۱ موقعیت مکانی این مکانها را در بافت تاریخی شهر ساری نشان می‌دهد و در نقشه شماره ۲ وضعیت این بافتها به تصویر کشیده شده است.



نقشه شماره ۲: محدوده کوچه‌های مورد بررسی





تصویر شماره ۱: امامزاده یحیی، مسجد جامع ساری و حسینیه عباس خانی

جدول شماره ۲: نتایج مشاهده مستقیم فعالیت ها از فروردین ۹۷ تا دی ۱۳۹۹

|   |  |    |  |   |    |
|---|--|----|--|---|----|
|    | صحت با همسایه ها<br>(همنوع دوستی)            | ۲  |    | سلام و علیک با همسایه ها<br>(کسب احترام متقابل) | ۱  |
|   | ایستادن در صف<br>نانوایی<br>(فعالیت اشتراکی) | ۴  |   | خرید از مغازه<br>(تامین نیاز روزمره)            | ۳  |
|  | نظافت کوچه<br>(وظیفه اجتماعی)                | ۶  |  | ایستادن سر کوچه<br>(اعلام حضور)                 | ۵  |
|  | کاشت درخت و گل<br>(اعلام حضور-لذت)           | ۸  |  | نظافت جلوی خانه<br>(وظیفه اجتماعی)              | ۷  |
|  | دستفروشی<br>(تامین نیاز-فعالیت روزمره)       | ۱۰ |  | ایباری و نگهداری گیاهان<br>(نزدیکی به طبیعت)    | ۹  |
|  | مراسم تاسوعا و عاشورا<br>(سنت)               | ۱۲ |  | بازی بچه ها<br>(لذت-یادگیری اجتماعی)            | ۱۱ |

|   |  |    |   |   |    |
|---|--|----|---|---|----|
|  | مراسم چهارشنبه سوری<br>(حضور - همراهی)   | ۱۴ |   | مراسم نیمه شعبان<br>(سنت-فعالیت<br>اجتماعی) | ۱۳ |
|  | تشییع جنازه<br>(سنت - فعالیت<br>اجتماعی) | ۱۶ |   | استقبال از حاجی<br>(سنت-فعالیت<br>اجتماعی)  | ۱۵ |
|  | بدرقه مسافر<br>(سنت - همراهی)            | ۱۸ |   | مراسم ختم<br>(سنت-همدلی)                    | ۱۷ |
|   |  |    |  | نذری دادن<br>(سنت-فعالیت<br>اجتماعی)        | ۱۹ |

### تحلیل یافته ها

از آنجا که در این پژوهش سوالات متعددی مطرح بود روش تحلیل عاملی اکتشافی برای طبقه بندی و ساختاردهی متغیرها مورد استفاده قرار گرفت. در تحلیل عاملی هدف اصلی پژوهش اینست که تعداد به نسبت کوچکی از موضوعات، ابعاد، مولفه ها یا عوامل زیربنایی مجموعه نسبت به بقیه متغیرها مورد شناسایی قرار گیرد (میرز و همکاران، ۲۰۰۳). به همین جهت فرایند پژوهش تحلیل عاملی در دو مرحله انجام شد. ابتدا، همه متغیرها در تحلیل عاملی بصورت همزمان وارد شدند. پس از آنکه بر اساس تحلیل صورت گرفته (جدول شماره ۳) کفایت داده های آماری مورد تایید قرار گرفت مرحله بعدی پژوهش انجام شد.

#### جدول شماره ۳: کمیته KMO و آزمون کرویت بارتلت

| مقادیر شاخص  |               |
|--------------|---------------|
| شاخص KMO     | ۰,۷۷۶         |
| آزمون بارتلت | کای دو        |
|              | درجه آزادی    |
|              | سطح معنی داری |
|              | ۸۲۳۳,۲        |
|              | ۱۴۸۵          |
|              | ۰,۰۰۰         |

نتایج شاخص KMO (۰,۷۷۶) و معنی داری آزمون بارتلت (۰,۰۰۰) برای تحلیل انجام شده، حاکی از این است که کفایت داده ها در مورد سنجش سازه مورد نظر تامین شده است.

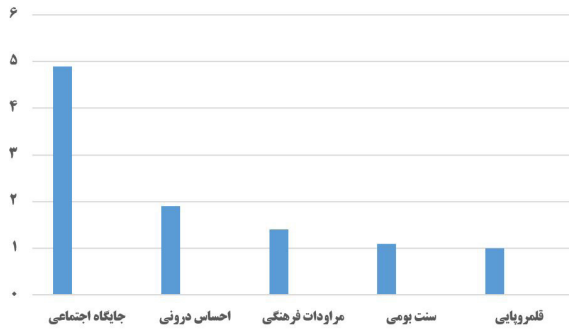
با توجه به تعداد بالای سوالات، در این جدول تنها عواملی که مقدار ویژه آن ها بالاتر از یک هستند، گزارش شده اند. تعداد ۱۶ عامل اصلی در این متغیرها استخراج گردیده است که مقدار ویژه آن ها بالاتر از یک است. این ۱۷ مولفه در مجموع ۶۶,۰۰ درصد از کل تغییرات واریانس متغیرها را تبیین کرده اند.

به منظور تحلیل دقیق فعالیت ها در جامعه آماری یک پرسشنامه با ۵۶ سوال طراحی و توزیع گردید. تعداد ۳۸۴ پاسخنامه جمع آوری و نتایج آن پیاده گردید. تحلیل داده ها نشان داد که در میان گویه ها ۱۷ مورد دارای بار معنایی قابل قبول هستند. در تحلیل عاملی با تعداد بالای متغیرها که حول یک مفهوم مرکزی پرسیده شده اند، قاعدتا باید اکثر متغیرها ذیل یک مولفه اصلی قرار گیرند. در این پژوهش نیز چنان که در جدول فوق مشخص است، اکثر متغیرها ذیل مولفه اصلی طبقه بندی شده اند و بقیه مولفه ها با سوالات کمتری نمایندگی شده اند. بنابراین برای بهبود سطح تحلیل، بر اساس نقطه برش مولفه اصلی، سوالات به دو گروه تقسیم شده و در داخل هر کدام از گروه ها در گام دوم اقدام به تحلیل عاملی مجدد شده است. بر اساس این راهبرد دو مرحله ای، ۱۷ مولفه مستخرج در گام اول، به صورت مشخص تر و متوازن تری نمایان شده اند و برای تحلیل از استحکام مناسب تری برخوردار هستند.



جدول شماره ۴: واریانس تبیین شده کل

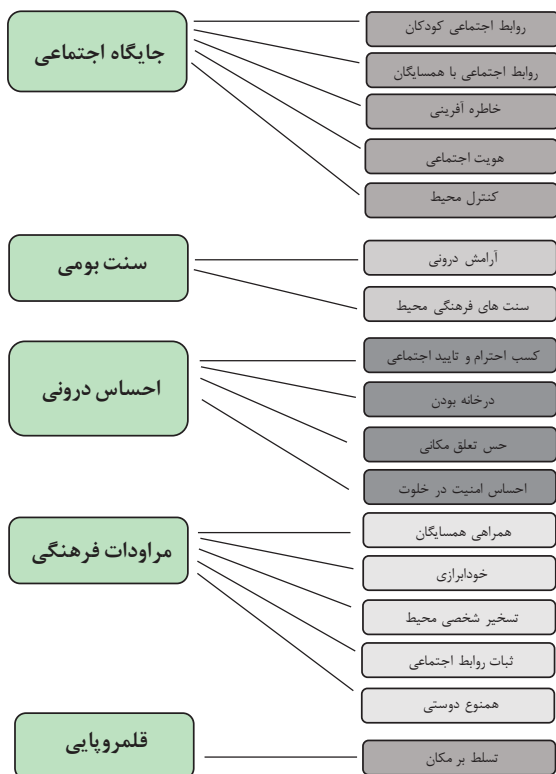
| مولفه | کل    | درصد واریانس | درصد جمعی |
|-------|-------|--------------|-----------|
| ۱     | ۹,۳۱۲ | ۱۶,۹۳۱       | ۱۶,۹۳۱    |
| ۲     | ۳,۹۳۷ | ۷,۱۵۷        | ۲۴,۰۸۹    |
| ۳     | ۲,۵۶۶ | ۴,۶۶۶        | ۲۸,۷۵۵    |
| ۴     | ۲,۲۵۲ | ۴,۰۹۴        | ۳۲,۸۴۸    |
| ۵     | ۲,۱۳۲ | ۳,۸۷۶        | ۳۶,۷۲۴    |
| ۶     | ۱,۹۲۱ | ۳,۴۹۲        | ۴۰,۲۱۷    |
| ۷     | ۱,۸۱۱ | ۳,۲۹۲        | ۴۳,۵۰۹    |
| ۸     | ۱,۶۳۵ | ۲,۹۷۲        | ۴۶,۴۸۱    |
| ۹     | ۱,۴۵۱ | ۲,۶۳۸        | ۴۹,۱۱۹    |
| ۱۰    | ۱,۳۸۲ | ۲,۵۱۲        | ۵۱,۶۳۱    |
| ۱۱    | ۱,۳۴۷ | ۲,۴۴۹        | ۵۴,۰۸۰    |
| ۱۲    | ۱,۱۶۸ | ۲,۱۲۴        | ۵۶,۲۰۴    |
| ۱۳    | ۱,۱۶۲ | ۲,۱۱۲        | ۵۸,۳۱۶    |
| ۱۴    | ۱,۱۲۱ | ۲,۰۳۹        | ۶۰,۳۵۵    |
| ۱۵    | ۱,۰۷۹ | ۱,۹۶۲        | ۶۲,۳۱۷    |
| ۱۶    | ۱,۰۴۱ | ۱,۸۹۳        | ۶۴,۲۱۰    |
| ۱۷    | ۱,۰۰۰ | ۱,۴۲۱        | ۶۶,۰۰۰    |



نمودار شماره ۲: نمودار منظومه‌های معنایی پنهان کوچه

### یافته‌های پژوهش

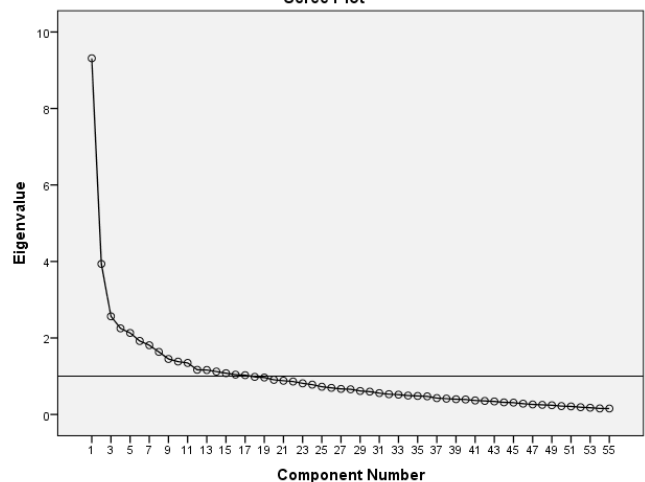
نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از عوامل معنایی تشکیل دهنده شبکه معنایی کوچه در فعالیت‌های رفتاری‌ای ریشه دارند که خود یا ریشه در مذهب دارند و یا حداقل مورد تایید تفکر مذهبی هستند. نتایج پژوهش بر وجود ۱۷ عامل اصلی دلالت دارند که عمده‌ترین عوامل می‌باشند. این عوامل به شرح نمودار ذیل می‌باشند. با توجه به اطلاعات مندرج در مقاله برخی از این مولفه‌ها دارای ارتباطی متقابل با یکدیگر هستند.



نمودار شماره ۳: مدل ارتباط مولفه‌های معنایی کوچه

با توجه به ماهیت اکتشافی این پژوهش و تلاش در راستای تدوین مدل روابط متغیرها، بهترین شیوه برای دستیابی به نظام روابط متغیرها، بهره‌گیری از یافته‌های تحلیل عاملی در بخش قبلی و تدوین مدل‌های اندازه‌گیری است. در نهایت پس از انجام همه مراحل فوق مدل پژوهش حاضر که مستخرج از نتایج تجلیل عاملی در بخش قبلی است، شامل پنج عامل پنهان و ۱۷ متغیر به شرح مدل مفهومی در نمودار ۴ ارائه گردیده است.

Scree Plot

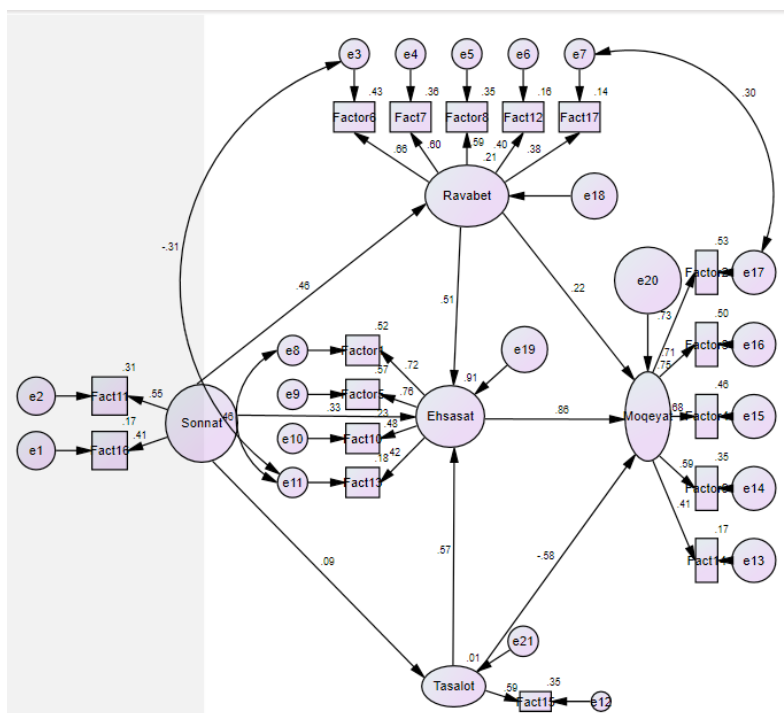


نمودار شماره ۱: نمودار اسکریپال مولفه‌های معنایی کوچه

### تحلیل شبکه ارتباطی متغیرهای تحقیق و عوامل اکتشافی

این نتایج از نظر روابط درونی مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که در بین این هفده عامل ۴ منظومه معنایی پنهان وجود دارد که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.





نمودار شماره ۴: مدل پژوهش بر اساس ضرایب استاندارد رگرسیونی

ترکیب شده و مجدداً در شکل محیط باز تولید می‌شود و در طول زمان تجلی کالبدی می‌یابد. به همین جهت به نظر می‌رسد دلیل جذابیت محیط برای تداوم سکونت تطبیق آن با شبکه معانی ذهنی افراد باشد. چرا که آنچه در روابط اجتماعی بدنبال آن هستند را در این محیط به آسانی بدست می‌آورند. این امر تاییدی است بر تاثیر تفکر و اندیشه مردم بر ساختار شهر. از آنجا که بخش عمده مفاهیم اجتماعی و فرهنگی برگرفته یا در ارتباط با آرا و اندیشه‌های ایرانی-اسلامی می‌باشد به همین جهت در بسیاری پژوهش‌ها مولفه‌ها با یکدیگر همسو خواهند بود. هرچند ممکن است در بسیاری موارد تجلیات کالبدی بر جای مانده با آن شکل آرمانی جامعه اسلامی در تطابق نباشد اما همواره می‌توان نشانه‌هایی از این رویکرد بسوی آن مفاهیم نمادین را در کوچه پس کوچه‌های بافت‌های تاریخی شهرهای ایران مشاهده کرد. توجه به این نکته نیز لازم است که بسیاری از شاخص‌های اسلامی اصولاً مفاهیمی درونی هستند و قابلیت کمی سازی ندارند.

### فهرست منابع و مراجع

- آلمن، اروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات ۲.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵)، کند و کاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲، ۱۴-۵.
- سالاری پور، علی اکبر؛ رضایی، حمیدرضا؛ زالی، نادر و مریم صفای کارپور (۱۳۹۷)، «بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان - مطالعه موردی: محله ساغریسان شهر رشت»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، ۳۵-۴۶.

نمودار فوق مدل پژوهش بر اساس ضرایب استاندارد رگرسیونی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل مشاهده می‌شود قوی‌ترین رابطه ساختاری بین سازه تسلط بر مکان و احساسات درونی فردی با میزان ۰٫۶۳ قابل مشاهده است. رابطه هر سه متغیر واسطه با متغیر وابسته (جایگاه اجتماعی) معنی دار شده است.

بر اساس داده‌های بدست آمده پس از محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر جایگاه اجتماعی فرد در جامعه، متغیر احساسات درونی با شدت رابطه ۰٫۸۵۸ بالاترین اثر مستقیم را داشته است. اثر مستقیم مراودات فرهنگی برابر با ۰٫۲۲۴ شده است و متغیر قلمروپایی نیز با مقدار رابطه ۰٫۵۷۹- تأثیری قوی و منفی بر متغیر جایگاه اجتماعی فرد در جامعه دارد. بررسی اثرات غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر ابعاد جایگاه اجتماعی فرد در جامعه نشان می‌دهد سازه تسلط بر مکان بر جایگاه اجتماعی فرد در جامعه تأثیر منفی دارد. قوی‌ترین اثرات غیر مستقیم بر ابعاد متغیر جایگاه اجتماعی فرد در جامعه مربوط به متغیر احساسات درونی است.

### نتیجه گیری

در پایان از مجموع یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که مولفه‌های تشکیل دهنده شبکه معنایی کوچه در مناطق مختلف کم و بیش بر یک ساختار واحد تکیه دارد. در این ساختار معانی از فعالیت‌های رفتاری و شکل کالبدی فضاهای عمومی (کوچه در این پژوهش) منتج می‌گردد. این مولفه‌های معنایی در ترکیب پیچیده‌ای با یکدیگر شبکه معنایی کوچه را پدید می‌آورند که در ذهن کاربران فضا ثبت می‌گردد. این ساختار ذهنی در طول نسل‌های مختلف با مفاهیم اجتماعی و فرهنگی

25. Kaufman, S. (1986), *The Ageless Self: Sources of Meaning in Late Life*. University of Wisconsin, Madison.
26. Marcus, C. C. (1995), *House as a mirror of self. Exploring the deeper meaning of home*. Berkeley, CA: Conari Press.
27. Myers J. N. , Myers L. A. and Omer C. T. (2003), "Exploring the Term of the Auditorclient relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?," *The Accounting Review*, Vol. 78, Issue 3, 779-799.
28. Rapoport, Amos (1982), *The Meaning of Built Environment*.
29. Relph, Edward, (1976), *Place and Placelessness*. London: Pion.
30. Sennett R (1990), *The Conscience of the Eye*. New York: Norton & Company.
31. Shamai, Shmuel (1991), "Sense of Place: An Empirical Measurement", *Geoforum*, vol. 22, no 3, 347-358
32. Sime. D. Jonathan (1986), "Creating places or designing spaces", *Journal of Environmental Psychology*, vol 6, 49-63.
33. Tuan, Yi-Fu, (1975), "Place; An Experiential Perspective", *Geographical Review*, vol 65, no. 2, 151-165.
34. Zingmark, K, Norberg, A. , & Sandman, P. o. (1995), "The experience of being at home throughout the life span. Investigation of persons aged from 2 to 102", *International Journal of Aging and Human Development*, 41(1), 47-62.
۴. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۳۹۳)، **روش های تحقیق در علوم رفتاری**، نشر آگه، تهران.
۵. سعدوندی، مهدی و محمد مهوش (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی شاخص سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره ۲۱، ۴۷-۵۶.
۶. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۲)، **روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران**، انتشارات آگه، تهران.
۷. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۶، ۶۶-۵۷.
۸. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۴)، **اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت های مسکونی**، انتشارات روزنه.
۹. قاسمی، وحید (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، نمونه موردی اصفهان»، **مطالعات و پژوهش های منطقه های شهری و روستایی**، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۶-۱۱۳.
۱۰. قاضی زاده، سیده ندا (۱۳۹۰)، **حس تعلق در فضای باز مجتمع های مسکونی**، بررسی ارزش های موفق در مجتمع های مسکونی شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۱۱. قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «مفهوم هویت و معماری امروز ایران»، **آیینیه خیال**، شماره ۱۰، ۸۳-۷۸.
۱۲. لیبزاده، راضیه و مهدی حمزه نژاد (۱۳۹۷)، «مدل سازی معنایی در ساختار شهر و بررسی دیدگاه های اسلامی درباره آن»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هشتم، شماره سد و دوم، ص ۴۳-۶۰.
۱۳. نظیف، حسین (۱۳۹۲)، «پایداری اندام های معماری ایرانی در گذار»، **مجله باغ نظر**، سال دهم، شماره ۲۴، ۶۸-۵۷.
۱۴. نقره کار، عبد الحمید (۱۳۹۱)، «تحقیق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، **مطالعات شهر های ایرانی اسلامی**، شماره ۷، ۱۲-۵.
۱۵. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، «رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۷، ۹۱-۷۹.
۱۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، «مدخلی بر تبیین معنای معماری»، **دوفصلنامه مدرس معماری**، دوره ۱ شماره ۱، ۹۵-۸۱.
۱۷. نور تقانی، عبدالمجید (۱۳۹۵)، «ساخت، رواسازی، پایاسازی ابزار رمزگشایی انتظام معنای مسکن ترکمن»، **فصلنامه مسکن و محیط روستا**، دوره ۳۵، شماره ۱۵۶.
18. Alexander. Christopher. (1977), *A Pattern Language, Town, Buildings, Construction*, Oxford University Press.
19. Coolen, Henny. (2011): *The meaning of dwelling features conceptual and methodological issues*, Thesis Delft University of Technology.
20. Després, C. (1991), *The meaning of home: Literature review and directions for future research and theoretical development*. *Journal of Architectural and Planning Research*, 8, 96-155.
21. Gehl, yan. (2008), *Life in the space between the buildings*.
22. Gustufson, per (2001), "Meaning of Place:Everyday Experience and Theoretical Conceptualizations", *Journal of Environmental Psychology*, vol 21, 5-16.
23. Lewicka, Maria.(2011): *Place attachment :How far have we come in the last 40 years?*, *Journal of Environmental Psychology*.
24. Hayward, d. G(1975), *Home as environmental and psychological concept* . *Landscape*, 20, 2-9.





## پژوهشی بر چیستی معماری اسلامی

ستار خالدیان \* (نویسنده مسئول)

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه هنر شیراز

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۰)

### چکیده

معماری اسلامی واژه‌ای پر تکرار در پژوهش‌های پیرامون هنر و تمدن اسلامی است و طیف گسترده‌ای از آثار ساخته شده در قلمرو جهان اسلام را با این کلمه نام‌گذاری کرده‌اند و پژوهشگران مختلفی نیز از گذشته تا به امروز سعی در تعریف و ذکر ویژگی‌های آن نموده‌اند. هر چند در اغلب آنها، نسبتی بین اسلام به عنوان یک دین الهی و معماری برقرار نشده است و صرفاً به ذکر ویژگی‌های ابنیه ساخته شده بعد از اسلام پرداخته شده است. در این مقاله که از لحاظ روش جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است سعی می‌گردد به این سؤالات پاسخ داده شود که معماری اسلامی چیست؟ و زمانی را می‌توان برای آغاز و پایان این شکل از معماری در نظر گرفت. لذا بر اساس استنتاج از آیات قرآنی و تعالیم دینی، معماری اسلامی به گونه‌ای از معماری اطلاق می‌شود که بیش از آنکه در پی شکل و فرم مشخصی باشد، باید در خدمت انسان مسلمان برای رسیدن به کمال بوده و هدف غایی از خلقت انسان را که همانا عبادت الهی است را پیگیری کند. اینگونه از معماری هم‌زمان با بعثت رسول اکرم ص آغاز شده و تا نهایت نیز ادامه پیدا می‌کند و منحصر به منطقه‌ای خاص و زمان مشخصی نیز نخواهد بود.

واژگان کلیدی: اسلام، معماری، معماری اسلامی، معماری مسلمین.

واژه معماری اسلامی برای اولین بار توسط محققین اروپایی مطرح شد و برای معرفی طیف گسترده‌ای از آثار، که در قلمرو جهان اسلام از حدود قرن اول ه. ق تا به قبل از دنیای معاصر پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند به کار گرفته شده است. از قرن بیستم میلادی نیز استعمال این واژه گسترده‌تری یافت و افراد و صاحب نظران گوناگون نیز تعاریف مختلف و ویژگی‌های متفاوتی را برای آن برشمردند. اما متأسفانه در اکثر این تعاریف پیوند میان اسلام به عنوان یک دین و معماری مشخص نشده است و صرفاً سعی شده است با طرح ویژگی‌های ظاهری بناهای ساخته شده بعد از اسلام در خاورمیانه و سایر مناطق تحت نفوذ اسلام به طرح یک سری از شاخص‌ها پرداخته شود که در اغلب موارد اتفاقاً ساخت و شکل یابی آن‌ها با دستورات و شریعت اسلامی سازگاری ندارد. لذا در این مقاله سعی بر آن خواهد بود در ابتدا به تشریح تعاریف اصلی از معماری اسلامی توسط پژوهشگران پرداخته شود. همچنین در راستای دستیابی به تعریف معماری اسلامی لازم دیده شده است بر اساس قرآن و دیگر متون دینی اسلام تعریف شود تا روشن گردد که این واژه به عنوان یک صفت در کنار معماری چه انتظاراتی را ایجاد می‌کند. از دیگر سو چون معماری در خدمت انسان بوده و بدون آن فهم نمی‌شود و نه تنها به لحاظ منشاء، بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است و انسان منشاء، موضوع و هدف آن است و عمده تاثیر اسلام نیز در حوزه معماری بیشتر بر اساس برنامه‌هایی است که برای زندگی بشر دارد. تلاش شده است به واکاوی تعریف انسان از نگاه منابع دینی نیز پرداخته شود. تا بر این اساس راه برای برقراری ارتباط اسلام با معماری بیشتر فراهم گردد و سرانجام به این دو سؤال پاسخ داده شود ۱- معماری اسلامی چیست؟ ۲- نقطه آغاز و پایان معماری اسلامی چه زمانی است؟

### روش تحقیق

این مقاله از لحاظ روش، از جمله تحقیقات توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

### پیشینه پژوهش

از دهه‌های پیش پژوهش پیرامون تمدن اسلامی آغاز شده است و در هنگام مطالعه هنر جوامع اسلامی تاکید ویژه‌ای به معماری اسلامی شده است که بسیاری از این تحقیقات بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و ظاهری آثار معماری موجود در جهان اسلام تاکید دارند و با دسته‌بندی‌های مختلف ذیل حوزه‌های گوناگون تمدنی جهان اسلام و یا دوره‌های مختلف تاریخی به پژوهش در این حوزه پرداخته شده است. از مشهورترین پژوهشگران این عرصه می‌توان به ریچارد اتینگهاوزن و الک گرابار اشاره کرد که در کتابی تحت عنوان هنر و معماری اسلامی ۶۵۰-۱۲۵۰ م در کنار سایر هنرها به معرفی و مطالعه بسیاری از بناهای موجود در جهان اسلام پرداخته‌اند (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲) شیلابلر و

جانانان بلوم نیز در کتابی تحت عنوان هنر و معماری اسلامی در ادامه تحقیقات محققان فوق‌الذکر به معرفی هنر و معماری از قرن ۱۳م تا حدود دوران معاصر توجه نموده‌اند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱) که شایان ذکر است که از محققان فوق‌الذکر پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه منتشر شده است که اکثر آن‌ها نیز بیشتر ویژگی‌های تاریخی و باستان‌شناسی آثار را مورد توجه قرار داده‌اند. هیلند براند نیز در کتابی تحت عنوان معماری اسلامی شکل، کارکرد، معنی با تاکید بر معماری جهان اسلام به معرفی و واکاوی بناهایی از جمله مسجد، آرامگاه، کاخ، کاروانسرا و... پرداخته است. (هیلند براند، ۱۳۸۳) تحقیقات فوق هر چند از منظر تاریخ هنر و معماری اسلامی بسیار ارزشمند هستند اما آنچه‌آنچنان از منظر منابع دینی به معرفی و توصیف معماری اسلامی نپرداخته‌اند. گرابار نیز در آثار متعددی به بحث پیرامون هنر و معماری اسلامی پرداخته است و در یکی از مهمترین تالیفات خود تحت عنوان شکل‌گیری هنر اسلامی تا حدودی مباحثی را پیرامون تعریف اسلامی شدن هنرها آورده است هر چند که وی نیز آنچه‌آنچنان به منابع دینی رجوع نمی‌کند. (گرابار، ۱۳۷۹) چنین رویکردی را می‌توان در تعداد زیادی از پژوهش‌های مختلف دیگر نیز مشاهده کرد که بیشتر بر جنبه‌های تکنیکی و ظاهری آثار به جایی مانده از تمدن اسلامی در کشورهای مختلف تاکید دارند. تعدادی دیگر از پژوهشگران سعی کرده‌اند تا حدی به چستی و مفهوم معماری اسلامی بپردازند که از جمله آنان به می‌توان به گروبه اشاره کرد. (Grube, 1978) تعدادی دیگر از محققین نیز در کتابی تحت عنوان فهم معماری اسلامی از جنبه‌های گوناگون به معماری اسلامی پرداخته‌اند. در این کتاب که چندین مقاله از پژوهشگران در آن به چاپ رسیده است به مقولاتی از قبل سنت معماری اسلامی و معماری در جامعه اسلامی حال حاضر پرداخته شده است. هر چند این کتاب نیز بسیار چشمگیر بوده و مقالات ارزشمندی پیرامون معماری اسلامی دارد اما در آن آنچه‌آنچنان به بحث چستی معماری اسلامی با تاکید بر منابع دینی نپرداخته شده است. (petruccioli, 2002) مرآتادا نیز در کتابی تحت عنوان اصول سنتی اسلامی محیط‌های ساخته شده، سعی داشته است به مطالعه معماری و شهرسازی تاریخی جهان اسلام بپردازد. هر چند وی تلاش نموده با رجوع به برخی آیات و روایات تا حدودی به تحلیل فضاهای معماری و شهرسازی جهان اسلام بپردازد ولی آنچه‌آنچنان تعریف و درک درستی از چستی معماری اسلامی به دست نمی‌دهد. (Mortada, 2003) یاسین و اتابرا نیز از جمله افرادی هستند که در مقاله‌ای تحت عنوان معماری در تمدن اسلامی به بحث پیرامون آن پرداخته‌اند و برخی ویژگی‌ها نیز برای آن بر شمرده‌اند. (Yassin & Utaberta, 2012) ربت نیز به عنوان یکی از محققان عرصه معماری اسلامی سعی نموده به بحث‌های نظری پیرامون معماری اسلامی بپردازد و دامنه نگاه خود را به دنیای معاصر نیز گسترش داده است. البته وی نیز با رویکرد مورد نظر این مقاله پیش نرفته است. (Rabbat, 2012)

در ایران نیز محققان مختلفی به بحث پیرامون معماری و شهرسازی اسلامی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به نقره کار اشاره نمود که در تالیفات مختلف خود سعی نموده است از منظرهای گوناگونی چون هویت اسلامی در معماری (نقره کار و رئیس، ۱۳۹۱) معنا شناسی و... به این موضوع بپردازد. همچنین ایشان تلاش داشته‌اند تا بر اساس برخی متون اسلامی به بازخوانی معماری بپردازد. تا آنجا که وی معماری اسلامی را در راستای رجوع و بازگشت به سنت‌ها نمی‌داند و به بی‌زمانی و مکانی بودن اصول اشاره دارد. (نقره کار و دیگران، ۱۳۹۷) (نقره کار، ۱۳۹۴) در این میان افراد دیگری نیز سعی داشته‌اند به بررسی اصول فقهی با تاکید بر معماری به ویژه مسکن بپردازند. (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۲) یا برخی دیگر نیز سعی نموده‌اند در جهت به روز آمدی معماری اسلامی سعی در آسیب شناسی شاخص سازی بنمایند. (سعدوندی و مهوش، ۱۳۹۴)

### چیستی معماری

تعاریف مختلف و گوناگونی برای معماری ارائه شده است که از آن جمله در دایره المعارف بریتانیکا معماری را هنر و روش طراحی و ساخت معرفی کرده‌اند که هم در خدمت اهداف سودمندانه است و هم زیبایی شناسی. (بریتانیکا) گالوانو دلالوپه نیز در تعریف معماری چنین آورده است: معماری بیان ایده‌ها و ارزش‌ها بوسیله منظومه‌ای از عناصر بصری است. (فلامکی، ۱۳۸۱: ۱۸۱) کورت نیز معماری را بیان یک اندیشه ذهنی از طریق فرم ظاهری خود و نمودی برای بخش فرهنگ می‌داند. (کورت گروت، ۱۳۸۳: ۵۶) فیشر نیز به نقل از ادوارد وینترز آورده است: معماری هنری انتقادی است که به تعهد خالق آن وابسته است در محیطی که ممکن است سایر شکل‌های هنری وضعیت بی طرف خالق اثر را تاب آورند. (فیشر، ۱۳۹۸: ۲۳) حائری نیز معماری را عرصه‌ای از توانایی بشر می‌داند که در طول تاریخ به همراه ساخته شدن، خلق و کشف شده و آن توانایی از طریق نظم دهی خلاق فضا، عاید شده است. (حائری، ۱۳۸۸: ۱۸)

### مروری بر پیدایش واژه معماری اسلامی

شاید بتوان اولین حوزه مناقشه برانگیز در عرصه مطالعات معماری تاریخی سرزمین‌های اسلامی را انتخاب یک عنوان برشمرد. تا آنجا که بعد از حضور اروپاییان در سرزمین‌های تحت نفوذ مسلمانان از جنوب اسپانیا، آفریقا، هند و... آنان با شهرها، ابنیه تاریخی و آثار فرهنگی مواجه شدند که برای آن‌ها تازگی داشت و در ابتدا شروع به منتشر نمودن تصاویر و پلان‌ها و نقشه‌های آن‌ها بدون تحلیل و ارزیابی دقیق نمودند. (Rabbat, 2012: 1) در اوایل قرن نوزدهم این باور وجود داشت که هنر و معماری مظهر و تجسم روح اعصار تاریخی گذشته است و تفاوت‌های بین نژادها و فرهنگ‌ها را منعکس می‌کند. اما دانش تاریخی هنر و معماری اسلامی در آن زمان هنوز ناقص و ابتدایی بود و عموماً اعتقاد بر این بود که در عربستان (محل ظهور دین اسلام) سنت‌های هنری بی اهمیت و بی مقدار بوده

است. اما پس از گذشت سه قرن از توسعه اسلام که سنت‌های یونانی و ایرانی در هم آمیختند، معماری اسلامی به منزله سبکی متمایز پدیدار شده است. (ورنویت، ۱۳۸۵: ۳۶) در قرن نوزدهم اصطلاحات فراگیری چون اسلامی، شرقی، مراکشی، ساراکسون، محمدی و مسلمان، به جای عناوین جغرافیایی یا نژادی مثل هندی، ایرانی، ترکی، عربی که پیشتر به سبک‌های متمایز اطلاق می‌شد، قرار گرفت و در سده بیستم نیز سنت یک هنر اسلامی با توجه به حمایت یک منطقه یا مذهب از آن هنر، محل بررسی و بحث قرار گرفت. (بلر و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۹۴) (همچنین رک هیلند براند، ۱۳۸۳) (Rabbat, 2012: 2) لذا از آن زمان تا کنون به فراوانی واژه‌های هنر اسلامی و معماری اسلامی در پژوهش‌های مربوط به مطالعه و واکاوی آثار تاریخی کشورهای مسلمان مورد استفاده قرار گرفته است و تعریف‌های گوناگونی برای آن مطرح شده است که از مهمترین آنها، تعریف گرابار است. که در این زمینه معتقد است صفت اسلامی که در دنیای تاریخ هنر متداول است، حاکی از دلالت این صفت بر فرهنگ و تمدنی است که اکثر مردم یا دست کم حاکم آن، متشرع به دین اسلام بوده است. بدین ترتیب هنر اسلامی نوعاً با هنر چینی، هنر اسپانیایی فرق می‌کند، زیرا هیچ سرزمینی یا ملتی که کاملاً اسلامی بوده باشد وجود نداشته است. در این صورت اگر هنری به اسم هنر اسلامی وجود داشته است عبارت خواهد بود از هنری که بر سنن قومی یا جغرافیایی استیلا یافته و آن‌ها را دگرگون کرده است و یا هنری که نوعی همزیستی خاص میان شیوه‌های رفتار و بیان هنری پان اسلامی و محلی پدید آورد. در هر صورت اصطلاح اسلامی شبیه به اصطلاحات گوتیک و باروک خواهد بود و بیانگر مقطع فرهنگی کم و بیش موفق در تاریخ بلند سنن بومی می‌باشد. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲) وی همچنین باور دارد: هنر اسلامی به روشی ویژه یا منشوری نورشکن و تغییر شکل دهنده می‌ماند که برخی از نیروها و سنت‌های محلی را گاه به طور موقت و گاه برای ابد تغییر شکل داده است. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲) هیلند براند نیز از فوائد استفاده از واژه معماری اسلامی چنین آورده است: فایده استفاده از این واژه در آن است که به یک نسبت هم اشاره به فرهنگ دارد - فرهنگی که به اندازه فرهنگ اروپای غربی مستقل است و هم اشاره به اعتقاد می‌کند. همین اصطلاح اسلامی به عنوان یک واژه توصیفی به میزان زیادی مفیدتر و گویا تر از واژه مسیحی است. (هیلند براند، ۱۳۸۳: ۹) اتینگهاوزن نیز در این زمینه چنین نوشته است: وقتی به هنر، تعبیر اسلامی اطلاق می‌شود به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند و یا در فرهنگ‌ها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند. اما تعبیر اسلامی بر خلاف تعبیر مسیحی، نه تنها به یک دین که به یک فرهنگ عمومی هم اطلاق می‌شود، زیرا در اسلام جدایی دین از دولت حتی به گونه نظری، معنا و مفهومی ندارد. افزون بر این، دین اسلام بر خلاف مسیحیت در آغاز به وسیله افرادی محدود گسترش نیافت بلکه با



ایجاد دولتی عظیم که پیروانش با آن بیگانه بودند، توانست بر شمار پیروان خود بیفزاید و به تدریج خصیصه‌های فکری و هنری خویش را دامنه بخشید و پس از چند سده تبدیل به امپراتوری شکوفایی شود و از این رهگذر هنر و فلسفه و آموزه‌های اجتماعی خاص خود را پدید آورد. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲: ۱) گروپ نیز در مقاله‌ای پیرامون معماری اسلامی، پس از طرح چند سوال از قبیل اینکه آیا معماری اسلامی وجود دارد؟ آیا منظور ما معماری ساخته شده توسط مسلمانان برای خدمت به اسلام است؟ به طرح برخی ویژگی‌ها از معماری اسلامی می‌پردازد. وی درونگرایی را به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی معماری در نظر می‌گیرد و همچنین به این نکته اشاره می‌کند که به ندرت می‌توان بر اساس نمای بیرونی بناها در معماری اسلامی به کارکرد بناها پی برد. ایشان همچنین ذکر می‌کند بنای اسلامی به طور خودکار، عملکردی را که بر عهده دارد آشکار نمی‌کند و نیازی نیست که برای یک هدف خاص طراحی شده باشد. اما در بیشتر موارد یک طرح انتزاعی و کامل است که می‌تواند برای انواع مختلفی از عملکردها بدون هیچ مشکلی استفاده شود. (Grube, 1978:10-12) از نظر ریت برخی نیز آثار معماری اسلامی را به عنوان سنتی از گذشته نگاه می‌کردند که با شروع استعمار و دو پدیده همزمان آن، غرب زدگی و نوسازی، خلاقیت خود را متوقف کرده بود و درجه‌ای از ناسازگاری بین معماری به اصطلاح اسلامی و مدرنیسم به وجود آمد و هنگامی که معماری مدرن رسید، بلافاصله جای معماری سنتی را گرفت. بنابراین مطالعه آن به شدت مورد نیاز است (Rabbat, 2012: 3) یاسین نیز مشکل اصلی نظریه پردازی در عرصه معماری اسلامی را تحت تاثیر اندیشه‌های غربی می‌داند و افکار و کلیشه سازی‌های آنان را منجر به شکست پایه‌های معماری اسلامی مطرح می‌کند. (Yasin & Utaberta, 2012: 52) وی همچنین معتقد است معماری اسلامی صرفاً استانداردها و فرم‌ها و الگوهای معین و اعمال شده در کشورهای اسلامی نیست. (Ibid: 53) اما در این میان باید دومین موضوع بحث انگیز در حوزه اینگونه از معماری را در چارچوب زمانی آن در نظر گرفت. گرابار تاریخ آغاز شکل‌گیری معماری اسلامی را سال‌های بین ۶۳۴ م به بعد و همزمان با فتوحات اعراب مسلمان می‌داند. البته ایشان این تاریخ را در سرزمین‌های مختلف متفاوت می‌داند و باور دارد این تاریخ در هند و آفریقا دارای زمان‌های مختلفی است. هر چند که ایشان در ادامه این حقیقت را مطرح می‌کند که تسخیر شدن یک منطقه و قرارگیری به عنوان بخشی از امپراتوری اسلامی همواره بدان معنی نیست که تمام بیان هنری یا فرهنگ مادی آن‌ها بتواند به طور مقتضی اسلامی پنداشته شود. (گرابار، ۱۳۷۹: ۸-۱۰) اعتقاد به این موضوع که معماری اسلامی زمان و مکان‌های مختلف را در بر می‌گیرد توسط یاسین نیز مطرح شده است (Yasin & Utaberta, 2012: 53) پترسون نیز در کتاب فرهنگ لغت معماری اسلامی محدوده وجود آثار اسلامی را خاورمیانه،

شمال، شرق و غرب آفریقا، جنوب شرقی آسیا و هند بر می‌شمرد (Peterson, 1996: 1) اتینگهاوزن نیز معتقد است ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به تدریج و گام به گام با سنت‌هایی نبوده است که در مناطق گشوده شده وجود داشت، بلکه روند آن شتاب آمیز و همچون ظهور خود دین و دولت اسلامی، ناگهانی رخ داده است؛ زیرا همه آنچه بر شکل‌گیری و تزئین عمارات صدر اسلام تاثیر گذار است، خاص مسلمانان بوده و این تاثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که در پیش از اسلام بدان شکل و صورت وجود نداشت. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۲: ۳) برخی چون ناصر ریت نیز این باور هستند که "معماری اسلامی" به معماری سرزمین وسیعی تبدیل شده و در برگیرنده دوره‌های صعود و تسلط اسلامی از تقریباً اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن هجدهم میلادی است. اما در کنار تعیین تاریخ و حوزه گسترش معماری به اصطلاح اسلامی، برخی به دنبال ارائه شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن برآمدند. تا آنجا که برخی معتقد بودند هنر و معماری اسلامی به آسانی فقط با استفاده از روش بصری قابل شناسایی است (Rabbat, 2012: 3) وی همچنین به نقل از الگ گرابار آورده است که معماری اسلامی، معماری ساخته شده توسط مسلمانان، برای مسلمانان، یا در یک کشور اسلامی یا در مکان‌هایی است که مسلمانان فرصتی برای بیان فرهنگ خود دارند. بر این اساس پژوهشگران مطالعات معماری اسلامی امکان تحقیق بر سرزمین‌های وسیع، سنت‌های هنری گسترده و فراتر از تقسیمات مذهبی و فرهنگی در دوره‌های مختلف را دارند (Rabbat, 2012: 4).

## اسلام در قرآن

برای درک و تعریف معماری اسلامی لازم است در ابتدا اسلام تشریح گردد تا بعداً بتوان بر آن اساس پیوند میان این دین و معماری را برقرار کرد. واژه اسلام از سلم به معنای درستی و تندرستی و آسایش گرفته شده است. همچنین سلامه نیز به معنی ایمنی از آفت و آزار است (رک ابن فارس، ۱۴۰۴) در قرآن نیز این واژه در آیات مختلفی آمده است و دارای معانی چون سرسپردگی (سوره بقره آیه ۱۲) تسلیم شدن (آیه ۱۳۱ سوره بقره) در برابر خداست. زمانی نیز به معنای رام بودن در مقابل خداوند معنی پیدا می‌کند (سوره آل عمران آیه ۲۰) در قرآن کریم در تعدادی از آیات واژه اسلام نیز به کار رفته است که بر اساس آن‌ها خداوند اسلام را به عنوان بهترین دین معرفی می‌نماید (سوره مائده آیه ۳) و تنها دین مقبول نزد خداوند را اسلام معرفی می‌کند. (سوره آل عمران آیه ۱۹) همچنین ذکر شده است هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، همچنین در سوره انعام آیه ۱۲۵ نیز آمده است: هر که را خدا هدایت کند او را بخواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن می‌گرداند. بر اساس برخی دیگر از آیات قرآن نیز یک دین بیشتر وجود ندارد و همه پیامبران برای تبلیغ و ترویج همین دین آمده‌اند و میان پیامبران

تضاد و ناسازگاری و فرقی وجود ندارد (سوره شوری آیه ۱۳ و سوره بقره ۱۳۶ و سوره بقره آیه ۲۸۵) لذا بر اساس آیات کلام الله مجید، اسلام و مسلم بودن به پیامبران پیش از پیامبر نیز نسبت داده شده است. (سوره بقره آیه ۱۲۸ و سوره بقره آیه ۱۳۲ و آل عمران ۵۲) در نتیجه اسلام به معنای تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خداوند و اوامر اوست که توسط پیامبران الهی به مردم رسانده می شود.

## اسلام و انسان

با توجه به اینکه معماری بدون انسان فهمیده نمی شود و اصولاً انسان جزء لاینفک معماری است و معماری نه تنها به لحاظ منشا، بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است و انسان منشا، موضوع و هدف آن است و عمده تاثیر اسلام بر معماری به واسطه برنامه‌هایی است که برای زندگی بشر در نظر گرفته شده است. لازم است نگاه اسلام به انسان نیز مورد واکاوی قرار گیرد و هدف از خلقت انسان از نگاه قرآن مشخص گردد. زیرا کامل‌ترین مرجع برای درک مفهوم واقعی انسان را باید در قرآن جست و جو نمود.

در سوره بقره آیه ۳۰ خداوند انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده است و در آیه ۱۱۵ سوره مومنون به داشتن هدف از خلقت انسان اشاره می شود و همچنین وقتی از کلمه انسان در قرآن اسم برده می شود به وجودی در قالب یک حقیقت متعالی اشاره می شود تا آنجا که در سوره ملک آیه ۲ یکی از هدف‌های آفرینش انسان‌ها، آزمایش و امتحان معرفی شده است و یا در سوره طلاق آیه ۱۲ هدف از خلق انسان علم به قدرت بی پایان الهی و آگاهی به یگانگی خداوند است. همچنین در سوره هود آیه ۱۱۹ رسیدن به رحمت بی پایان الهی به عنوان هدف خلقت مطرح شده است اما شاید خاص‌ترین تعریف و هدف از خلقت انسان در سوره زاریات آیه ۵۶ آمده است «جن و انسان را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند». لذا هدف از خلقت انسان پرستش خداوند تعریف شده است. آیت الله طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می کنند. که خلقت بدون دلیل نبوده و تنها هدف خلقت همان عبادات است؛ به این صورت که خلق عابد خدا باشند، نه اینکه خدا، معبود خلق باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۸۶) لذا این عبادت راه به کمال رسیدن بشر است. آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر آیات فوق بیان می دارد که با اندکی تأمل در مفهوم آیات، مشخص است که تضاد و اختلافی در میان آن‌ها نیست و در واقع بعضی هدف‌ها مقدماتی، بعضی متوسط، و بعضی هدف نهایی‌اند، و بعضی نتیجه آن. لذا هدف اصلی همان «عبودیت» است و مسأله «علم و دانش» و «امتحان و آزمایش» اهدافی هستند که در مسیر «عبودیت» قرار می گیرند، و «رحمت واسعه خداوند» نتیجه این عبودیت است.

## اسلام و معماری

اسلام به عنوان: «مجموعه‌ای از باورهای قلبی که برآمده از امور فطری و استدلال‌های عقلی و نقلی است و تکالیف دینی

که از سوی خدای متعال بر پیامبر اسلام (ص) و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است». این تکالیف تمامی اموری را که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش دارد در بر می گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱) لذا معماری نیز از حوزه‌هایی است که باید از این منظر مورد توجه قرار گیرد و با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۷۱ سوره اسراء تاکید شده است که اسلام برای تمامی بخش‌های زندگی بشر و ادوار مختلف آن برنامه‌ای مشخص دارد که پیروی از آن‌ها سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد. لذا در بررسی آیات قرآن شاهدیم مبحث معماری و بویژه مسکن نیز در برخی از آیات مورد توجه قرار گرفته و فرامینی در این زمینه صادر شده است. پس از بررسی چنین آیاتی از قرآن متوجه خواهیم شد که نقشه و شکل خاصی برای ساخت فضاهای معماری و بویژه مسکن در نظر گرفته نشده است بلکه اصول و قواعد کلی مطرح شده است که می تواند بر شکل و جایگاه معماری تاثیر گذار باشد. لذا در ادامه آیاتی که به بحث معماری ارتباط پیدا می کنند، مطرح می گردند.

**مکان مناسب:** در آیه ۹۳ سوره یونس در کنار تاکید بر خردورانی از مسکن مناسب به عنوان یکی از نعمت‌های خداوندی و مورد پسند ادیان الهی، به مکان و جایگاه درست برای محل زیست اشاره شده است. همچنین در سوره عنکبوت آیه ۵۶ نیز به اهمیت محل سکونت اشاره شده است. در سوره المومنون آیه ۵۰ نیز خداوند موقعیت قرارگیری محل سکونت را از لحاظ دسترسی به نیازهای اساسی بویژه از نظر آرامش و امنیت و آب مورد توجه قرار می دهد. در سوره نحل آیه ۸۰ نیز مجدد به بحث آرامش در فضای مسکونی اشاره شده است.

**وسعت:** از دیگر مباحثی که در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، ابعاد فضای مسکونی است که برای مثال رسول خدا (ص) در احادیثی در کنار طلب افزایش روزی، خواهان وسعت منزل از خداوند می شود (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۴۸) همچنین از ایشان نقل شده است که سه چیز را در دنیا مایه سعادت مرد مسلمان دانسته‌اند، که از جمله آن‌ها به خانه وسیع اشاره شده است. (پیشین: ۴۱۵)

**دوری از تفاخر:** البته باید توجه داشت که وسعت منزل به هیچ وجه به معنای داشتن فضای مسکونی بزرگ در جهت تکبر و فخر فروشی نیست تا آنجا که در زمینه پرهیز از فخر فروشی خداوند کریم در سوره لقمان آیه ۱۸ و سوره التاكثر آیه ۲۱ به شدت تفاخر را مورد مذمت قرار داده است.

همچنین در سوره حدید آیه ۲۰ نیز خداوند زندگی دنیا را در حقیقت، بازی و سرگرمی ذکر کرده‌اند و آرایش و فخر فروشی به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان را سبب عذابی سخت در آخرت بر شمرده‌اند. همچنین در حدیثی از پیامبر نیز برپایی ساختمان به منظور خودنمایی و فخر فروشی مورد نکوهش قرار گرفته است. (بحارالانوار، ج ۷۳: ۹۵)

**عدم اسراف:** از دیگر آیات قرآن که به صورت غیر مستقیم به مقوله‌ی معماری و مسکن ارتباط دارد عدم زیاده روی و اسراف

کردن است در سوره الاسراء آیه ۲۷، یونس آیه ۸۳، سوره الانعام آیه ۳۱، سوره شعرا آیه ۱۵۲ و ۱۵۱ و سوره غافر آیه ۴۳ خداوند انسان را از افراط و اسراف نهی کرده است. همچنین در سوره شعرا آیه ۱۲۸ می‌فرماید: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟

البته همواره بزرگ بودن منزل و فضای مسکونی ناپسند نبوده بلکه نیت از ساخت و ساز و میزان و چگونگی استفاده از آن در این زمینه بسیار تاثیر گذار است تا آنجا که مولی علی (ع) در نهج البلاغه میهمانی گرفتن و دید و بازدید از اقوام و پرداخت حتی که خداوند بر گردن انسان نهاده است را از شرایطی می‌داند که داشتن خانه وسیع و بزرگ مورد نکوهش قرار نگیرد. (نهج البلاغه، ۲۱۶) همچنین رسول خدا نیز اضافه بودن خانه از حد نیاز ساکنین را مورد تاکید قرار داده‌اند. (بحارالانوار ج ۷۳: ۹۵)

**امنیت:** از نکات دیگری که در قرآن بدان اشاره شده است توجه به بحث امنیت بصری و حفظ حریم ساکنین در فضاهای معماری است تا آنجا که در سوره نور آیات ۲۷ تا ۲۹ به این حوزه اشاره شده است. همچنین خداوند در سوره نور آیه ۳۶ می‌فرماید: (این چراغ پر فروغ) در خانه هائی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آنها بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هائی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند. همچنین در دو حدیث از پیامبر مبحث حرمت امنیت ساکنین خانه از نگاه بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. رک (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۱۴۱) (محدثی، ۱۰: ۱۳۷۹).

**تزیین:** بحث تزیین و زیباسازی نیز از نکاتی است که قرآن در آیه‌های ۳۲ سوره اعراف و ۱۴ سوره نحل به آن‌ها اشاره نموده است. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: لباس خوب بپوشید و خانه‌هایتان را آباد کنید تا در میان مردم مانند خال رخساره باشید. (میزان الحکمه ج ۲: ۱۰۳)

**استحکام:** از مباحث دیگری که می‌توان در حوزه معماری از نگاه قرآن مورد توجه قرار داد بحث استحکام است که آن را می‌توان در سوره اعراف آیه ۷۴ دید. که خداوند به بحث مسکن و ساختن منزل‌های محکم اشاره می‌کنند. البته باید گفت محکم کاری و بی‌عیب سازی از نکاتی است که مورد توجه پیامبر اکرم ص نیز بوده است تا آنجا که ایشان فرموده‌اند: خداوند تعالی دوست دارد که هر گاه فردی از شما کاری کند، آن را محکم (و بی‌عیب) انجام دهد (میزان الحکمه ج ۹: ۴۰۷۷).

**نیت:** از نکات دیگری که در بحث فضاها مورد اهمیت و توجه است. نیت و تفکر افراد و بنیانگذاران است. آنچنان که در تفسیر آیه ۱۰۸ سوره توبه آمده است: ارزش هر چیز وابسته به اهداف و انگیزه و نیت بنیانگذاران آن دارد. ارزش مکان‌ها، بسته به افرادی است که به آنجا رفت و آمد می‌کنند. (تفسیر قرآنی، ۱۳۸۷: ۵۰۵) همچنین مولا علی فرموده‌اند: از اقامت در مراکز غفلت و ستمکاری و آنجا که مددکاران بر طاعت خدا اندک‌اند

بپرهیز. (نهج البلاغه، نامه ۶۹) همچنین در تفسیر آیه ۱۲۷ سوره بقره آورده‌اند: کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. (رک تفسیر قرآنی، ۱۳۸۷)

## بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد تا کنون تعاریف مختلفی از معماری اسلامی ارائه شده است و ویژگی‌های گوناگونی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند که به برخی از معروف‌ترین آن‌ها در بخش نخست اشاره شد، در بسیاری از آن‌ها بناهای ساخته شده بعد از اسلام در حوزه قلمرو جوامع مسلمان را به عنوان معماری اسلامی معرفی نموده‌اند و یا به طرح تعریف‌هایی پرداخته شده است که تا حد بسیاری انتزاعی است و بر اساس آن نمی‌توان تفاوتی بین هنرها و معماری اسلامی و غیر اسلامی قائل شد. نقص عمده دیگر آن‌ها را باید در عدم توجه به صفت اسلامی دانست. زیرا زمانی که ما کلمه اسلام را به واژه‌ای دیگر نسبت می‌دهیم، باید در گام اول نگاه اسلام به آن مقوله مشخص گردد و بر اساس تعالیم، تفکرات و احکام دین اسلام این نسبت را برقرار نماییم.

نگارنده اعتقاد دارد بسیاری از آثاری که بعد از اسلام ساخته شده‌اند را نمی‌توان به عنوان معماری اسلامی مطرح نمود هر چند که ممکن است در برخی از آن‌ها فرهنگ اسلامی نفوذ کرده باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که سه واژه گوناگون برای نامگذاری طیف عظیمی از ابنیه ساخته شده بعد از اسلام در نظر گرفته شود. عنوان اول معماری در دوران اسلامی، عنوان دوم معماری مسلمین و عنوان سوم معماری اسلامی است.

عنوان اول معماری دوران اسلامی که اغلب آثار تاریخی ساخته شده در جهان اسلام و تحت قلمرو حکومت‌های مسلمان را در بر می‌گیرد. این دسته از آثار، معماری و تزیینات وابسته به آن را که بعد از ظهور اسلام در جایی جای جهان اسلام به وجود آمده است را شامل می‌شود و ممکن است در شکل یابی آن‌ها فرهنگ‌ها و آثار تمدنی قبل از اسلام نیز نقش داشته باشد و یا بانی و معماران نیز غیر مسلمان بوده باشند. این دسته از آثار تاثیر باورها و فرهنگ‌های اسلامی را در خود دارند هر چند ممکن است که اهداف ساخت و بنیانگذاری آن‌ها با تعالیم اسلامی هم سو نباشد و یا حتی در تعارض قرار بگیرد. از جمله چنین آثار معماری می‌توان به تعداد چشم‌گیری از کاخ‌ها اشاره نمود (کاخ‌های اموی همچون خربه المفجر، قصر الحیر شرقی و غربی) که در پژوهش‌های عرصه هنر و تمدن اسلامی به عنوان معماری اسلامی مطرح شده‌اند، در حالی که در واقع تعالیم اسلامی با ساخت چنین ابنیه‌ای که نشانگر تفاخر و خود بزرگی بینی است و به شدت در بخش‌های مختلف آن اسراف صورت پذیرفته است و نیت از ساخت آن‌ها نیز بهبود کیفیت جامعه اسلامی و کمک به بهبود شرایط زندگی و سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان نیست، مخالفت است.

گروه دیگر از آثار را باید معماری مسلمین نامید اینگونه از آثار نیز در گستره جهان اسلام و در دل شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی ساخته شده‌اند و اغلب آن‌ها دارای کارکردها و کاربری‌هایی هستند که جنبه دینی و یا عام‌المنفعه دارند و با زندگی مردم و رفع احتیاجات آن‌ها رابطه نزدیک دارد و لذا تاثیر ارزش‌ها و باورهای اسلامی بسیار بیشتر از دسته‌ی قبل در آن‌ها دیده می‌شود. از جمله آن‌ها می‌توان به مساجد اشاره نمود. این شکل از آثار نیز تا حد زیادی متأثر از شرایط اقلیمی، فرهنگی و تمدنی سرزمینی هستند که اثر معماری در آنجا ساخته شده است و ممکن است اینگونه از معماری دارای اشکال و فرم‌های مختلف باشند اما کارکردهای برگرفته از شریعت اسلامی و همچنین بودن تحت لوای فرهنگ اسلامی سبب مشابهت‌هایی در ظاهر و تزئینات آن‌ها در کل جهان اسلام شده است.

دسته سوم تحت عنوان معماری اسلامی مطرح می‌شوند و برای اینکه بتوان به اینگونه از آثار صفت اسلامی را نسبت داد باید به سه واژه اسلام، انسان و معماری از نظر قرآن کریم بدان نگریم. همانگونه که بحث شد اسلام به معنای تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خداوند و اوامر اوست که توسط پیامبران الهی به مردم رسانده می‌شود و هدف از خلقت انسان علم و دانش و «امتحان و آزمایش و هدف غایی «عبودیت» است و دو هدف دیگر در مسیر «عبودیت» قرار می‌گیرند و «رحمت و اسعه خداوند» نتیجه این عبودیت است. لذا معماری اسلامی باید از لحاظ مفهوم و کارکرد با تعریف اسلام از منظر قرآن سازگاری داشته باشد و در آن بتوان تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خدا و اوامر او را دید و لذا هدف و غایت آن نیز با توجه به اینکه برای انسان و در خدمت انسان است فراهم نمودن بستر برای عبودیت انسان باشد و در کنار اینکه بشر را در راستای سعادت و تکامل و عبادت الهی یاری می‌کنند، دارای کارکردهای خدامحورانه باشد. اینگونه از آثار با هدف و انگیزه قرب الهی و در راستای پاسداشت دستورات اسلامی به وجود خواهند آمد و همچنین ارزش این ابنیه وابسته به افرادی خواهد بود که به آنجا رفت و آمد می‌کنند. اینگونه آثار که در اصل بر اساس تعالیم قرآنی، مستحکم و ایمن و به دور از تفاخر ساخته شده‌اند و قرار است نیازهای مومنین را برای داشتن یک زندگی سعادت‌مند و ایمن فراهم کنند و جوابگوی نیاز مادی و معنوی انسان مسلمان در دنیای روز نیز باشد.

همانگونه که در بحث اسلام و معماری آمد در تعالیم اسلامی بسیار محدود پیرامون معماری به صورت مستقیم بحث شده است و بیشتر مفاهیمی مد نظر بوده‌اند که به طور غیر مستقیم بر ساخت و ساز تاثیر می‌گذارد و لذا معماری مد نظر اسلام معماری در خدمت زندگی انسان مسلمان است. لذا این ویژگی سبب می‌شود دارای اشکال و صورت‌های مختلفی باشد و در ساخت آن‌ها از مواد و مصالح مختلف و تکنیک‌های گوناگون متناسب با هر دوره از زمان استفاده شود. تا آنجا که قرآن به انسان یادآوری می‌کند که باورهای گذشتگان را تا زمانی که با معیار عقلی نسنجیده شده

نپذیرید و از سنت‌گرایی بی‌مورد پرهیز کنید. (رک سوره بقره آیه ۱۷۰) لذا این اعتقاد که در توسط برخی از محققین بویژه اروپایی به وجود آمده است که معماری اسلامی شکل مشخصی دارد قابل قبول نیست. هر چند که باید این نکته را ذکر کرد چون فرهنگ به شدت می‌تواند بر معماری و کارکردهای آن تاثیر گذار باشد، لذا فرهنگ خاص اسلامی نیز فرم‌ها و کارکردهای خاص خود را به وجود می‌آورد و همین نکته است که سبب تفاوت معماری اسلامی با دیگر گونه از ابنیه می‌گردد هر چند که مطابق با تعالیم اسلامی و بحث اجتهاد شاهد هستیم که با تغییر زمان تغییرات عمده‌ای نیز در سبک زندگی و فرهنگ بشر نیز به وجود خواهد آمد و لذا معماری اسلامی، معماری پویا و جلو رونده می‌باشد و همواره یک شکل را دنبال نمی‌کند.

حال باید گفت آغاز معماری اسلامی را باید همزمان با بعثت پیامبر دانست و همچنین نمی‌توان پایانی نیز برای آن بر خلاف تصور پژوهشگران اروپایی که دوران قبل از تاریخ معاصر را دوران افول معماری اسلامی می‌دانند بر شمرده و معماری اسلامی می‌تواند فارغ از زمان و مکان همواره تا ابد ظهور پیدا کند.

## فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم.
۳. اتینگه‌ورن، ریچارد و الگ گرابار (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی ۱، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
۴. علامه محمد بن باقرین محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، انتشارات اسلامی، ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۵. بلر، شیلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۱)، هنر معماری اسلامی ۲، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.
۶. بمانیان، محمد رضا؛ ارجمندی، سحر و فرزانه علی محمدی (۱۳۹۲)، «تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه مورد: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، ۸۹-۱۰۰.
۷. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ: چهارم، تهران.
۸. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۹. حر عاملی (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم.
۱۰. سعدوندی، مهدی و محمد مهوش (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲۱، ۴۷-۵۶.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، چاپ اول، قم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷) ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹)، مشکاة الأنوار، ترجمه هوشمند و محمدی، چاپ اول، قم.



۱۴. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱)، **ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری**، نشر فضا، تهران.
۱۵. فیشر، ساول (۱۳۹۸)، **فلسفه معماری، مدخل فلسفه معماری**، انتشارات فلسفه استنفورد، ترجمه مهدی محمدی و حسین رهنما، انتشارات فکر نو، تهران.
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، **تفسیر نور**، انتشارات موسسه درس‌هایی از قرآن.
۱۷. کلینی، ثقة الاسلام (۱۳۶۵)، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، **أصول الکافی**، ترجمه مصطفوی، چاپ: اول، تهران.
۱۹. کورت گروت (۱۳۸۳)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۰. گرابار، الگ (۱۳۷۹)، **شکل‌گیری هنر اسلامی**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات نشر دانشگاهی، تهران.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۵)، **آداب و سنن** (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، چاپ: اول، تهران.
۲۲. محدثی، جواد (۱۳۷۹)، **اخلاق معاشرت**، حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، جلد سوم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).
۲۵. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری**، انتشارات فکر نو، تهران.
۲۶. نقره‌کار، عبدالحمید و محمدمنان رئیسی (۱۳۹۱)، «تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، ۵-۱۲.
۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و علی محمد رنجبر کرمانی (۱۳۹۷)، **تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی**، جهاد دانشگاهی، قزوین.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ اول، قم.
۲۹. الهی‌زاده، محمد حسن و راضیه سیروسی (۱۳۹۳)، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، **فصلنامه سبک زندگی دینی**، شماره ۱، ۳۵-۷۰.
۳۰. ورنویت، استیون (۱۳۸۵)، «ظهور و رشد باستان‌شناسی اسلامی»، ترجمه پروین مقدم، **مجله گلستان هنر**، شماره ۴، ۳۵ الی ۵۰.
۳۱. هیلند براند، رابرت (۱۳۸۳)، **معماری اسلامی**، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.
32. Grube E, (1978), What is Islamic Architecture?, in George Michell, ed. , Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning, London: Thames and Hudson, 10-14.
33. Grabar, O, (1983), Reflections on the Study of Islamic Art, Muqarnas, 1, 1-14.
34. Grabar O, (2003), What Should One Know about Islamic Art?, RES, 43, 5-11.
35. Peterson, (1996), Dictionary of Islamic Architecture, published by Routledge, London.
36. Rabbat, N. (2012). Islamic Architecture as a Field of Historical Enquiry, Journal of Art Historiography, (6), 17.



## A study on Islamic architecture quiddity

**Sattar Khaledian** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor Department of Archaeology, Shiraz University of Arts

\* E-Mail: [S.khaledian@shirazart.ac.ir](mailto:S.khaledian@shirazart.ac.ir)

فصلنامه  
شیرازی هنر

Vol. 10, No. 40: Summer 2020

### **Abstract:**

Islamic architecture is a recurring term in research on Islamic art and civilization. A wide range of works made in the Islamic world has been named with this word and scholars have tried to define and mention its features, in which, there is almost no relationship between Islam as a divine religion and architecture, and only the characteristics of buildings are mentioned. In this research, came to light by descriptive-analytical study method based on gathering of information in the library, after the analyses of the definitions of Islamic architecture, two questions are asked about it: what it is and when did this form of architecture begin and end. Therefore, based on the inference from Quranic verses and religious doctrine, Islamic architecture refers to a type of architecture that, rather than seeking a specific shape and form, should help Muslims to achieve perfection and the ultimate goal of human creation, which is to worship God. This kind of architecture started at the same time with the mission of the Holy Prophet "PBUH" and will continue until the end and will not be limited to a specific region and a specific time.

**Keywords:** Islam, architecture, Islamic architecture, Muslim architecture.



# Recognition of the semantic components the Iranian-Islamic city Alleys; Case study: Historical context of Sari city

**Rasoul Abdi Malek Kalaei**

Ph.D Student, Art University of Isfahan, Iran.

**Abdolmajid Noortaghani**

Assistant Professor, University of Golestan, Iran.

**Mahdi Sadvandi** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor, Art University of Isfahan, Iran.

\* E-Mail: [saedvandi@yahoo.com](mailto:saedvandi@yahoo.com)

## Abstract:

In addition to its functional role to provide communication and access to the venue of social and cultural activities, for a long time, the alley was considered as an important part of urban spaces in the context of Iranian cities. Many of these social behaviors are based on a set of meanings. For this research, the alleys of the historical context of Sari city were selected as a physical-cultural case study, because this city has a long history from pre-Islamic to the post-Islamic urban planning undergoing various changes. This research is based on the exploratory factor analysis research method which is a branch of correlation research and has been done by the analysis of covariance matrix method. This research seeks to explore the system of hidden meanings behind the current behaviors and activities in the alleys of the historical context of this city. In order to obtain appropriate measurement tools, a number of semi-structured interviews were conducted with a number of residents and some of the meanings of the alley were extracted from the results. By observation method, current activities in the alleys were recorded during the research period and the results were implemented in the objective-content table. The obtained meanings were completed with documentary sources and then a preliminary questionnaire was prepared and distributed among the statistical sample and the preliminary results were obtained. According to the results, the questionnaire was edited and the final questionnaire was prepared and distributed among the statistical population and the final results extracted. The results of the research show the continuity of tradition and social values derived from Islamic teachings in combination with Iranian culture in historical contexts. Gaining respect and social approval are other most important values of living in this place with the pattern of Iranian-Islamic culture. In the final research model, the role of other effective components in the formation of the network of alley meanings is shown.

**Keywords:** Meaning components, meaning regulation, alley, historical context.

# Evaluation and Ranking of Factors Affecting the Perception of Spirituality Sense in the Interior of Mosques; Case study: Nasir Al-Molk Mosque – Shiraz

**Mohammad Reza Maleki**

Phd Student, Department of Architecture, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

**Qader Bayzidi** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Architecture, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

\* E-Mail: [q\\_Bayzidi@yahoo.com](mailto:q_Bayzidi@yahoo.com)

**Ali Yoonessi**

Assistant Professor, Department of Neuroscience and Addiction Studies, School of Advanced Technologies in Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

**Farzin Charehjo**

Assistant Professor, Department of Urban Planning and Design, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

## Abstract:

The design of mosques in the history of Iranian architecture seems to be the Climax of Islamic art and architecture. The architecture of mosques seeks inspiration of concepts of the divine world in order to create an atmosphere that connect the material world to the immaterial world and creates a single spiritual space. In this study, the effect of factors affecting the perception of spirituality in the interior of Nasir Al-Molk Mosque in Shiraz has been investigated. In this regard, first the parameters that affect the perception of the sense of spirituality are determined and then 120 questionnaires are collected from architecture and urban planning students of Shiraz University, the validity and reliability of which has been confirmed by Cronbach's alpha. Then, by modeling the structural equations of partial least squares (PLS-SEM), it is analyzed to determine the relationship between the parameters on each other. Factors affecting the perception of spirituality are social, sensory, somatic and environmental factors that the results show that there is a significant difference in the ranking of indicators. In the following, the indicators are arranged based on the degree of impact on the perception of spirituality from rank 1 meaning the most impact to rank 15 meaning the least impact. Findings show that the greatest impact on the perception of spirituality is related to somatic indicators.

**Keywords:** Architecture, Sense of Spirituality, Nasir Al-Molk Mosque, Structural Equation Modeling.



# Revisiting the Spatial Organization of Neighborhoods in the Iranian City in Terms of the Tradition of Mortmain

## Case Study: Aligholi Agha neighborhood, Isfahan

**Mina Kashani Hamedani**

PhD candidate in urban development, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

**Hassan Sajjadzadeh** \*(Corresponding Author)

Associate professor at the department of urban development, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

\* E-Mail: [sajadzadeh@basu.ac.ir](mailto:sajadzadeh@basu.ac.ir)

### Abstract:

Mortmain has been existing for a long time in the field of urbanization. It is a multifaceted phenomenon with various physical, functional, social and economic dimensions. Identifying the effect of mortmain endowment on the building blocks of Iranian-Islamic cities, especially through a historical approach, will help to clarify this concept. With its unique historical neighborhoods, the city of Isfahan which was mainly developed in the Safavid era under the influence of the idea of the Islamic city and mortmain offers a perfect opportunity for innovative historical research. From among the numerous historical neighborhoods in Isfahan, the neighborhood of Aligholi Agha was selected as the case of the present study due to the survival of its mortmain deeds. The hypothesis of this research is the influence of mortmain on the shape of Aligholi Agha neighborhood. The research seeks to find an answer to the question of how tradition of mortmain has affected the structure and creation of traditional neighborhood spaces?. Accordingly, the purpose of this article is to analyze the spatial structure and physical elements of traditional neighborhoods from the perspective of mortmain tradition and based on the structuralism approach in Islamic city studies. Accordingly, in the process of traditional neighborhoods regeneration, a sustainable spatial organization can be achieved by relying on research findings. For this purpose, the research was conducted through a descriptive-analytical method, while reviewing the literature of the position of mortmain in Islamic thought and its impact on the structure of the Islamic city, and using library-documentary as well as field observations, historical documents and maps, and existing mortmain deeds. Our findings indicate that mortmain has been effective in the formation and further historical development of Aligholi Agha neighborhood centers in Isfahan and creating public buildings such as mosques, bath and other public buildings in this neighborhood. Also, due to the doctrinal and social dimensions of the mortmain tradition, the development and creation of Aligholi Agha neighborhood buildings, has created an interconnected and intertwined structure in the center of the neighborhood and has created sensitivity and participation of people in preserving and reviving traditional buildings in this neighborhood.

**Keywords:** mortmain, neighborhood, Iranian-Islamic city, Aligholi Agha neighborhood, Isfahan.

## Cultural Analysis of Space in In Kurdish Residential Architecture Case Study: Traditional Houses in Mukrian (The City of Sardasht)

**Elham Rashidzadeh** \*(Corresponding Author)

1Department of Architecture, Sardasht Branch, Islamic Azad University, Sardasht, Iran.

\* E-Mail: r.elham@ymail.com

**Foad Habibi**

2Department of Social Sciences, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

### Abstract:

Space is one of the most important architectural issue whose form, structure and organization are directly related to culture. In fact, the aspects and components of culture in the built environment are appear in the form of space. It can be said that architecture organizes the social and cultural laws inherent in customs and habits through the language of physical appearance and space. Therefore, the way of organization, order and type of spaces, in addition to representing the cultural background and identity of residents, also affects the social structure of the user of the space. The main purpose of this study is investigateting the nature of residential architecture in the region of Kurdistan Makri (Mokrian), with emphasis on the characteristics and features of the architectural space and how it is organized and arranged from the perspective of culture. To achieve this goal, using a qualitative method of ethnography, the totality of Kurdish culture is based on more tangible variables that affect the architectural space (lifestyle, family structure, gender role (status of women), privacy and the process of social relations) in the relationship with the shape of houses has been investigated. Architectural data collection (planning, sketching and photography) using the field method in relation to the shape of traditional houses (urban houses) in Sardasht, located in northwestern Iran, as a general example and studies of urban housing and verancular architecture The Kurdish region of Mokrian has been done. Therefore, in order to analyze the spatial structure, the space layout pattern and their diagram were drawn using Agraph software. Then, the correlation indices, Relative Asymmetry, Mean depth Cv (control) of the spaces were analyzed using mathematical relationships of spacetime for each sample. The general results of the research show that the traditional architecture of Mokrian region is a combination of introverted and extroverted architecture. In the urban houses of this region, the issue of privacy has a complex structure due to the specific culture of the Kurds, and most of the spaces have a public dimension. The status and position of women in the house and family system in terms of the number of spouses is very important in the way of space organization that reflects behaviors derived from their culture, local customs and social structure.

**Keywords:** space, Kurdish culture, house, space syntax, traditional houses(urban houses).

# Recognition of the area and elements of Isfahan's Lonban neighborhood in the Qajar period

**Mahsa Payedar**

M.Sc. in Iranian Architecture Studies, Isfahan Art University, Isfahan

**Mohsen Afshary** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture Department ,School of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

\* E-Mail: [m.afshary@aiui.ac.ir](mailto:m.afshary@aiui.ac.ir)

## Abstract:

Life in the traditional cities of Iran until the end of the Qajar period was organized in the form of a neighborhood, which suffered a physical and functional rupture following the urban development of the Pahlavi period. Over time, changing the lifestyle and accelerating its process caused semantic changes, isolation and destruction of neighborhood structures from the collective memory of citizens. Since the neighborhood is the bedrock of current life in the old city and the most important residential scale, it is important to study its structure and key elements. However, not much research has been done on the structure of neighborhoods in Isfahan during the Qajar period and in order to identify each neighborhood from the perspective of architectural history studies. In this regard, Lonban neighborhood, which is one of the oldest and largest neighborhoods in Isfahan and located in the western part of the city will be studied in the mentioned period. The purpose of this recognition is to examine and map the historical background of one of the most important historical cities of Iran. The present research has been done by historical-interpretive method and using valid written historical sources. Historical data from which the existence of the neighborhood originated or was important to local people were compiled and extracted as key components from various sources, including maps, travelogues, historiographies, etc., and with different perspectives on the five categories of natural, historical, economic and occupational, demographic, and physical characteristics were explained. Finally, using the studies and matching with Seyyed Reza Khan's map, the area of this neighborhood in the city of Qajar period was redrawn and the key elements in this neighborhood were identified and their positioning was done. These studies are not only valuable in terms of urban historiography, but as a structure derived from human behaviors and activities over a long period of time and in accordance with their natural environment, it is essential for the process of improving the quality of today's cities.

**Keywords:** Recognition, Neighborhood, Lonban, Isfahan, Qajar period.

## Contents

|  |    |
|--|----|
| <b>Recognition of the area and elements of Isfahan's Lonban neighborhood in the Qajar period</b> .....   | 5  |
| Mahsa Payedar, Mohsen Afshary  |    |
| <b>Cultural Analysis of Space in In Kurdish Residential Architecture; Case Study: Traditional Houses in Mukrian (The City of Sardasht)</b> .....                             | 17 |
| Elham Rashidzadeh, Foad Habibi   |    |
| <b>Revisiting the Spatial Organization of Neighborhoods in the Iranian City in Terms of the Tradition of Mortmain; Case Study: Aligholi Agha neighborhood, Isfahan</b> ..... | 33 |
| Mina Kashani Hamedani, Hassan Sajjadzadeh  |    |
| <b>Evaluation and Ranking of Factors Affecting the Perception of Spirituality Sense in the Interior of Mosques; Case study: Nasir Al-Molk Mosque – Shiraz</b> .....          | 45 |
| Mohammad Reza Maleki, Qader Bayzidi, Ali Yoonessi, Farzin Charehjo   |    |
| <b>Recognition of the semantic components the Iranian-Islamic city Alleys; Case study: Historical context of Sari city</b> .....   | 55 |
| Rasoul Abdi Malek Kalaei, Abdolmajid Noortaghani, Mahdi Sadvandi   |    |
| <b>A study on Islamic architecture quiddity</b> .....  | 65 |
| Sattar Khaledian   |    |



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).





# *Iranian-Islamic City*

Vol. 10, No. 40, Summer 2020

Publisher: Institute of Humanities and Social Studies, Iraninan Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

## Editorial Committee:

**Managing Director:** Dr. Iraj Feyzi

**Editors -in- Chief:** Dr. Hossein Kalantari khalilabad

**Farsi-Editor:** Sepideh Seyyed faraji

**Administrative Director:** Eng. Masoud Dadgar

**Executive Affairs:** Eng. Mansour Nadiri

## Editorial Board, in alphabetical order:

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| ● Dr. Mohamadreza Bemanian        | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares                             |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar           | Prof. of Urban Architecture, University of Science and Industry                  |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad            | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti                           |
| ● Dr. Ahmad Pourahmad             | Prof. of Geography, University of Tehran   |
| ● Dr. Mohamadreza Pourjafar       | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares                             |
| ● Dr. Esmail Zarghami             | Prof. of Architecture and Urban Planing, University of Shahid Rajaei             |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour         | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti                             |
| ● Dr. Parvaneh Shah Hosseini      | Associate Prof. of Center for Research and Development in the Humanities of SAMT |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of Institute of Humanities and Social Studies, ACECR                       |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar         | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina                                  |
| ● Dr. Mohammad Masoud             | Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan             |
| ● Dr. Abolfazl Meshkini           | Associate Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti                   |



---

Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Humanities and Social Studies of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66951593-5

Fax: +98 (21) 66492129

<http://iic.ihss.ir>

E-mail: [iic@ihss.ir](mailto:iic@ihss.ir)

---

